

نگاهی به :

ترکمن چای



تألیف :

حسین حسینی فرزند آغاچ

نگاهی به :
ترکمن چای

تألیف :

حسین حسینچی قره آغاج

اسفند ماه ۱۳۶۶

شناسنامه کتاب

نام کتاب : نگاهی به ترکمن چای

نام مولف : حسین حسینیچی قره‌آغاچ

ناشر : مولف

قیمت : ۱۳۵۰ ریال

تیراژ : ۴۰۰۰ جلد

قطع : وزیری

لیتوگرافی : سازمان چاپ هادی ، تبریز

چاپ : تابش

چاپ دوم : زمستان ۶۹

حق چاپ محفوظ و مخصوص مولف می باشد

تصویر روی جلد : نخستین برخورد پاسکیویچ با عباس میرزا در دهخوارتان

(۷ نوامبر ۱۸۲۷ - ۲۹ ربیع الثانی ۱۲۴۳)

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۱۶-۹	وضعیت جغرافیائی و طرز معیشت هر ترکمن چای
۱۸-۱۷	وجه تسمیه ترکمن چای
۲۸-۱۹	سیما و شکل خانه در ترکمن چای
۳۹-۲۷	کشاورزی سنتی و آداب آن
۲۱-۳۹	دامداری سنتی
۴۳-۲۲	پزشکی عامیانه دامها
۲۲-۳۳	علل رکود کشاورزی در ترکمن چای
۵۷-۳۲	سنن همسرگزینی در ترکمن چای
۵۸-۵۷	دختران دم‌بخت
۵۹-۵۸	احتمادات درباره زنان نازا
۶۰-۵۹	ویار و بلورهای مربوط به آن
۶۱-۶۰	پیشگویی درباره پسر و یا دختر بودن بچه
۶۲-۶۱	مرحله زایمان و باورهای مردم درباره آن
۶۲	باورها و سنن درباره جفت و ناف بچه
۶۲-۶۲	سنن و باورها از روز تولد نوزاد تا روز دهم
۶۲	مراسم حمام بردن زائو
۶۵-۶۲	مراسم نامگذاری

صفحه	عنوان
۶۶-۶۵	شیربها
۶۶	از شیرگرفتن بچه
۶۷-۶۶	دندان در آوردن بچه
۶۹-۶۷	مراسم ختنه کردن کودکان
۷۲-۶۹	سیستم خانواده در ترکمن چای
۷۳-۷۲	علل ازهم پاشیدن خانواده در ترکمن چای
۷۶-۷۳	اصطلاح های خطاب در ترکمن چای
۷۶	انواع ازدواج در ترکمن چای
۷۹-۸۷	تقسیم کار در بین افراد خانواده بر حسب جنس و سن
۸۲-۷۹	روابط اهل خانه با یکدیگر
۸۶-۸۵	روابط همسایگان با یکدیگر
۸۷-۸۶	اقامت
۹۰-۸۷	معتقدات مردم ترکمن چای
۹۳-۹۰	پزشکی عامیانه
۹۶-۹۳	مراسم مرگ و میر در ترکمن چای
۹۸-۹۶	۱- مراسم غسل و کفن در ترکمن چای
۱۰۱-۹۸	۲- اولی به مه‌ئی
۱۰۲-۱۰۱	۳- مراسم «ای له شمه»
۱۰۳-۱۰۲	۴- مراسم برگزاری چله میت
۱۰۴-۱۰۳	الف - اموال منقول
۱۰۴	ب - اموال غیر منقول
۱۰۶-۱۰۵	مراسم عزاداری سیدالشهداء علیه السلام
۱۰۷-۱۰۶	ترتیب عزاداری
۱۰۷	مراسم جشنها و اعیاد
۱۱۲-۱۰۷	۱- چهارشنبه سوری

حروفائیکه در لاتینی با یاتی‌ها
استعمال شده

آ	â
ا	a
ب	b
پ	p
ت - ط	t
ای	i
ا	l
ع	j
ع	ç
ح - ح	H
خ	x
د	D
ر	r
ذ - ز - ظ - ض	z
س - ث - سی	s
نی	š
او - ح	u
قی - کی	g
خ - ی	q
کی	f
ک	k
ل	l
ن	N
م	m
و	v
ی	y

حروفات لاتینی که در متن
کتاب استعمال شده‌اند

آ	â
ا	a
ب	b
پ	p
ت - ط	t
ای	i
ا	l
ع	j
ع	ç
ح - ح	H
خ	x
د	D
ر	r
ز - ذ - ض - ظ	z
ث - س - سی	s
ش	š
او - ح	U
غ - ق - کی	g
ف	f
ک	k
ل	l
ن	N
م	m
و	v
ی	y

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۱۵-۱۱۲	۲- مراسم نوروز
۱۱۶-۱۱۵	۳- مراسم عید قربان
۱۱۸-۱۱۶	صنایع دستی
۱۱۸	پوشاک محلی مردم ترکمن چای
۱۱۹-۱۱۸	الف - پوشاک مردان
۱۱۹	ب - پوشاک زنان
۱۲۰	اوزان و مقادیر
۱۲۰	الف - اندازه گیری وزن
۱۲۱	ب - واحد طول
۱۲۱	ج - واحد سطح
۱۲۲-۱۲۱	ضرب المثلها
۱۲۲-۱۲۳	چیستانها
۱۲۴-۱۲۵	بایاتیها
۱۶۵-۱۲۵	عهدنامه ترکمن چای

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه

با توفیق خداوند منان نخستین چاپ کتاب «نگاهی به ترکمن چای» که در پیشروی پژوهشگران قرار میگیرد تحقیق و بررسی آن در سال ۱۳۵۷ بتشویق و ترغیب جناب آقای رحیمیان مدیر کل وقت اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجانشرقی آغاز گردید .

جای بسی خوشوقتی و امیدواری است که سطور مندرج این کتاب که موضوع آن معیشت و آداب و رسوم جامعه روستائی ترکمن چای می باشد مورد پسند خوانندگان قرار گیرد و از اینکه بسی نقصان در امر تحریر این کتاب بدست این ناچیز رقم زده شده نادیده انگارند و آنرا از ضعف بنیه دانش اینجانب قلمداد نموده پوزش بجای را بپذیرند .

مردم شناسان و محققان مردم شناسی فرهنگی « اثنولوژی » 'جملگی بر این عقیده اند که استقلال و حیثیت هر جامعه بخاطر علایق و ایمان به آب و خاک و فرهنگ مادی و معنوی سرزمین خود بستگی دارد . بنابراین اجتماعات بشر هستی خود را مدیون حرکات و رفتار متقابل افراد و تشکیلات اجتماعی می باشند . بطوریکه میدانیم هیچ جامعه بشری عاری از فرهنگ نیست بلکه فرهنگ هر قوم هر قدر هم ساده باشد

دارای يك سلسله ارزش‌های مادی و معنوی می‌باشد .

بسیاری از سیاست‌های استعماری کوشیدند که در مستعمرات خود حس میهن‌پرستی و دل‌بستگی به قومیت ، سنن ، آداب و رسوم ملتها را دگرگون نمایند و آنان را از مظاهر مادی و معنوی خود بیگانه‌سازند و به استعمارشان بکشانند و در این راه نمی‌توانند پیشرفتی حاصل کنند ، مگر فرهنگ ملتی را که در قالب مادی و معنوی خلاصه می‌شود تخریب نمایند و قالب‌های فرهنگی خود را جایگزین سازند .

در خاتمه اردوستان دانشمند خود که در امر تحریر این کتاب مرا یاری نموده‌اند آقای بیژن سرتیپ زاده ، آقای سید جمال ترابی طباطبائی ، آقای میرابی قدردانی بعمل می‌آورم .

بالاخص مدیر کل دانشمند مرکز مردم‌شناسی آقای شریعت‌زاده که مرا در امر چاپ این کتاب تشویق نمودند تشکر می‌نمایم .

حسین حسینی قره‌آغاچ

اسفند ماه ۱۳۶۶

وضعیت جغرافیائی و طرز معیشت در ترکمانچای

« ترکمان (ت ک) (اخ) یکی از بخشهای سه گانه شهرستان میانه که از شمال محدود است به شهرستان سراب و از جنوب به بخش مرکزی و از خاور به بخش ترک و بستان آباد شهرستان تبریز . این بخش عموماً کوهستانی و سردسیر و دارای آب و هوای سالم است . قراء آن همه در دره های ارتفاعات بزکش واقع است و آب این بخش از رودخانه های کوچک محلی برزلیق ایشلیق و النجارق تأمین میگردد . راه شوسه تبریز از دهستان تیرچائی و بروانان این بخش میگذرد و بغیر از دهات ایشلیق ، کللاه ، خواجده ، اوملق و ترکمان که دارای راه ماشین رو تسطیح شده می باشند . و دیگر آبادیهای واقع در کنار شوسه ، بقیه دهات آن دارای راه مالرو است و خط آهن میانه بمرآغه از جنوب دهستان اوج تپه بخش عبور می نماید تقسیمات اداری بخش بشرح زیر است :

دهستان تیرچائی ۴۲ آبادی ۱۷۲۳۹ تن سکنه

بروانا ۲۸ « « ۲۵۶۱۶ « «

اوج تپه ۵۸ « « ۱۶۲۴۳ « «

جمع ۱۲۰ آبادی با ۵۹۰۸۹۹ تن سکنه^۱

« ترکمان (ت ک) (اخ) قصبه از دهستان بروانان است که در بخش ترکمان

۱- (از فرهنگ جغرافیائی ایران جلد ۴) .

شهرستان میانه و ۳۳ هزار گزی شمال باختری میانه و ۳ هزار گزی شوسه میانه تبریز قرار دارد. مرکز بخش دارای پست بهداشتی، شعبه تلفن و دبستان است. مختصات جغرافیائی آن بقرار زیر است عرض ۳۷ درجه و ۳۴ دقیقه و ۴۱ ثانیه ارتفاع از سطح دریا تقریباً ۱۶۰۰ گز و اختلاف ساعت آن با تهران ۲۰ دقیقه یعنی ساعت ۱۲ ترکمان برابر با ساعت ۱۲ و ۲۰ دقیقه تهران است و ۲۷۵۱ تن سکنه دارد. عهدنامه مشهور ترکمانچای بین ایران و روس در این محل بسته شد. کوهستانی و معتدل است. آب آن از چشمه و رود ترکمان (ترکمانچای) و محصول آنجا غله و نخود سیاه و شغل اهالی زراعت و گلهداری است راه شوسه دارد^۱.

ترکمانچای (تک) (عهدنامه) (اخ) در اواخر سال ۱۲۴۱ ه. ق. (۱۸۲۸ م.) قشون روس علی‌رغم عهدنامه گلستان که براساس آن بیش از نیمی از سرزمین قفقاز را در تصرف خود درآورده بود با حمله ناگهانی بطرف ایران سرازیر شدند و لشکریان ایران با همه کوشش عباس میرزای نایب‌السلطنه نتوانست در مقابل هجوم اشغالگران پایداری نماید و بشکست مجدد ایران و عهدنامه‌ای که سنگین‌تر از عهدنامه گلستان بود منجر گردید. این عهدنامه که در قریه ترکمانچای منعقد گردید، بهمین نام مشهور شد و بموجب آن بقیه خاک قفقاز تا ساحل ارس بدولت روس تسلیم گردید. بموجب همین عهدنامه انحصار کشتی‌رانی در دریای مازندران و حق قضاوت کنسولی در داخل ایران بدولت روس تفویض شد و تحملات سنگین دیگری بدولت وارد گردید. و رجوع آن برمرآت‌البلدان ج ۱ ص ۴۱۰ و عهدنامه ترکمانچای شود^۲.

بخش ترکمانچای در محوطه سبز و خرمی قرار گرفته و رودخانه‌ای بهمین نام از سرتاسر آن میگذرد و حدود آن از شمال بدهکده‌های ورزقان (Varzgan)، ورن‌کش (Varnkes)، از مشرق بدهکده خواجه غیاث (Xâja giyâs)، و از جنوب

۱- دهخدا.

۲- لغت‌نامه دهخدا.

بدهکده‌های کوهسالار، ارنجق «Urüncag»، و کوردده «Kardadeh»، و از غرب بدهکده‌های مهماندوست و غریب دوست منتهی می‌شود اطراف بخش ترکمنچای را کوه‌های کم‌ارتفاعی احاطه کرده که اکثراً مراتع دامها و محل کشت گندم و جو را تشکیل میدهند رودخانه کوچک ترکمنچای که از مرکز بخش می‌گذرد از محل شروع زمینهای شمالی آن سرچشمه گرفته و تا انتها الیه زمینهای آن را آبیاری کرده در حالیکه باچشمه‌های آبادی یکی میشود، به رودخانه شاهرود «شهرچائی» پیوسته پس از مخلوط با رودخانه قزل‌اوزن به بحر خزر می‌ریزد.

مردم ترکمن‌چای عموماً با گله‌داری و کشت گندم و جو و صیفی‌کاری روزگار می‌گذرانند. بطوریکه در زمینهای پست آبگیر و حاشیه رودخانه صیفی‌جات و یونجه و در زمینهای مرتفع که آبگیر نیستند گندم و جو می‌کارند ترکمن‌چائیها مسلمان و شیعه مذهبنده و به زبان آذری گفتگو می‌کنند. عموماً فارسی هم میدانند و هر وقت لازم بدانند می‌توانند بفارسی نیز صحبت می‌کنند. مگر عده معدودی که اصلاً فارسی بلد نیستند.

مراوده مردم ترکمن‌چای باشهر میانه است و به تبریز، تهران، رشت و تعدادی از شهرهای مازندران برای کار کردن در رفت و آمدند. بنا بقول اکثر روستائیان کارگران ترکمن‌چای در سدسازی مهارت زیاد داشته و اغلب سدهائیکه در نقاط مختلف ایران ساخته می‌شود حداقل چند نفر کارگر ترکمن‌چائی در ساختن آن شرکت می‌نمایند.

مردم ترکمن‌چای مایحتاج بیشتر خود را از شهرهای بزرگ که در ارتباطند تهیه می‌کنند ولی احتیاجات اولیه آنها در خود بخش تأمین می‌شود. آداب و رسوم را که در گذشته در زندگی آنها در آمیخته بود بتدریج به بونه فراموشی می‌سپارند و عسلیق نو جای‌گزین آنها می‌شود. مثلاً همانند اکثر نقاط ایران رسم احترام باشخاص بزرگتر و غیربومی بحد زیاد رعایت می‌شد. ولی امروزه این رسم نه تنها منسوخ گشته بلکه چند جوان روستائی بسهولت يك پیرمرد شصت و یا هفتاد ساله را

در قهوه‌خانه^۱ که محفل عمومی است مورد تمسخر قرار می‌دهند .
ترکمن چائیها بعضاً خشن و نسبت به افراد بیگانه در اولین برخورد خود را
بی تفاوت نشان می‌دهند مگر پس از مدتی معاشرت اعتماد لازم را نسبت باو بدست
آورند که عامل عمده آنرا مردم از تأثیر عهدنامه ترکمن‌چای و رفتار حکام آنزمان
با مردم میدانند . زیرا واضح است که در اغلب لشکرکشی‌ها به غرب کشور برخی

۱- هنگام مبادله اجناس محفل قهوه‌خانه خیلی تماشائی بود . روستائیان باصفا و
پاکی باطن اجناس را بیکدیگر می‌فروختند و خیر می‌دیدند . حتی در موارد لازم از حق
خودشان نیز مقداری چشم پوشی میکردند. که شاید این عمل جزء شروط يك معامله گرسدیق
بود . زیرا اخلاق و رسومات موجود در روستا به‌شخص اجازه‌نمیداد که در معامله سخت‌گیری
نماید . در قهوه‌خانه‌ها واسطه‌هائی حاضر بودند که در ارزیابی جنس مؤثر واقع می‌شدند .
بدلیل اینکه ایشان قیمت اجناس را در حد اعتدال نگه‌میداشتند و حتی نیز از این بابت
دریافت نمی‌کردند . این واسطه‌ها خودشان از کشاورزی و دامداری امرار معاش می‌نمودند.
در اکثر دهات قهوه‌چی خودش نقش يك واسطه ایفا میکرد که تنها سود او از فروش
چند عدد چائی تأمین می‌شد . در این قهوه‌خانه‌ها روستائیان پس از فراغت از داد و ستد
بمرحله صحبت می‌رسیدند که اغلب یکنفر در رابطه با مقدار محصولی که تولید می‌کرد و
مقدار زمینی که در سال آینده زیر کشت خواهد برد و یا از دامهای سالم و مریض خود سخن
میراند . و دیگران نیز هر کدام در این باره اظهار نظر می‌نمودند . مثلاً از کود حیوانی بدست
آمده از دامها و چگونگی تعاون به همسایگان فقیر گفتگو می‌کردند . بدین طریق در این
محفل می‌توانستند مسائل اجتماعی روستا در حضور ریش‌سفیدان و روحانی محل بطرز بهتری
حل نمایند . و یا در رابطه با مقدار آب موجود در چشمه‌ها و رودخانه ده و تقسیم آن بین
کشاورزان سؤال و جواب می‌کردند . همچنین چگونگی کودکان یتیم و بی‌سرپرست تصمیم
نهایی در آن مجلس گرفته می‌شد . ولی این سنن در زمان حاضر در روستای ترکمن‌چای
بتدریج بفراموشی می‌رود و بجای دادوستدهای مرسوم و مخصوص روستا چگونگی خرید و
فروش يك ماشین و یا کار در شهرستانها مورد بحث آنها است . با این عمل بمحیط قهوه‌خانه
فرهنگ شهری می‌دهند . در نتیجه موجب رکود کشاورزی می‌گردد .

از روستاها از جمله این بخش میزبان اردوی شاه بود . بدیهی است که اکثر نیاز لرزشی از نظر آذوقه توسط روستائیان تأمین میگردید و این عمل موجب ایجاد کمبود در روستا می شد و روستائیان را در تنگنا قرار میداد. بدین ترتیب تخم بدبینی نسبت به افراد بیگانه در دل مردم کاشته می شد بطوریکه تأثیر آن در نسلهای بعدی مشاهده می شود . مگر در خانواده های بزرگ که سرپرست آنها توانسته اند رسومات مخصوص محل را از قبیل مهمان نوازی و... حفظ کنند . زیرا مهمان نوازی از آداب دیرینه مردم سراسر کشور ایران است .

راهی که به ترکمن چای میرسد از جاده آسفالت تبریز - تهران ۹ کیلومتر فاصله دارد. این جاده خاکی بوده و از کنار قهوه خانه معروف کوهسالار که اصطلاحاً «کوسه لری» (Kösalar)، گویند جدا می شود این جاده که سالها خراب بوده اخیراً توسط انجمن های محل با نظارت بخشدار شن ریزی و مرمت شده است ولی نیاز مردم را از لحاظ رفت و آمد تأمین نمیکند .

بهر صورت این ۹ کیلومتر راه تا ترکمن چای سرایشی و پیچ و خم زیاد دارد که در موقع بارندگی مشکلاتی برای مردم بیار می آورد . ضمن عبور از این راه می توان کشت و زرع کشاورزان را در مزرعه شان مشاهده نمود .

مزارع گندم ، جو ، یونجه ، و صیفی در تپه ها و دامن کوهها و یا در بستر رودخانه قرار دارند ، آنها محدوده زمینهای خود را با مرز مشخص میکنند. هنگام ورود به ترکمن چای در سمت غرب در بالای کوه ساختمان زیارتگاه امامزاده ازدور دیده می شود . در کنار زیارتگاه قبرستان بزرگی قرار دارد که تا دامنه شرقی کوه کشیده شده است .

مردم ترکمن چای باین امامزاده که نام مشخص ندارد بسیار اعتقاد داشتند .

۱- منظور از خانواده بزرگ پدر و پسران ازدواج کرده آن که در یک خانه زندگی می کنند و پدر بزرگ بعنوان سرپرست همه افراد خانواده می باشد .

۲- تاریخ نگارش مطالب فوق سال ۱۳۵۷ میرسد .

اخیراً نیز حادثه‌ای اتفاق افتاده که اعتقاد مردم را نسبت بان افزون گردیده . گفته می‌شود که دو سه سال پیش بام زیارتگاه را اشخاص خیر با حلبی شیروانی کرده بودند ، يك روز در اثر وزش باد سختی تمام حلبی‌های شیروانی بام کنده شده بود. پیرمرد بذله‌گوئی با مشاهده این وضعیت چنین می‌گوید : امامزاده‌های دیگر چند من طلای گنبد را می‌توانند حفظ کنند ، ولی تو نتوانستی حلبی‌های بام مزارت را نگهداری کنی . گویند پیرمرد بغضب امامزاده دچار شده و بلافاصله دهنش کج گردید. آنگاه پیرمرد از گفته‌اش پشیمان شد و پس از دخیل شدن به امامزاده و طلب آمرزش دوباره بهبود یافت. این حادثه تحولی در اعتقاد مردم نسبت به امامزاده ایجاد کرد. و موجب گردید که مردم به بازسازی و مرمت بنای آن همت گمارند .

مردم دهات اطراف جهت بهبود امراض خود و همچنین زنان نازا برای بچه‌دار شدن از این امامزاده کمک می‌خواهند . برای بدست آوردن حوائج خود بانان پتیر از زائرین این بقعه پذیرائی می‌کنند .

قبرستان دیگری در سمت شرقی خانه‌های مسکونی بخش بنام (آشاغی) (Aşâgi) ، قبرستان وجود دارد که گوشه‌ای از آن به محل مخصوص دفن سادات روستا اختصاص یافته است . در این قبرستان قبری بنام قبر عثمانی قرار گرفته است مردم موقع عبور از جلو آن سنگی از زمین بر میدارند و بسوی آن پرتاب می‌کنند. گویند شخص مدفون در آن از قشون عثمانیان بوده و در جنگ ایران و عثمانی بهلاکت رسیده است . مردم بر این عقیده اند که انجام این کار برای آنها ثواب دارد.

باد و باران :

در بخش ترکمن‌چای مانند برخی از نواحی آذربایجان شرقی در فصول بهار و پائیز بارانهای شدیدی میبارد . مدت بارندگی در فصل بهار تا اوایل خرداد ماه است. این بارندگی‌ها اغلب منجر بجاری شدن سیل شدید شده که زیانهای مالی از نظر کشاورزی و دامپروری بوجود می‌آورد. بارندگی باعث بالا آمدن آب رودخانه

می‌شود. بطوریکه عبور و مرور مردم از پلهای آن بسختی انجام میگیرد. از اواخر خرداد ماه تا بیستم مهرماه بارندگی بندرت اتفاق میافتد. در فصل پائیز دوباره بارندگی از بیستم مهرماه شروع و تا پنجاه روز بشدت ادامه مییابد. و موجب سردی هوا می‌گردد. و از اواخر پائیز بارش برف شروع شده تا عید نوروز طول میکشد. در اثر کثرت ریزش برف راه‌بندان بوقوع می‌پیوندد که این امر باعث سختی عبور و مرور میگردد. بطور کلی آب و هوای ترکمن‌چای در زمستان سرد و در تابستان معتدل است. از نوع (آب و هوای کوهستانی).

چگونگی وزش باد

در ترکمن‌چای سه نوع باد بنامهای «مه» «Mah»، «آغ‌یل» «Agyel»، یعنی باد سفید و «داغ‌یلی» «Dâgyeli»، یعنی باد کوهستانی در فصول مختلف سال می‌وزد.

۱- باد مه: از طرف جنوب شرقی در تمام فصول سال ادامه مییابد. بادی است ملایم و در عین حال بی‌ضرر. بنظر کشاورزان باعث رشد و نمو دانه‌های گندم می‌شود. و در موقع برداشت محصول گندم و جو در خرمن کوبی بمنظور جدا کردن دانه‌ها از گاه استفاده می‌شود.

۲- آغ‌یل: باد سفید که از غرب می‌وزد و رطوبت دریای مدیترانه را با خود به‌مراه می‌آورد. و موجب رونق کشاورزی میگردد. این باد در اواخر زمستان و اوایل بهار در آب شدن برفها مؤثر است.

۳- داغ‌یلی: وزش این بباد در سپیده دم و اکثر فصول سال جریان پیدا می‌کند. این باد در امر کشاورزی تأثیر نیک و بد نمی‌گذارد.

اسامی چشمه‌های معروف ترکمن‌چای

در گذشته بعلت وجود چشمه‌های زیاد در این بخش مردم آنجا را هزار چشمه می‌نامیدند. این چشمه‌ها منبع آب آشامیدنی و محل شستشوی لباس و ظروف

می‌باشند . برخی از این چشمه‌ها پس از عبور از حیاط خانه‌های قدیمی و آبیاری باغات و مزارع به آب رودخانه منتهی می‌شود. که متأسفانه بعلمت عدم توجه دولت وضع بهداشتی آن در سطح پائین قرار دارد . زیرا بعلمت جاری شدن آب زاید آن در سطح کوچه‌ها ایجاد گل ولای می‌نماید که هنگام عبور و مرور برای مردم ناراحتی‌هایی بیار می‌آورد .

معروفترین این چشمه‌ها بقرار زیر است :

- ۱- بی‌وردی بولاغی : «Biverdi Bulâgi»
- ۲- قتیلی بولاغی : «Gatiyli Bulâgi»
- ۳- خلیل بولاغی : «Xalil Bulâgi»
- ۴- حیدرقنی بولاغی : «Heydar gani Bulâgi»
- ۵- آشاغی بولاغی مشهور کهنه بولاغ : بطوریکه مردم می‌گویند روسها در زمان انعقاد عهدنامه در کنار این بولاغ اردو زده بودند.
- ۶- دینی بولاغی : «Diyini Bulâgi»
- ۷- مهدی‌لی بولاغی : «Mehdili Bulâyi»
- ۸- چای بولاغی : «Cây Bulâgi»

اسامی محلات ترکمن‌چای بلهجه محلی

- ۱- کرت‌لر کوچه‌سی «کوچه کردها»
- ۲- حمزه علی کوچه‌سی «کوچه حمزه علی»
- ۳- تاریخ‌لی کوچه‌سی «کوچه تاریخی»
- ۴- بابالی کوچه‌سی «کوچه بابالو»
- ۵- مهدی‌لی محله‌سی «محله مهدی‌لی»
- ۶- آشاغی محله «محله پائین»
- ۷- حاجی‌لار کوچه‌سی «کوچه حاجی‌ها»
- ۸- کیربیت‌لی کوچه‌سی «کوچه کبریتی»

وجه تسمیة تر کمن چای

عده‌ای از ریش سفیدان و افراد آگاه بخش تر کمن چای معتقدند که در گذشته بعلت وجود چشمه‌های زیاد تر کمن چای هزار چشم نامیده می‌شد. برخی نیز بر این عقیده هستند که نام قدیمی تر کمن چای « شهر خرامان » بوده است. می‌گویند در اطراف آن پنج روستا بناهای محلی قویجاخ^۱، کول دیم^۲، سوباشی^۳، قارا آغاشلیق^۴ و سید دوواری^۵ وجود داشت. مردم بعلت حمله دائمی عشایر در زحمت بودند. در نتیجه باهم متحد شده و در محل کنونی تر کمن چای سکونت گزیدند. تا در مدافعه با عشایر مهاجم قویتر باشند. باستانی روستای «سید دوواری» که بآنها ملحق نشده بده «چاناخ بولاغ»^۶ کوچ کردند.

بعضی^۷ مردم هم علت کوچ ساکنین این روستاها را چنین توجیه می‌کنند. در عهد قاجاریه بنا بدستور عباس میرزا ساکنین روستای تر کمن چای از پرداخت

۱- « Guycâx »

۲- « küll Deym »

۳- « su Bâşi »

۴- « Gârâ âgâşlix »

۵- « seyid Duvari »

۶- « çânâx Bulâg »

۷- بنا باظهار فتح‌اله خان کلانتر

مالیات دیوانی و بعضی بدهی‌های مربوط بمالك معاف شده بودند ، بنابراین اهالی روستاهای مذکور بخاطر استفاده از این نوع مزایا به ترکمن‌چای کوچ نموده‌اند . برخی نیز بر این عقیده‌اند ، که این روستاها را مغولها پس از تاخت و تاز و بآتش کشیدن منطقه بعداً نام‌گذاری کرده‌اند . که ترکمن نیز یکی از آن نام‌گذاری‌ها محسوب می‌شود . ولی در زمان انعقاد عهدنامه بعلت وجود رودخانه که از مرکز آن می‌گذرد کلمه چای که بمعنی رودخانه است بآن اضافه نموده‌اند .

گویند فرمانده قشون مغول جهت دیده‌بانی دستور داده بود که هر کدام از سربازان او مقداری خاک باگونی حمل و در محلی انباشته‌نموده و بصورت تپه درآوردند . که آثار آن تپه‌های دیده‌بانی در روستاهای صومعه صفلی ، غریب دوست و ورزقان تا بحال باقی مانده است .

طبق تحقیقاتی که از چند نفر از اهالی روستای ترکمن‌چای بعمل آمده: پس از استیلای مغول و بآتش کشیدن روستاهای این منطقه يك خانواده روستایی مجبور به ترك محل سکونت خود شد و به محل کنونی ترکمن‌چای کوچ کرد . و این اصطلاح را به زبان آذری ایراد نمود . «من تركمن کردم» منظور او از بیان این سخن این بوده است که من محل زندگی خود را اجباراً ترك نمودم ، و باین منطقه آمدم . بعلت مساعد بودن شرایط زندگی رفته رفته مردم از دهات اطراف به تبعیت از آن شخص بدان محل کوچ کردند و بتدریج بر تعداد جمعیت آن افزوده گشت و بدین طریق لفظ «تركمن» از زبان او در افواه مردم مصطلح گردید و بمرور در اثر کثرت تلفظ از «تركمن» به «ترکمن» تغییر یافت .

سیما و شکل خانه در ترکمن‌چای

مجتمع خانه‌های ترکمن‌چای عموماً دو طبقه بوده و هر خانه حداقل سه اتاق دارد. ممکن است خانه‌های شش‌الی هشت اتاقه نیز وجود داشته باشند.

طبقه پائین خانه محل نگهداری دامهاست که آنجا را اصطلاحاً «کوم» می‌نامند. خانه‌ها عموماً دارای ایوان می‌باشند، و جلو آن را نرده کشیده‌اند، که در تابستان موقع استراحت و خوردن غذا از آنجا استفاده می‌کنند. حیاط خانه در ترکمن‌چای عموماً کوچک است. و بوسیله دیوارهای گلی از چهار طرف احاطه شده، محل مستراح بلور از قسمت اصلی و سکونتگاهی ساختمان در طرف دیگر حیاط ساخته شده است و طولیله محل نگهداری چارپایان در گوشه دیگر آن بنا می‌گردد. تمام خانه‌ها تنور نان‌پزی دارند، که در زمستان از آن برای گرم کردن اتاق نیز استفاده می‌کنند. امروزه روستائیان برای گرم کردن منازل از بخاری نفتی نیز استفاده می‌کنند.

ماکیان دارای لانه زمستانی و لانه تابستانی هستند. لانه تابستانی مرغها را که «قفس» گویند، در حیاط با چوب و تخته بر چهارپایه چوبی می‌سازند. لانه زمستانی مرغها را که «نین» می‌نامند در حیاط و یا در ایوان با گل درست می‌کنند.

۱ - « Kōm »

۲ - « Nin »

در ترکمن‌چای پی ساختمان را «بن آورده» می‌نامند. و آنرا با سنگ و گل پر می‌کنند روی و سقف دیوار ساختمان را گاه گل می‌کنند و عموماً دیوارها را از چینه درست می‌کنند که بزبان محلی «مهره» می‌گویند. هر مهره به بلندی نیم‌متر می‌باشد، که پس از خشک شدن مهره اولی به ترتیب مهره‌ها یا چینه‌های بعدی را در روی آن بنا می‌کنند.

سقف اطاقها را تیربندی کرده سپس روی تیرها را که «آتما» می‌نامند، با تخته‌های کوچکی بنام «آلوان»^۳ می‌پوشانند. بام خانه را با گل لگد شده بنام «بالاتا»^۴ می‌پوشانند، و پس از چند ساعت لگد مال کردن آن را کاهگل می‌کنند. بام خانه‌ها در ترکمن‌چای مسطح است. برای جلوگیری از جمع شدن آب باران در بامها ناودان‌هایی بنام «نوجه» در گوشه‌ای از بام نصب می‌کنند.

معمولاً در بام خانه‌ها علف خشک که آنرا «تایا»^۵ می‌نامند نگهداری می‌نمایند. در زمستان از این علفها برای خوراک دامها استفاده می‌شود. زنان از فضولات دامها قطعاتی بنام «کرمه»^۶ و «یاب‌با» یا «تباله» درست کرده و در گوشه‌ای از بام تعبیه و جمع‌آوری نموده تا در زمستان برای سوخت تنور از آن استفاده کنند. «کرمه» یا «تباله‌هایی که بدین صورت در بام‌خانه‌ها چیده و جمع‌آوری شده اصطلاحاً «حالی»^۷ می‌گویند. پس از پایان ساختمان خانه دیوار اطاقها را مردان کاهگل می‌کنند و بعد از خشک شدن زنان با گل سفیدی که از کوههای اطراف بخش تهیه کرده‌اند سفیدکاری می‌نمایند.

« Ben övre » - ۱

« Atmâ » - ۲

« Alvâr » - ۳

« Bâlâtâ » - ۴

« Tâya » - ۵

« Karne » - ۶

« Yâp Bâ » - ۷

« Hâlây » - ۸

در گذشته زنان ترکمن چای در ساختن خانه با مردان همکاری می نمودند . ولی حالا بعطت ساختن خانه های آجری و بکار گرفتن مصالح جدید و تحولات فرهنگی که در اثر تماس باشهرهای بزرگ در بخش بوقوع پیوسته در اکثر خانواده ها زنان فقط بکار خانهداری می پردازند .

برخی از چشمه های روستا از حیاط اکثر خانه های قدیمی عبور داده شده که بدان طریق آب آشامیدنی و شستشوی افراد خانه تأمین می شود .

خصوصیات اطاقهای مهمانی

۱- او (öw) : «او» به اطاقی گفته می شود که محل آسایش افراد خانه است . فرزندان مجرد در کنار والدین خود در «او» می خوابند . تنور نان پزی در وسط آن ساخته شده است . پنجره های «او» دریچه های کوچکی است که تقریباً نزدیک به سقف بام تعبیه شده اند . تا دود حاصل از تنور بآسانی خارج شود . کف «او» را با گلیم و یا فرش می پوشانند . در کوچکی از «او» به اطاق مهمانی باز می شود . تا از آن در مواقع مهمانی جهت پذیرائی از مهمانان استفاده شود . این در مانعی است که محارم را از نامحرم جدا کند .

ترکمن چائیها گندم را در محلی بنام «کندو» نگهداری می کنند و آنرا بشکل استوانه و از گل در گوشه ای از «او» درست می کنند . و در گوشه دیگر یخدانی جهت نگهداری لباس و صندوقی برای گذاشتن لبنیات فرار میدهند . در خانواده های بزرگ نیز تمام افراد خانواده غذا را در «او» صرف می کنند . هنگام خواب هر مردی همراه با خانواده خود باطاق خواب مخصوصی می رود .

۱- «Kandu»

۲- یخدان : صندوق قفل داری است که از تخته ساخته می شود . و سطح آنرا با حلبی های الوان می پوشانند ، که جزو جهیزی هردختری محسوب می شود .

همچنین رختخواب‌های افراد خانواده را در محلی بنام «یوکیری»^۱ که در «او» تعبیه کرده‌اند جمع می‌کنند. این امر موجب می‌گردد که لحاف، تشک و متکا از حالت ریخت و پاش بیرون آمده و در محل مناسب خود بسته‌بندی گردد.

ناگفته نماند که پس از صرف شام و بخواب رفتن زنان و کودکان تمام مسائل خانواده اعم از مسائل اقتصادی و فرهنگی و اختلافات خانوادگی با حضور پدر بزرگ که بعنوان رئیس خانواده است و با فرزندان ذکور در این اطاق مطرح و حل و فصل می‌شود. در خاتمه نظریات پدر بزرگ مورد قبول همه فرزندان قرار می‌گیرد.

۳- اطاق مهمانی: ترکمن چائیه‌ها اطاقهای مهمانی خود را با وسایلی از قبیل تلویزیون و رادیو زینت می‌دهند. و بیخچال که عموماً محل آن آشپزخانه است نیز بعنوان نمونه‌ای از تشخص در گوشه‌ای از این اطاق قرار می‌گیرد.

کف این اطاق را با گلیم و فرش‌هایی که از دهات مجاور خریداری می‌کنند، مفروش می‌سازند. طاقچه‌هایی در دیوار تعبیه شده که اکثراً با پارچه‌هایی که از شهر تهیه می‌شود بعنوان طاقچه پوش می‌پوشانند. بمنظور استفاده از نور و گرمای بیشتر آفتاب پنجره‌ها را رو به جنوب نصب کرده‌اند.

رسم بر این است که اطاقهای مهمانی فقط در مواقع پذیرائی از مهمانان مورد استفاده قرار می‌گیرد. خانواده‌هایی که از نظر اقتصادی وضع خوبی ندارند، در صورت ازدواج پسر خانواده چنانکه تازه داماد قادر به تهیه خانه مخصوص بخود نباشد. از این اطاق بعنوان خوابگاه خانواده خود تا زمان تهیه زمین و ساختن خانه استفاده مینمایند.

ولی خانواده‌های ثروتمند جهت جلوگیری از جدا شدن فرزند از دامان خانواده بمحض آوردن عروس اطاقی برای او و همسرش مشرف باطاقهای دیگر

۱- «یوکیری» yükyeri: جایگاه مخصوص جمع‌آوری رختخوابهای افراد

خانه است.

می سازند .

۳- آشپزخانه : مردم ترکمن چای آشپزخانه را «گزنه»^۱ گویند که فاقد پنجره بوده و بجای آن روزه‌ای بنام «باجا»^۲ از قسمت سقف بطرف بام باز شده تا دود حاصل از سوختن هیزم و تپاله از آن بیرون رود . آشپزخانه‌ها دارای اجاقی است که سوخت آن هیزم و یا «یاب‌با»^۳ می‌باشد . ولی اخیراً در اثر تحولات فرهنگی و صنعتی و افزایش درآمد مردم اجاقهای نفتی و گازی نیز بکار می‌رود .
در «گزنه» به «ار» باز می‌شود تا غذاهای تهیه شده از آنجا براحتی و مستقیماً بخاطر جلوگیری از سرد شدن آن در فصل زمستان بسرعت در اختیار افراد خانه قرار گیرد .

۴- حمام و حمامی : در گذشته بخش ترکمن چای دارای يك حمام بود . که آنرا بدستور میرزا تقی‌خان امیر کبیر وزیر ناصرالدین شاه ساخته بودند حالا نیز مردم از این حمام استفاده می‌کنند . که ملك آن به همه روستائیان تعلق دارد .
جهت اداره این حمام مردم ترکمن چای یکی از مردانی را که کشت و کار کمتری داشت به حمامی انتخاب می‌کردند . روستائیان معمولاً در عید نوروز ساعی پس از تحویل سال نو در مسجد جمع می‌شدند و برای رسیدگی بکارهای عمومی مردم از قبیل انتخاب «قوروقچی»^۴ یعنی دشتبان، حمامی و چوپان مبادرت می‌نمودند . کار حمامی آب انداختن به خزینه حمام و جمع آوری هیزم بود . حمامی در تابستان هیزم را از باغات مردم جمع آوری می‌کرد و در زمستان از اهل محل بصورت «کرمه»،

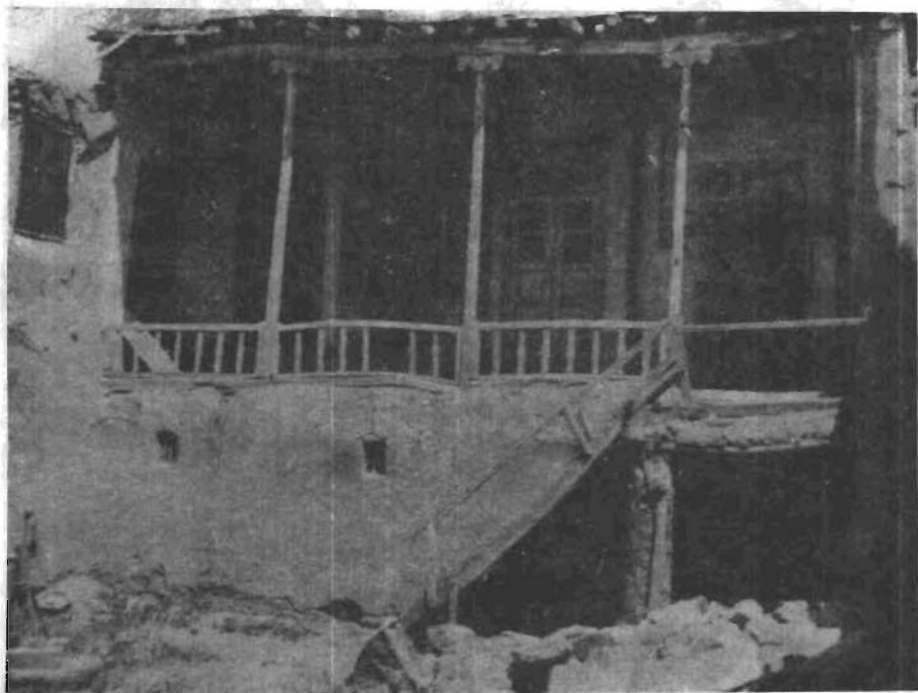
۱- « Gazne »

۲- « Bâja »

۳- « Yarbâ » یاب‌با را زنان از مخلوط فضولات و نشخوار دامها که در طول

جمع می‌شود بصورت قطعاتی درست می‌کنند که پس از خشک شدن جهت سوخت مورد استفاده قرار می‌گیرد .

«باب‌با» و نشخوار حیوانات تأمین می‌کرد. مزد کارگر حمامی سالانه نفری يك من گندم یعنی پنج کیلوگرم گندم و برای بچه‌ها نیم من گندم بود. فعلا ترکمن‌چای دارای دو حمام می‌باشد و یکی نیز در دست ساختمان است که بیشتر حمام تازه ساخت مورد استفاده مردم است. نرخ حمام در حال حاضر ۲۰-۲۵ ریال تعیین شده است.



۱- در اصطلاح همیانة مردم به ته مانده یونجه و علف مورد استفاده حیوانات گفته می‌شود.

اصطلاحات مربوط به مسکن به لهجه محلی

زیربنا	«Benövre»	۱- «بن‌اوره»
دیوار	«Duvâr»	۲- «دووار»
طوبله‌ایکه در طبقه پائین خانه قرار دارد	«Köm»	۳- «کوم»
ایوان	«Bolkon»	۴- «بولکن»
بام	«Dâm»	۵- «دام»
کامگل	«Suvâx»	۶- «سوواخ»
تیرسقف	«Âtmâ»	۷- «آتما»
پردی	«Tamâse»	۸- «تماسه»
اطاق نشیمن	«Üv»	۹- «او»
آشپزخانه	«Gazne»	۱۰- «گزنه»
اطاق مهمانی	«Otâg»	۱۱- «اطاق»
روزنه آشپزخانه	«Bâjâ»	۱۲- «باچا»
آستانه در	«Âsâgi Bâs»	۱۳- «آشاغی‌باش»
صدر اطاق	«Yuxâri Bâs»	۱۴- «یوخاری‌باش»
بخاری	«Punj»	۱۵- «پونج»
لوله بخاری	«Bori»	۱۶- «بوری»

۱۷- «کلیددان» محلی است در کنار در ورودی حیاط که بهنگام بستن در، کلید تخته‌ای در آنجا گذاشته می‌شود.

۱۸- «کلیدگونه» Kilid Künde سوراخی در داخل کلید دان ایجاد شده که از جنس تخته بوده و یک طرف سرمه کلید بآن سوراخ فرو میرود.

۱۹- «گلیف» Gilif راه آبی است که معمولا در قسمت پائین دیوار و در کنار در حیاط حفر می‌کنند تا آب زاید خانه از آنجا بیرون ریخته شود.



کشاورزی سنتی و آداب آن

۱- زمینهای زراعی :^۱

زمینهای زراعی ترکمن‌چای بیشتر در بالای تپه‌ها و دامنه کوه‌ها و یا در مسیر رودخانه قرار دارند. کشاورزان هرزمینی را که قابل شخم زدن باشد. قطعه قطعه کرده به زیرکشت می‌برند. و هر قطعه را «تیکه»^۲ می‌گویند. و بوسیله مرز یا کرت محدود می‌کنند. برای جلوگیری از ورود حیوانات به کشتزار اطراف آنرا خندق میکنند در قطعات پست و آبگیر صیفی جات و نیز سیب زمینی، لویا، پیاز و بونجه و چغندر کشت می‌کنند. و در قطعات دیم و کم آب گندم و جو می‌کارند.

مقدار زمینهای دیمی حدود ۵۰۰۰ «ایپ»^۳ است که هر «ایپ» برابر ۷۲۹ مترمربع می‌باشد. از ۵۰۰۰ «ایپ» زمین دیمی ۳۰۰۰ «ایپ» آن را که اصلاً آبگیر نیست در اصطلاح محلی «خالص دیمی» گویند که فقط با آب باران آبیاری می‌شود و ۲۰۰۰ «ایپ» آنرا که در برخی از ماههای سال آبگیر می‌باشد «دیم سولو»^۴ می‌نامند. و این زمینها را تنها در فصل بهار و پائیز وقتی که آب رودخانه زیاد می‌شود آبیاری

۱- مجتبی موسوی شغل کشاورز سن ۵۵ سال.

۲- «Tika»

۳- «ایپ ip» در زبان آذری طناب را «ایپ» می‌نامند.

۴- «Dem sulu»

می‌کنند. و بقیهٔ فصول سال مانند زمینهای «خالص‌دیم» با آب باران سیراب می‌شوند. مردم ترکمن چای زمینهای آبگیر و بدون درخت را «بایاض» می‌نامند. که مقدار این زمینها در حدود ۳۰۰۰ «ایپ» است. و در این زمینها معمولا صیفی‌جات می‌کارند.

۲۰۰۰ «ایپ» از زمینهای زراعی را باغات تشکیل می‌دهند که در آن درختان زردآلو، سیب، گلابی، گردو، به و... کاشته می‌شود.

آبیاری زمینهای زراعی و باغات بعهدهٔ خود کشاورزان است و مدت آبیاری هر مزرعه نسبت به بزرگی آن تعیین شده است. بطوریکه هر ۹ «ایپ» زمین برابر یک پونزه است که بازاء هر پانزده پونزه ۱۲ ساعت آب میدهند. و در این مدت تمام آب چشمه ویا رودخانه در اختیار کشاورز قرار میگیرد.

مزد آبیاری به نسبت هر پونزه زمین زراعی سالانه ۱۰۷ تومان می‌باشد که کشاورزان در مقابل اخذ رسید به مأمور ادارهٔ آبیاری پرداخت می‌کنند.

کشت گندم و جو بطریق سنتی

۱- مقدار بذر^۱ افغانی و برداشت محصول^۲: ترکمن چائیها در هر هکتار زمین زراعی ۲۰ من معادل ۱۰۰ کیلوگرم گندم ویا جو می‌کارند. اگر شرایط جوی مساعد باشد از هر هکتار زمین زراعی ۱۲۰ من یعنی ۶۰۰ کیلوگرم محصول برداشت میکنند. بطور کلی بازاء هر یک کیلوگرم بذر هشت کیلوگرم محصول عاید می‌شود. بعلت مهاجرت مردم به شهرستانها برای کار کردن و کمبود کارگر و افزایش هزینهٔ کشت و داشت و برداشت محصولات کشاورزی از سطح زمین‌های زیر کشت کم شده و از

۱- «Bâyâz»

۲- در ترکمن چای بذر را «دن» Den و شخم را «شوخوم» suxum می‌گویند

۳- مجتبی موسوی شغل کشاورز سن ۵۵ سال

۵۰۰۰ «ایب» به ۶۰۰ «ایب» تقلیل یافته است. در نتیجه در امر کشاورزی ر کود حاصل شده و زمینهای زیادی بدون کشت باقی میماند .

۲- شخم و زمان آن: زارعین تر کمن چای برای آماده کردن زمین جهت بذر پاشی در اوایل خرداد ماه شروع به شخم زنی می کنند شخم در سه نوبت صورت می گیرد. شخم اول را در اصطلاح محل «ایمارات»^۴ گویند . و پانزده روز بعد از شخم

اول شخم دوم انجام میگیرد که آنرا «پرشیم»^۵ می نامند. سه ماه پس از «پرشیم» یعنی در اول پائیز زمین را بذر پاشی کرده بلافاصله شخم سوم را بنام «اکمه»^۶ انجام میدهند. و آن باعث می شود که بذر بزمین بنشیند و دانه چین پرندگان نشود .

تر کمن چائیها زمین را در گذشته با گاو آهن شخم می کردند و هر خانواده صاحب يك گاو آهن بود و هر گاو آهن با دو گاو نر اخته به کار گرفته می شد . ولی حالا تعداد هفت دستگاه تراکتور بکار انداخته شده که مالکین آنها پس از شخم کردن زمینهای خود تراکتورها را در قبال دریافت پول به زارعین دیگر کرایه میدهند.

بعضی از خانوادهها زمینهای خود را مثل گذشته با گاو آهن شخم می کنند. بدین طریق که هر قطعه زمین را دو نفر مرد بکمک هم شخم می کنند . یکی از آنها گاو آهن را براه میاندازد و دیگری با کلوخ شکن بنام «کلنگ»^۷ کلوخهای حاصل از شخم را خرد می کند و در جریان کار سنگهای واقع در مسیر شخم را از زمین کنده و به حاشیه زمین زراعی منتقل می کند . اگر هوای بهاری مساعد باشد بذر گندم و جو پس از پانزده روز جوانه میزند و در تر کمن چای جوانه را «جو غار»^۸ می گویند . مثلا اگر بخواهند بگویند که در مزرعه شان جوانهها رشد کرده می گویند. «جو غاردی»^۹ یعنی جوانهها رشد کردند . بذر ها پس از جوانه زدن و بزرگ شدن سرازخاک بیرون

۱- هر ۱۰۰ «ایب» برابر با صد هکتار است

۲- «imârât» عمارات تقریر سید جمال ترابی طباطبائی

۳- «Paršim»

۴- «Ekme»

۵- «Jugâr»

۶- «Jugârdi»

زده و در زیر برفهای زمستانی قرار می گیرند . اگر بذرهای پاشیده شده در پائیز جوانه نزنند معلوم می شود که محصول خوبی بیار نخواهد آمد . بهمین جهت کشاورزان دوباره بذرپاشی را تکرار می کنند . معمولا ساقه های گندم و جو تا پانزده خرداد باندازه سه بند رشد می کنند و در اوایل تابستان خوشه ها شکل می گیرند . و دانه های شیری این خوشه ها پس از چهل تا چهل و پنج روز بصورت کامل می رسند . این خوشه ها را که مردم ترکمن چای آنها را «سنبل» می نامند به هنگام گرم شدن هوا و تغییر رنگ آنها دروگران را بدرو می طلبند . وقت درو معمولا اوایل مرداد ماه است و تا چند روز طول میکشد .

مردم ترکمن چای زمینهای رو به آفتاب یا بعبارت دیگر آفتابگیر را «گونی»^۲ یا «گونهور»^۳ و زمینهای پشت به آفتاب^۴ را «گوزی»^۵ گویند . و معمولا کشتزارهای رو به آفتاب را پانزده روز زودتر از زمینهای پشت به آفتاب درو می کنند . ترکمن چائیها داس درو را «اوراخ»^۶ می نامند که تیغه آن بدون دندان بوده و موقوع درو با سنگی بنام «بیلو»^۷ تیز می کنند . داس دیگری نیز در کشاورزی بنام «درگز» مورد استفاده است که بلندتر از داس معمولی بوده و دسته بلند دارد . کشاورزان آنرا در درو کردن یونجه بکار می برند و با آن در حالیکه سرپا ایستاده اند کار می کنند . داس کوچکتری نسبت به دو داس مذکور بنام «مومآگران»^۸ که برای حصار کردن اطراف باغها شاخه های درختان را با آن قطع می کنند .

۱- چند روز قبل از رسیدن خوشه های گندم در زمینهای آبگیر سه نوبت آب میدهند . نوبت اول «خکاب» یعنی خاک و آب و نوبت دوم «کلاب» یعنی گل و آب و نوبت سوم را «دن آب» یعنی دانه آب می گویند .

۲- « Günay »

۳- « Günever »

۴- منظور از زمینهای پشت به آفتاب عبارت از زمینهایی است که در مدت روز کمتر

در معرض آفتاب قرار می گیرند .

۵- « Guzay »

۶- Orâx

۷- « Bilöv »

۸- « mumâgrân »

در اصطلاح محلی دروگر را «بی چین چی» می نامند . آنها یا محلی هستند و یا از دهات مجاور در فصل درو بکار می پردازند . «بی چین چی» های غربیه جهت کار کردن به قهوه خانه مرکزی بخش مراجعه کرده و پس از چانه زدن جهت تعیین دستمزد با کشاورزان بکار مشغول می شوند . این چانه زدن ممکن است چند روز بطول انجامد که در نهایت بعلمت کمبود کارگر مجبورند «بی چین چی» ها را راضی کنند .
مزد هر «بی چین چی» امروزه در حدود هشتاد الی صد تومان است .

در وقت درو هر «بی چین چی» به انگشتان دستی که ساقه های گندم را با آن می گیرد «بارماخ جیل»^۲ می پوشاند و آنرا از جنس چرم و باندازه هریک از انگشتان درست می کنند . «بارماخ جیل» ها مانع خراشیده شدن انگشتان با ساقه های گندم می شوند . ممکن است دست دروگری که بدون «بارماخ جیل» کار می کند در اثر اشتباهی پا داس زخمی شود .

کار درو را مردان بکمک سر بچه ها انجام میدهند . آب و غذایشان را برای جلوگیری از اتلاف وقت در مزرعه صرف می کنند و بعد از آن در زیر سایه بسته ای از ساقه های گندم بنام «کول گندریک»^۳ که بطور قایم گذاشته شده است لختی می آسایند . هنگام درو همبستگی و تعاون میان کشاورزان تقریباً از بین رفته و بنابراین هر کس موظف است بکمک افراد خانواده و کارگران دروگر خود محصول مزرعه اش را جمع آوری نماید .

«بی چین چی» ها هر بار درو را که با یک حرکت داس درو می کنند «دسته»^۴ گویند . و از مجموع سه دسته «جمعه»^۵ بوجود می آید . سه «جمعه» را با ساقه های گندم بهم می پیچند و آنرا «باغ»^۶ یعنی «بند» می نامند . بنابراین هشت «باغ» با یک

۱ - « Biçinçi »

۲ - « Bârmâxjil »

۳ - « Kôlgandırık »

۴ - « Jame »

۵ - « Bâg »

خر است که آنرا «خالوار» میگویند که بلافاصله پس از درو پسر بچه‌ها آنها را بوسیله الاغ بخرمنگاه حمل می‌کنند. «باغها» را در خرمنگاه رویهم می‌چینند و توده‌ای پدید می‌آورند که آنرا اصطلاحاً «تایا» می‌نامند. تر کمن چائیها ساقه گندم و جو را باخوشه آن «کول»^۳ گویند. چیدن «باغها» در خرمنگاه مهارت و دقت زیاد میخواهد. زیرا «کول»ها باید به طرزی در «تایا» قرار گیرند که خوشه‌های آنها به وسط «تایا» بیفتند تا از باران و دسترس پرندگان و حیوانات محفوظ بمانند. تا پایان درو بر حسب کوچکی و بزرگی مزرعه و یا بر حسب مقدار محصول چند «تایا» در خرمنگاه فراهم می‌آید. در گذشته پس از پایان درو مزد هر «بی‌چین‌چی» را بازاء هر ده «باغ» يك باغ محسوب می‌کردند و یا به نسبت يك هشتم از جو و يك دهم از گندم پرداخت می‌نمودند.

تا وقت خرمن‌کوبی «تایا»ها در خرمنگاه باقی میماند. و زمانیکه تمام محصول قطعات مزروعی را جمع کردند برای خرمن‌کوفتن هر وقت که هوا مناسب باشد و خودشان هم فراغت داشته باشند به سراغ «تایا»ها میروند. خرمن را دو یا سه مرد بكم هم و بوسیله «جولو»^۴ می‌کوبند، «ول» و سیله خرمن‌کوبی است که از تخته ساخته می‌شود به یکطرف آن سنگ‌های کوچک چخماق یا نعل سائیده می‌چسبانند. طرز کار کردن با «ول» بدین طریق است که دو گاو نر اخته را جهت کشیدن «ول» از قسمت جلو به آن می‌بندند و طرف سنگ چینی شده آنرا در روی خرمن می‌کشند تا بدینوسیله در اثر تماس با سنگ‌ها محصول خرد شده و دانه‌ها جدا شوند. روش دیگر خرمن‌کوبی بدین صورت است که چند گاو نر را از ناحیه گردن بوسیله یوغ بهم

۱- « Xâlvar » مجموع هشت « باغ » گندم و جو و یا بونجه بار یک خر است

که آنرا «خالوار» گویند که در حدود سی‌وسه من میباشد.

۲- « Tâya »

۳- « Kol »

۴- « Val »

می‌بندند و آنها را برای خرد کردن خرمن از روی آن عبور می‌دهند. این نوع خرمن کوبی را اصطلاحاً «جره»^۱ می‌نامند. که در این روش از «ول» استفاده نمی‌کنند. تر کمن چائیها در هنگام خرمن کوبی گاوی را که بوسط خرمن دورتر است و دور بزرگتری بر میدارد بعلت جلوگیری از خستگی آن پس از يك یا دو ساعت کار کردن جایش را با گاویکه دور کمتر بر میدارد و بوسط خرمن نزدیکتر است عوض می‌کنند. «بعضاً جهت جلوگیری از اتلاف وقت در باز کردن گاوها، گاوهای قوی را در قسمت خارج می‌بندند»^۲ پس از پایان مرحله خرمن کوبی برای جدا کردن گاه که اصطلاحاً «سامان»^۳ گویند، از گندم محصول خرد شده را روی هم توده می‌کنند. این توده را اصطلاحاً «کور»^۴ یعنی کر^۵ می‌نامند. سپس گندم مخلوط با گاه را بوسیله شانه و یا پارو بنام «کورک»^۶ به باد می‌دهند تا غله و گاه از هم جدا شود.

بدینوسیله گندم‌های جدا شده از گاه را «شش»^۷ گویند و آنرا بوسیله «دج»^۸ علامت گذاری می‌نمایند.

در گذشته پس از «دج» کردن گندم سهم مالک را به وسیله پیمانهای بنام «چاناخ»^۹ جدا می‌کردند بدیهی است که سهم مالک از هر پنج «چاناخ» يك «چاناخ» بود. رسم بر این بود که بازاء هر چهل «چاناخ» يك «چاناخ» دیگر به سهم مالک اضافه می‌کردند.

کشاورزان پس از آنکه گندم را بصورت «شش» درآوردند آنرا در جوال و

۱- « Jare »

۲- تقریر از سید جمال ترابی طباطبائی

۳- « Sâmân »

۴- « Kür »

۵- « Kürak »

۶- « şüş »

۷- Daj دج قالب چوبی که گندم توده شده را بوسیله آن علامت‌گذاری می‌کنند.

۸- « Cânâx »

یا گونی‌ها می‌ریزند و بوسیلهٔ اسب و الاغ از خرمنگاه بخانه حمل می‌کنند .
در گذشته برای نگهداری گندم چاهی بعمق دو الی دو و نیم متر در زمین می‌کنند
و جهت جلوگیری از رطوبت به ته و دیواره‌های چاه گاه می‌چینند.

مردم ترکمن چای آسیاب را «دیرمان» می‌نامند . و سابق براین دارای چهار
آسیاب آبی بودند و آنرا یک نفر مرد اداره می‌کرد و جهت بکار انداختن آن آب
نهر را به «نور» یعنی «ناوچوبی» می‌انداختند . مزد آسیابان را به نسبت هر خروار
گندم چهار و نیم کیلو گندم می‌پرداختند . در حال حاضر گندم را در عرض سه ماه یکبار
برای آرد کردن به آسیاب می‌برند که آنرا اصطلاحاً «زومار»^۳ گویند آسیابهای جدید
ترکمن چای با موتور کار می‌کنند و مزد آسیابان را که «کوزه»^۴ می‌نامند به نسبت
هر بیست من یک من آرد و یا گندم پرداخت می‌کنند . کار حمل و نقل گندم و آرد
بعهدهٔ مردان است . از آن پس زنان آرد را در خانه الک می‌کنند تا سپوس آن گرفته
شود تا برای خمیر کردن و پختن نان آماده گردد . معمولاً در هر بار سه الی ده من
آرد را یکجا خمیر کرده و می‌پزند در موقع خمیر گرفتن به آن خمیر مایه می‌زنند
و اصطلاحاً «آجی خمیر»^۵ گویند و آنرا در ظرفی بنام «تاباخ»^۶ قرار میدهند . زمان
وقت پختن نان اکثراً در سیده دم است و آنرا دو نفر زن انجام میدهند . بدین طریق
که یکی از زنان در روی میز گردی با وسیله‌ای بنام «وردنه»^۷ خمیر را قدری باز کرده و
آنرا بدست نانوا می‌دهد . سپس زن نانوا آنرا بوسیلهٔ دستهای خود کاملاً باز کرده
و در روی وسیله‌ای بنام «رفیده»^۸ یا «لیفیده»^۹ قرار داده سپس «رفیده» را به تنور فرو

۱ - « Dayirmân »

۲ - « Nov »

۳ - Zumar «زومار» خرج طولانی یک خانواده را گویند.

۴ - « Köze »

۵ - « Âji Xamir »

۶ - « Tâbûx » - طبق

۷ - Vardane

۸ - « Rifide »

۹ - « Lifide »

برده و خمیر آماده در روی آنرا بدیوارهٔ فنور می‌چسباند. ترکمن‌جائها فقط يك نوع نان بنام «لواش» می‌پزند و تنور را که اصطلاحاً «تندیر»^۱ گویند در اکثر خانه‌ها وجود دارد.

کشت یونجه بطریقهٔ سنتی^۲

کشاورزان ترکمن‌چای زمینی را که بخواهند یونجه بکارند بعد از شخم آن در اوایل بهار در آنجا بذر جو می‌پاشند و بعد از آن زمین را ماله می‌زنند. سپس تخم یونجه را مخلوط با تخم گیاهی بنام «خشه»^۳ و یا تخم یونجه را بتنهائی می‌کارند. معمولاً در عرض پانزده روز یکبار به یونجه آب میدهند. بهمین جهت آن را در زمینهای حاشیهٔ رودخانه کشت می‌کنند. نهری را که از آن به مزرعهٔ یونجه آب میدهند «آرخ»^۴ گویند و آنرا هر چند ماه یکبار و یا لااقل هر سال یکمرتبه لای‌روبی می‌کنند تا جریان آب بهتر انجام گیرد. دو راهی یا سه راهی يك نهر با جوی را «وریان»^۵ مینامند که در واقع آب بخش کن چند مزرعه یا چند کورت می‌باشد. بدین طریق وقتی آبیاری قطعه‌ای از مزرعه تمام شد «ریان» را می‌بندند و برای قطعهٔ دیگر «وریان» مربوطه را باز می‌کنند.

سال اول از جو کاشته شده در مزرعه استفاده می‌کنند و سال بعد یونجه که کاملاً ریشه زده، تا ۷ سال می‌تواند از محصول آن در همین مزرعه استفاده کنند.

مردم ترکمن‌چای یونجه را سالیانه دوبار درو می‌کنند. درو اول در اوایل تیرماه صورت می‌گیرد که آنرا «آندرو»^۶ و یا «آودرو»^۷ یعنی درو اول می‌نامند.

۱- «Tandir»

۲- آقای مسلم شیرچنگک و علی ساسانی

۳- خشه: Xaše بمعنی اسبوس

۴- «Arx»

۵- «Varyân»

۶- «Ânâ Drov»

۷- «Ava Drov»

سنتی

درو دومی را در اواخر تیرماه انجام میدهند و آنرا «پشه‌درو»^۱ یا پیش‌درو می‌نامند. معمولا بار سوم بنام «کلکه‌خزل»^۲ با زحمت فراوان و اغلب با داسهای کوچک مخصوص، یونجه را که حداکثر ده سانتیمتر شده است درو کرده و بابر گهای پائیزی ریخته شده در گونی جمع کرده و به مصرف علوفه اولیه دامهای خود مصرف میکنند.

مرغوبترین یونجه «پشه‌درو» میباشد. اولی بعلت وجود آفات در وجود گیاهان هرز بهاره یونجه ناخالص میباشد.

هر دروگر درو یونجه را در حالیکه سرپای ایستاده است باداس بزرگ بنام «درگز»^۳ و یا در حال خم شده با داس کوچک انجام میدهند. یونجه‌های درو شده را مانند گندم در مزرعه جمع می‌کنند و آنرا «جمه»^۴ گویند. پس از خشک شدن «جمه»ها آنها را بصورت بسته‌هایی بوسیله مقداری یونجه که بهم تاب داده اند می‌بندند و هر بسته را «باغ»^۵ می‌نامند. مجموع هشت «باغ» یک خر بار است که آنرا «خالوار»^۶ گویند. پسر بچه‌ها «خالوار»ها را بوسیله خر بخانه حمل می‌کنند و یک نفر مرد در پشت بام آنها را بصورت «تایا»^۷ رویهم می‌گذارد تا در زمستان بمصرف خوراک دامها برسد.

کشت سیب زمینی بروش سنتی

ترکمن چائیها زمینی را که جهت کشت سیب زمینی انتخاب کرده‌اند در اوایل

۱- « Peša Drov »

۲- Kilka Xazal از سید جمال ترابی طباطبائی

۳- « Dar Gaz »

۴- « jama » - جمه خوراکی

۵- « Bag »

۶- « Xalvar »

۷- Tâya تالا - تله یا تل

آبانماه شخم می‌زنند و این شخم را «ایمارات»^۱ می‌نامند. اگر در زمین سیب‌زمینی سال قبل یونجه کاشته باشند در فصل بهار برای از بین بردن علفهای هرز و ریشه‌های یونجه شخم دومی بنام «پرشیم» انجام می‌دهند. معمولا شخم را بوسیله تراکتور و یا خیش^۲ می‌زنند.

«برای کاشتن سیب‌زمینی پس از شخم زدن زمین آنرا با کمک کج بیل، کرت بندی کرده و در روی پشته‌ها سیب‌زمینی را می‌کارند (انتخاب بذر سیب‌زمینی یکی از مسائل مشکل زارعین میباشد بعد از انتخاب بذر «یعنی عین سیب‌زمینی» آنرا با کارد یا چاقو بقطعات مختلف تقسیم کرده و بنا به قوت زمین و قدرت بذر چند قطعه را در یک‌چاله قرار داده با خاک میپوشانند.) و عملیات زیر را انجام می‌دهند.»^۳

۱- وجین

۲- «ور»^۳ یا برگذاشتن

۳- کود دادن

۴- آبیاری و حساب تناوب آن نسبت به زمان‌های مختلف اعم از گل‌نشستن -

کود دادن - و ر دادن .

معمولا محصول سیب‌زمینی را در آخر فصل پاییز برداشت می‌کنند و آنرا

با کندن زمین بوسیله بیل از درون خاک بیرون می‌آورند. امروزه حدود صد «ایپ» زمین را زیر کشت سیب‌زمینی می‌برند .

ابزار سنتی کشاورزی

۱- شانه ، šana ، (شانه آهنی)

۲- سواراخ ، sovârâx ، شانه تخته‌ای که از آن در مواقع خرمن کوبی جهت

باد دادن محصول گندم و جدا کردن گاه از آن استفاده می‌کنند .

۱- Imârât

۲- از سید جمال ترابی طباطبائی

۳- var

- ۳- بیل : برای کندن زمین مورد استفاده قرار میگیرد .
- ۴- تبر یا تیشه : در قطع کردن شاخه‌های درختان و شکستن هیزم مورد استفاده قرار می‌گیرد .
- ۵- موماگران «momâgran» داس کوچکی است که با آن شاخه‌های کوچک درختان را هرس می‌کنند .
- ۶- دزگز «Dargaz» داس بزرگ با دسته طویل که در درو کردن یونجه بکار می‌رود .
- ۷- خیش آلات و اصطلاحات مربوط بآن.
- (۱) زوله «zôla» برای محکم نگهداشتن گردن گاو در قسمت «بویون‌دوروخ» بکار می‌رود و آنرا بوسیله طنابی بنام «چاتی»^۱ به «بویون‌دوروخ» نصب می‌کنند .
- (۲) اوخ «ox» تیرچوبی بزرگ که يك سر آن بوسیله طناب به قسمت وسط «بویون‌دوروخ» و سر دیگرش به قسمت آخر «دند»^۲ متصل می‌شود و در انتهای آن سه سوراخ بنام «کان» تعبیه می‌کنند .
- (۳) دند «Dand» تیر چوبی است که يك سر آن به «اوخ» و سر دیگرش به گاو آهن وصل می‌شود .
- (۴) توتاچ «Tutaç» دسته چوبی را گویند که کشاورز هنگام شخم زنی با يك دست آنرا محکم می‌گیرد .
- (۵) هنگه‌جو «Hangajuvâ» میله چوبی است که جهت محکم کردن «بویون‌دوروخ» در «اوخ» بوسیله بند چرمی بآن می‌بندند .
- (۶) قلیش «gllâ» وسیله چوبی است که «توتاچ» را به «دند» وصل می‌کند .

۱- « Boyundurux »

۲- « çati »

۳- « Dand »

۴- توتاچ : وسیله‌ای که هنگام شخم با دست می‌گیرند .

(۷) چاتی (çāti) طنابی که بوسیله آن «زوله» و «بویون دوروخ» را در گردن گاو محکم نگه‌میدارد .

(۸) «گافائین» (Gâfâin)، قسمت آهنی گاو آهن که در هنگام شخم زنی بزمین فرو میرود و آنرا می‌کند .

دامداری سنتی

گاو‌داری : مردم ترکمن چای به صاحبان زمین‌های بزرگ «هامپا» مینامند . و هر «هامپا» به نسبت بزرگی زمین زراعی خود گاو ماده شیرده نگهداری میکند . آنها را روزانه دوبار صبح و عصر شیردوشی می‌کنند و آن از وظایف زنان خانه میباشد . سپیده دم پس از دوشیدن گاو یکی از افراد خانواده معمولاً پسر بچه‌ها آنها را بطرف مراتع هدایت می‌کنند و برای چرا در آنجا رها می‌نمایند و اغلب پای گاو را با طناب یا بند طولی بزمین نصب می‌کنند تا مانع ورود آن به کشت و زار دیگران گردد .

موقع عصر پس از فراغت از کار دوباره گاوها را جمع کرده بمحل شیردوشی که معمولاً خانه است منتقل می‌کنند زنان شیردوشیده شده را بلافاصله در «دیکمی» بنام «قازان» می‌جوشانند و جهت گرفتن کره آن در کوزه‌ای بنام «نهره» ریخته مدتی آنرا تکان می‌دهند تا کره گرفته شود . باقیمانده آنرا که بصورت دوغ «آبران» بمصرف غذائی میرسانند .

۱- گاو آهن

۲- Hâmpâ «هامپا» معادل «هامپا» بکشاورزانی اطلاق می‌شود که از نظر وسعت زمین زراعی درآمد نسبی در حد مالک روستا باشند و بعد از اصطلاحات ادزی اصطلاح صاحب نسق بیشتر متداول شد .

۳- Gâzân

۴- Nehra

۵- Aÿran

نگهداری بز و گوسفند بطریق سنتی

از هزار خانواده تر کمن چای صد و بیست خانواده هر کدام صاحب بیش از هفتاد الی هشتاد رأس بز و گوسفند می باشند و بقیه آن سه الی ده رأس نگهداری می کنند .

خانواده هائیکه دام بیشتری دارند وظیفه چوپانی را خودشان عهده دار می شوند. بدین طریق که یکی از اعضای ذکور خانواده معمولا پسر بچه ها آنها را جهت چرا بمراعات^۱ خصوصی خود می برند ولی خانواده های کم بضاعت که دام کمتری دارند جهت نگهداری آنها باهم متحد شده کسی را بعنوان چوپان^۲ استخدام می کنند و آنرا برای چراندن دامهایشان می گمارند اکنون در تر کمن چای سه نفر چوپان مشغول کار است که مزد او را از روز چهل و پنجم بهار الی چهل و پنجم پائیز حساب می کنند. در گذشته مزد چوپان به نسبت هر رأس گوسفند یا بز سالیانه (از چهل و پنجم بهار الی چهل و پنجم پائیز) نیم من گندم و به نسبت هر رأس بره نیم عدد نان بصورت روزانه پرداخت می شد . در حال حاضر رسم گذشته تغییر یافته و برای هر رأس دام سالیانه هفتاد تومان^۳ به چوپان مزد پرداخت می کنند و بره ها را خودشان در خانه نگهداری می کنند .

زنان تر کمن چای بز و گوسفند را مانند گاو روزانه دوبار می دوشند و زمان آن صبح و عصر می باشد . سبیده دم پس از دوشیدن آنها را توسط یکی از پسر بچه ها در میدان روستا و یا در چراگاه بچوپانان تحویل میدهند. آنان رمه را روزها در مراعات

۱- تر کمن چایها مراعات دیمی را «کالاک Kâlâk» و مراعات آبی را «چیمان çiman» می گویند .

۲- در گذشته یکی از کارهای مهم کشاورزان استخدام چوپان بود که معمولا چند ساعت پس از تحویل سال در عید نوروز در مسجد جمع می شدند و جهت انتخاب آن ساعتها باهم مجادله می نمودند .

۳- این مبلغ مربوط بسال ۱۳۵۷ میباشد .

می‌چرانند و هنگام عصر پس از چرا بطرف خانه‌ها روانه می‌کنند تا هر کدام طویله خود را پیش گیرد قبل از ورود آنها به طویله دوباره دوشیده می‌شوند. در زمستان جهت گرم نگهداشتن دامها آنها را در «کوم» نگهداری می‌کنند.

خوراك عمده دامها در زمستان علوفه و یونجه خشك است که معمولاً در پشت بام بصورت «تایا» نگهداری می‌شود و جهت چاق شدن آنها یونجه را باکاه مخلوط کرده و مقداری جو اضافه می‌کنند و آنرا «گوموجه» می‌گویند.

ترکمن چائیها بره‌های نوزاد را از روز تولد تا بیست روز به پیش مادرشان رها می‌کنند تا در این مدت قدری بزرگ شده و باصطلاح «دهنشان علف» گیرد. از آن به بعد بره‌ها را جداگانه نگهداری می‌کنند و بندرت برای شیر خورن نزد مادرشان می‌برند. زیرا معتقدند که هر روز شیر مادر را بمکند مادر ضعیف شده میمیرد. همچنین شیر که یکی از پایه‌های اقتصاد خانواده است در اثر مکیدن بره‌ها کمتر می‌شود.

معمولاً شیر بز و گوسفند را در کاسه‌ای بنام «بایدا» می‌دوشند و پس از عبور دادن آن از تور سیمی یا مدقال بعنوان صافی در دیکی بنام «فازان» می‌جوشانند. فراورده‌های حاصل از شیر بز و گوسفند پنیر، کره، ماست و دوغ می‌باشد که بمصرف غذایی خانواده می‌رسد و اضافه آنرا در بازارهای هفتگی بفروش می‌رسانند.

ترکمن چائیها در قدیم کسی را بنام «ناخرچی»^۱ استخدام میکردند تا دامها را سده دم در میدان یا محل مخصوص تحویل گرفته و به چرا برده و عصر در همان محل تحویل بدهد.

1 - Gümüje

2 - Bâyda - بادیه

3 - Naxırçı

پزشکی عامیانه دامها

۱- دباغ (Dabbâg) : در این بیماری پاهای حیوان زخمی شده بحدی که میان ناخنهای آن در اثر زخم مجروح می شود . برای معالجه آن از نفت سیاه و یا «ذی» استفاده می کنند .

۲- دلجه (Dalija) : در این بیماری دامها گیج می شوند و بلافاصله بدور خود پیچیده بزمین می افتند و می میرند . شیوع این بیماری معمولاً در فصل تابستان با خوردن ساقه های باقیمانده گندم در مزارع می باشد زیرا کیسه ای بنام «داوارجخ»^۲ در حد فاصل میان ریشه و ساقه گندم وجود دارد که سم سبز رنگی بنام «گورداخ»^۳ از آن تولید می شود که حیوان بمحض خوردن آن قسمت از ساقه مسموم می گردد .

۳- کوبه (Köbbe) : شکم حیوان هنگام ابتلا به این بیماری باد می کند و آن در اثر اصراف در خوردن یونجه سبز و تازه پدید می آید . جهت معالجه این بیماری از نمک و نفت سیاه استفاده می کنند و بعضاً «با جوالدوز باد شکم او را خالی می کنند . محل فرو کردن جوالدوز قسمت مثلث بین دنده های سینه و مهره ها و ران حیوان میباشد . البته این عمل مهارت و تخصص زیادی لازم دارد»^۴

۴- اسهال : در صورت ابتلای دامها به بیماری اسهال پهن گاو را در تنور گرم کرده بوسیله آن ستون فقرات حیوان را گرم میکنند .

مبادله محصولات کشاورزی و دامی

تولیدات محصولات دامی و کشاورزی در ترکمن چای معمولاً مستقیماً توسط دامداران و کشاورزان شهرستان میانه حمل و در آنجا بفروش می رسد . روستائیان

۱- Zay یا زاج سفید

۲- Dâvârjx

۳- Gurdâx

۴- تقریر از سید جمال ترابی طباطبائی

پولی را که از فروش محصولات خود بدست می‌آورند از مغازه‌داران شهر مایحتاج زندگیشان را خریداری می‌کنند. و با محصولات خود را به بازارهای هفتگی دهات مجاور می‌برند. در این بازارها اجناس یا بصورت نقدی و یا با محصولاتیکه در این روستاها تولید می‌شود مبادله میکنند. بازارهای هفتگی روزهای چهارشنبه در روستای « غریب دوست » و روزهای جمعه در روستای سومعه سفلی تشکیل می‌گردد .

اغلب دامداران و کشاورزان کم‌بضاعت مصرف روغن خودشان را از شهرستانها تأمین می‌کنند که این خود دلیل بر عدم ثبات کشاورزی و دامداری است. صنایع دستی از قبیل فرش و گلیم که در دهات مجاور تولید می‌شود با کشاورزان تر کمن چائی بمبادله می‌گذارند . در اینصورت یا نقداً خرید و فروش می‌کنند و یا با محصولات دامی و کشاورزی مبادله می‌نمایند .

علل رکود کشاورزی در تر کمن چای

رکود کشاورزی در تر کمن چای را می‌توان معلول چند عامل دانست :

۱- راحت طلبی روستائیان و عدم کار با آلات و ابزار کشاورزی سنتی و عدم دسترسی به ماشین آلات مدرن کشاورزی در حال حاضر.

۲- مهاجرت جوانان به شهرها و تأثیر پذیری آنان از زندگی شهری و رسوخ بی‌رویه و تدریجی فرهنگ شهری و بیگانه بفرهنگ اصیل روستائی ، بطوریکه مانند اکثر روستاهای ایران مانع ادامه کار کشاورزی در زادگاهشان می‌باشید . روستائیان با فروش خانه و مزرعه خویش علایق خود را از دهکده قطع می‌کنند با پول بدست آمده از فروش مایملک خود تنها قادرند در شهرستانها مأمنی برای زندگی زن و فرزندشان تهیه کنند .

از طرفی بعلت کمی بازار کار به افزایش کارگر در شهرستانها کمک می‌نمایند

که در نتیجه موجب تجمع نفوس و شلوغی محیط شهری را فراهم می آورند. و گاهی با خریدن يك قطعه زمین چند متری جهت ساختن خانه موجب از بین رفتن باغات اطراف شهرستانها و بزرگ شدن آنها می شوند .

بطوریکه در اثر این کوچها و رفتن اکثر جوانان از روستاها و آشنائی آنان با زندگی شهری از صدها هکتار زمین زراعی در ترکمن چای فقط حدود چهارصد هکتار آن به زیر کشت می رود .

۳- با ایجاد کارخانه های مونتاز در شهرستانها و نیاز به کارگر ارزانقیمت که این نیز فقط از کارگران روستائی قابل تأمین می باشد این ده و نظایر آن خالی از دامدار و کشاورز و حتی از سکنه شده است زیرا آنان پس از قطع علاقه از روستای خود مجبورند کاری در شهرستانها دست و پا کنند .

باید اذعان نمود که وابستگی بآب و خاک جزء رسومات روستائیان می باشد و هیچیک از آنان حاضر به ترك زادگاه خود نمی باشد حتی در سخت ترین شرایط. و اگر کسی در شرایط فوق العاده مجبور به ترك روستا گردد باز نمی تواند تمام علایق خود را از زادگاهش قطع نماید .

سنن همسرگزینی در ترکمن چای

«در ترکمن چای یکی از شرایط مهم ازدواج پسر با دختری رضایت والدینشان میباشد . بخصوص در گذشته پسران حق انتخاب همسر آینده خود را نداشتند . ازدواجها بیشتر جنبه شرعی و اقتصادی داشت و بدین جهت پدر داماد دختری را که از نظر پایبندی بمذهب و تناسب اقتصادی جهت خانواده اش مفید بود برای همسری پسرش انتخاب میکرد . حتی در این مورد مادران نیز نمی توانستند دخالتی داشته باشند که در نتیجه ممکن بود عروس چندین سال از داماد بزرگتر یا کوچکتر باشد» . امروزه نیز در بسیاری از خانواده ها با اندکی تغییر این سبک محفوظ مانده است . مثلا ممکن است پسری دختری را دوست داشته باشد و اگر مایل بازدواج

با او باشد باید رضایت والدین خود را جلب کند تا ازدواج صورت پذیر باشد.

مراسم خواستگاری

مردم ترکمن چای عروشان را خود انتخاب می کنند و برای خواستگاری او شب هنگام پدر داماد با چند نفر از فامیله‌ها و ریش سفیدان محل بخانه عروس می روند. اگر پدر عروس با این ازدواج موافق باشد.

اولا با رفتار و حرکاتی که توأم با احترام زیاد میباشد آنها را از نیات درونی خود آگاه می سازند. ولی برای بالا بردن وجهه دخترشان و جلوگیری از شایعات که دخترشان را زودتر و بدون مطالعه از سرشان وا کرده اند، به بهانه اینکه تمایل عروس را بدست آورند چند روز برای دادن جواب مناسب مهلت می خواهند.

یکی دیگر از علایم تمایل پدر دختر نسبت به این خواستگاری تعارف شیرینی است که پدر داماد همراه خود آورده است مرسوم است پس از آنکه پدر داماد «هه بلی» را از پدر عروس گرفت بلافاصله در همان مجلس روزی را برای بردن انگشتر و یک دستمال جهت عروس معلوم می کنند. در روز تعیین شده چند نفر از زنان نزدیک و فامیل داماد یک حلقه انگشتر و یک دستمال شبیه روسری بخانه عروس می برند.

در این مراسم عروس از روبرو شدن با فامیل داماد خجالت می کشد برای جلوگیری از شرمندگی او جهت امتحان بزرگی و کوچکی انگشتر، آن را به انگشت یکی از خواهرانش فرو کرده و روسری را به سرش می اندازند. رسم است فامیلهای داماد پس از طی این مراسم پولی بمقدار پانصد تومان بعنوان هدیه بین خواهران عروس تقسیم می کنند. بعد از اینکه موافقت خانواده عروس جهت این پیمان کسب

۱- مسلم شیرچنگک و علی ساسانی.

۲- «Habeli» «هه بلی» یعنی «بله بران».

گردید . زمان عقد و شیرینی خوری نیز بوسیلهٔ زنان تعیین می‌شود .

عقد کنانی و مراسم شیرینی خوری در ترکمن‌چای

ترکمن‌چائیها در مراسم عقد کنانی معمولاً تمام فامیل و همسایگان خود را دعوت می‌کنند . دعوت شدگان از طرف داماد بخانهٔ او جمع شده و از آنجا بخانهٔ عروس روانه می‌شوند. فامیل عروس مهمانان را نسبت به شخصیت و سن جا نشان می‌دهند، جهت تفکیک زنان از نامحرمان در مجلس جداگانه‌ای دور از دید آنان می‌نشینند. مرسوم است که «قوللوخ‌چی»^۱ها شیر سماور را باصطلاح باز نمی‌کنند . تا اینکه بدینوسیله از مهمانان پول جمع کنند. جمع کردن پول توسط «قوللوخ‌چی»ها از مهمانان تماشائی است زیرا توأم با بعضی شوخی و تفریح‌های سالم انجام می‌گیرد و مدتی بطول می‌انجامد . پس از آن توسط «قوللوخ‌چی»ها چای تعارف می‌شود .

لازم به توضیح است که مخارج قند و چای مصرف شده در این روز بعهدهٔ خانوادهٔ داماد است که قبلاً تهیه دیده‌اند .

پس از صرف چای مقدار مهریهٔ عروس را که چند روز قبل در مجلس «ه‌بلی»^۲ توسط خانواده‌های عروس و داماد تعیین شده بود بوسیلهٔ یک نفر از ریش سفیدان در روی کاغذ نوشته می‌شود و آنرا در اختیار روحانی که جهت خواندن عقد شرعی دعوت شده قرار می‌دهند . ایشان پس از ملاحظه مقدار مهریه و کلای زوجین را که معمولاً پدران آنان می‌باشند مخاطب قرار داده و حاضرین بوکالت آنها گواهی می‌دهند . هنگام جاری شدن صیغهٔ عقد توسط روحانی بایستی مهمانان سکوت مجلس را رعایت کرده چهارزانو بنشینند و دستها را روی زانوان خود قرار دهند . زیرا معتقدند که هنگام جاری شدن صیغهٔ عقد چنانکه دستهای خود را بصورت شانه

۱- « Gulluxçi » « قوللوخچی » مردم ترکمن‌چای پذیرائی کنندگان افتخاری را

« قوللوخ‌چی » می‌نامند .

۲- « Habali »

بهم وصل کند و یا بحالت بسته نگهدارد داماد در شب « زفاف » باصطلاح بسته خواهد شد .

پس از اتمام عقد شرعی چند نفر از ریش سفیدان حاضر در جلسه بعنوان شهود زیر قباله ازدواج را که توسط روحانی روی کاغذ عادی نوشته شده است امضاء می کنند. ممکن است سن یکی از زوجین کمتر از سن قانونی باشد در این صورت تا زمانی که سن او بحد قانونی نرسیده سند ازدواج را به ثبت نمی رسانند بلکه باسند محلی ازدواج کرده ، پس از آنکه سن قانونی طی شد آنرا به ثبت می رسانند .

در گذشته پس از برقراری عقد و صرف شیرینی نوازنده ای را بنام «عاشخ» دعوت می نمودند و چند ساعتی زنان و مردان در اطاقهای جداگانه جشن و سرور برپا می کردند، مرسوم است که پس از سیری شدن مراسم عقد کنانی غذائی بنام «ایسدی پای»^۱ یعنی غذای گرم از طرف داماد بخانه عروس فرستاده می شود و معتقدند که آن گرمی و صمیمیت را بخانواده عروس بارمغان می آورد. وظیفه بردن «ایسدی پای» بخانه عروس بعهده زنان نزدیک داماد است . همزمان با «ایسدی پای» در خانه عروس نیز آش شیر می پزند و معتقدند که شیر و برنج مایه است و برای داماد و عروس خوشبختی می آورد. معمولاً این آش بعد از ظهر بعنوان دسر تناول می شود .

یکی دیگر از رسومی که مردم تر کمن چای در رعایت آن تأکید دارند فرار و دوری گزیدن عروس از زنان مسن می باشد . بهمین جهت در بسیاری از مراحل جشن یا بخانه یکی از فامیلهای و یا همسایه نزدیک می رود. اگر احیاناً دختری در رعایت آن کوتاهی نماید، میگویند آن دختر باصطلاح «سبک» است و برای شوهر کردن از اول مشتاق بوده است .

دو سه روز پس از «ایسدی پای» داماد بخانه عروس دعوت می شود . و او به همراهی چند نفر از دوستان نزدیک و یا خواهر خود این دعوت را می پذیرد. چنین رسم است که پدرزن باید از خانه بیرون برود و یا در اطاق دیگری دور از دید داماد

بنشینند. زیرا در غیر این صورت معتقدند که سنت خجالت و شرمندگی از بین خواهد رفت. این دعوت معمولاً عصرها انجام می‌گیرد و داماد شام را در خانه عروس صرف می‌کند. پس از صرف شام مادر عروس بآن‌ها شیر و میوه تعارف کرده داماد نیز بعنوان قدردانی از مادرزن مقداری پول به بشقاب می‌گذارد همراهان نیز از او تبعیت می‌کنند. در عوض محبت آنان مادرزن بهر کدام یک جفت جوراب و یادستمال هدیه می‌کند. از این روز به بعد داماد میتواند براحتی بخانه عروس رفت و آمد نماید ولی حق ملاقات با عروس را ندارد. حتی عروس تا زمان عروسی در پیش او چادر بسر است.

در مدت نامزدی در اعیاد نوروز و چهارشنبه سوری فامیلهای داماد بدیدار عروس خود می‌روند و هر یک نسبت بقدرت مالی خود یکدست لباس یا جوراب به او هدیه می‌کنند در اینجا داماد هم باید بمنظور تبریک گفتن و بازدید از مادرزن بخانه عروس رفته و جهت عروس عیدیانه نقدی بدهد.

معمولاً در عید قربان خانواده داماد گوسفندی قربانی کرده و از گوشت آن برای عروس می‌فرستند. همچنین همراه گوشت یکدست لباس و یک جفت کفش برای عروس ارسال میدارند.

مراسم عروسی در ترکمن‌چای

۱- توی دانشفی «Toydanıſigi»: پس از پایان دوران نامزدی هر دو فامیل در خانه عروس جمع شده و برای تعیین روز عروسی مشاوره می‌کنند. کسانی که در این مشاوره حق شرکت دارند عبارتند از: فامیلهای نزدیک، چند نفر از ریش سفیدان مورد اعتماد هر دو خانواده. با توجه باینکه مخارج عروسی بعهده خانواده داماد است قبل از هر چیز مقدار آن را معین می‌کنند و هنگام تعیین آن طرفین هر قدر ممکن باشد در مورد مقدار آن چانه می‌زنند. یعنی طرف داماد سعی می‌کنند که کمتر بدهد و طرف عروس سعی می‌کند بیشتر بگیرد پس از تعیین مخارج و روز عروسی چند

نفر از فامیل‌های طرفین جهت خرید وسایل عروسی به شهرستان میانه و یا بیازارهای هفتگی دهکدهٔ غریب دوست رهسپار می‌شوند. وسایل خریداری شده در این روز عبارتند از :

- ۱- دو عدد «بخدان»^۱ بمنظور نگهداری لباس .
- ۲- یکدست لباس عروسی «در گذشته آنرا در خود ترکمن‌چای از پارچه‌های معمولی تهیه می‌کردند» .
- ۳- یکدست لباس برای داماد .
- ۴- خلعت : داماد باید بکسانیکه همراه او بشهر رفته‌اند هدیه‌ای از قبیل پیراهن، جوراب و کفش بخرد. همچنین داماد خلعتی برای مادرزن خود تهیه می‌کند.
- ۵- یک گردنبند و یک انگشتر طلا جهت استفادهٔ عروس در روز عروسی .
- ۶- یک جفت کفش سفید، و یک چادر شب مشکی و یک جفت جوراب سفید جهت عروس .

۷- چند کیلو قند و چای ، ده الی بیست من برنج ، هفت الی هشت کیلو روغن حیوانی و یک کیسه آرد .

۲- پالتارکسمه « Paltarkasma » : پس از « توی دانشنی » و خرید ، وسایل خرید شده را فامیل‌های داماد اعم از خواهر و خاله ، عمه ، دختر خاله ، دخترعمو و دخترعمه باتفاق همراه چند نفر از جوانان جهت مراقبت از آنان بخانهٔ عروس می‌برند پس از صرف چای و شیرینی جوانان برمی‌گردند ولی زنان جهت بریدن پارچه برای دوخت لباس می‌نشینند . مرسوم است که یکی از زنان مسن که در برش پارچه مهارت دارد ، یک تکه از پارچه‌های خریداری شده را باندازهٔ تن عروس می‌برد . حاضرین کف می‌زنند و شادی می‌کنند و به عروس تبریک می‌گویند. البته این کار بمنظور دوختن لباس نیست بلکه برای آشنائی بیشتر دو فامیل جدید انجام می‌گیرد. پس از بریدن لباس یکبار دیگر از مهمانان با چای و شیرینی پذیرائی می‌کنند،

و لحظه بعد همه متفرق می‌شوند. بعداً پارچه‌ها را به خیاط می‌برند تا جهت روز عروسی دوخته و آماده کند.

۳- جای مصلحت: مرسوم است چند روز قبل از عروسی خانواده داماد همه مردان نزدیک از قبیل فامیل و همسایه عروس و داماد را بخانه خود و بهمین ترتیب خانواده عروس نیز تمام زنان نزدیک را بخانه‌شان دعوت می‌کنند. اگر احیاناً کسی این دعوت را قبول نکند معلوم می‌شود که در عروسی نیز شرکت نخواهد نمود. پس از صرف چای یکفریست اسامی کسانی که در روز چای مصلحت حاضر شده‌اند در روی کاغذی می‌نویسد تا از روی لیست جهت شرکت در عروسی دعوت نمایند و معمولاً کسانی که در این روز حضور نداشته باشند دیگر به سایر مراسم عروسی نیز دعوت نمی‌شوند.

۴- یاغ دویوگونی «Yâg düyü günü»: مقدار روغن و برنجی که در روز «توی دانشی» تعیین کرده بودند. توسط چند نفر پسران و دختران جوان باتشریفات خاصی نزدیکهای عصر بخانه عروس برده می‌شود. مادر عروس جهت تشکر از آنها بهریک هدیه‌ای از قبیل جوراب و دستمال که قبلاً بهمین منظور تهیه کرده است می‌دهد. این روغن و برنج در طول مهمانیهای عروسی بمصرف می‌رسد.

۵- تاباخ گورمه «Tâbâx Gormex» یا جهیز استو «jahiz üstü»: مردم ترکمن چای خوانچهره «تاباخ» گویند و یک روز پس از مراسم «یاغ دویوگونی» مادر عروس جهیزیه دخترش را دریک اطاق روی «تاباخ» هائیکه از «تاباخ چی» کرایه کرده‌اند می‌چیند و برای نشان دادن آنها از اقوام و همسایه‌ها عصر همانروز دعوت بعمل می‌آورد. البته این دعوت تنها از زنان صورت می‌گیرد. مهمانان ضمن اینکه به اشیاء موجود در «تاباخ»ها تماشا می‌کنند زنی دستمالی را وسط اطاق پهن کرده تا هریک از تماشاگران بمیزان قدرت مالی خود پولی بعنوان «جهیز استو» آدر روی آن بگذارند.

۱- Tâbâx - طبق

۲- Yag düyü günü

۳- jahiz üstü

از بین زنان یکنفر که خواندن و نوشتن میداند لیست اسامی پول دهندگان را نوشته و با صدای بلند قرائت می کند تا همه از مقدار آن مطلع شوند .

این صورت برداری برای آن است که مادر عروس باید متناسب با آن مقدار در روز عروسی فرزند آن شخص بهمان عنوان پس بدهد .

هنگام رسیدن شب دعوت شدگان یکی پس از دیگری عازم خانه خود می شوند . عده ای نیز جهت صرف شام می نشینند که آنرا اصطلاحاً «خوش»^۱ می نامند .

همزمان با مراسم «تاباخ گورمه» در خانه داماد مراسم سرتراشی داماد صورت می گیرد .

بدین طریق که همه دوستان بخانه او جمع می شوند و سلمانی که قبلاً جهت این عمل دعوت شده با تانی و توأم با شوخی و تفریحات بخصوصی سر داماد را می تراشد . پس از خاتمه سرتراشی دوستان داماد هر کدام پولی را بعنوان دستمزد سلمانی در یک سینی جمع می کنند و پس از آن حاضرین با شیرینیهای موجود خود را شیرین کام میکنند .

۶- بی پالتاری «Bay Paltari» : مردم ترکمن چای تازه داماد را «بی»^۲ می نامند . خواهران و زنان نزدیک داماد در وقت شام پس از پایان مراسم «تاباخ گورمه» بلافاصله بخانه داماد برمی گردند و مجلس زنانه ای در اطاق جداگانه ترتیب می دهند و شام را برای پذیرائی مهمانان آماده می کنند . پس از صرف شام مرسوم است که سلمانی لباس داماد را باستثنای بازوی چپ او می پوشاند و تازمانیکه تحفه ای بصورت پول یا جنس از او نگیرد از پوشاندن بازوی چپ خودداری می کند .

در خاتمه بعضی از زنان حاضر در مجلس پارچه ای بگردن داماد می اندازند که آنرا «خلت»^۳ گویند که داماد آنها را بعداً به سلمانی پیشکش می نماید .

۱- «Xaš» بمعنی خرج

۲- Bay

۳- Xalat - خلعت

مراسم حنابندان^۱

پس از پایان مراسم «بی‌پالتاری» بلافاصله دو فامیل جداگانه در خانه خودشان مراسم حنابندان را اجرا می‌کنند در خانه داماد مهمانان بایی صبری منتظر ورود سلمانی و داماد می‌نشینند. بمحض ورود آنها حاضرین دو نفر از دوستان داماد را بعنوان «ساغدوش و سولدوش»^۲ انتخاب می‌کنند وظایف آنها راهنمایی داماد است و بایستی در تمام مراسم عروسی تا شب زفاف همراه و راهنمای او باشند.

مرسوم است که در مراسم حنابندان پیرمردان به بهانه خستگی جهت آزاد گذاشتن جوانان در اجرای این مراسم یکی بعد از دیگری مجلس را ترك می‌کنند. پس از رفتن ریش سفیدان و بزرگان در حالیکه داماد در میان «ساغدوش و سولدوش» سرپا و رو بقبله ایستاده است سلمانی که او را «دالاک»^۳ گویند با آهنگ بلند با نواختن دایره شروع بخواندن و باصطلاح «تعریف» داماد می‌کند. در این موقع همه مشغول خوردن شیرینی و میوه و مزاح کردن با دوست بغل دستی خویش می‌باشند و بعضی از دوستان داماد جهت خوشنود کردن او در مقابلش می‌رقصند. در این میان دو نفر دیگر از دوستان داماد «ساغدوش و سولدوش»^۴ را بحرف می‌گیرند تا بتوانند چیزی از اشیاء متعلق بداماد را بدزدند.

بدیهی است که اگر لباس داماد در این موقع دزدیده شود بادستور او «ساغدوش و سولدوش» را کتک می‌زنند و البته دستورات داماد تا پایان مرحله حنابندان لازم الاجراست و بکسیکه کتک می‌زنند تا زمانیکه پولی از او نگیرند ادامه می‌دهند و این پول‌ها پس از جمع شدن توسط پدر داماد صرف مخارج حنابندان می‌شود. حدود نصف شب دو نفر بنا بدستور داماد بخانه عروس رفته و غذائی را که قبلاً بمنظور

۱- ذاکر علی ابراهیمی - مسلم شیرچنگ

۲- «Solduŝ - Sâgduŝ»

۳- «Dâllâk»

۴- ساغدوش در طرف راست داماد و سولدوش در طرف چپ او می‌ایستند.

پذیرائی از مهمانان تهیه دیده‌اند بخانه او می‌آوردند تا بعداً مخلوط باغذائیکه درخانه داماد تهیه شده صرف نمایند .

نزدیکیهای صبح داماد بهمراهی «ساغدوش و سولدوش» وعده‌ای از دوستان صمیمی خود بحمام «بی» که آنرا اصطلاحاً «بی‌حامامی»^۲ گویند می‌روند . دوستان دیگر داماد بعد از برگشتن آنان از حمام سفره غذا را آماده می‌کنند . بعد از صرف غذا کاسه‌ای پراز حنای خیس شده بمجلس آورده می‌شود و « ساغدوش » درحالیکه دست داماد را گرفته «سولدوش» بانگستان او حنا می‌گذارد. معمولاً بکف دستان داماد و عروس بوسیله حنا گل محمدی نقش می‌کنند و معتقدند که گل محمدی برای زوجین خوشبختی می‌آورد. لازم بتوضیح است که مشابه همین مراسم نیز همزمان با آن در خانه عروس اجرا می‌شود .

مراسم آوردن عروس بخانه داماد^۳

صبح روز بعد حنا بندان مهمانان جهت استراحت بخانه خودشان می‌روند ولی عده‌ای از فامیل‌های نزدیک داماد بمنظور تهیه غذا و آوردن آب از چشمه جهت پذیرائی از مهمانان در آنجا می‌مانند . موقع ظهر مدعوین که معمولاً متشکل از فامیل‌های عروس و داماد هستند وارد می‌شوند. پس از صرف غذا و قدری استراحت موقع عصر «ساغدوش و سولدوش» بهمراه چند نفر از مردان و زنان نزدیک وعده‌ای از ریش سفیدان روستا برای آوردن عروس بخانه او می‌روند . آنها در یکی از اطاق‌های خانه عروس مورد پذیرائی قرار می‌گیرند . سپس یکی از ریش سفیدان که قبلاً شیربهای عروس را بنام «باشلخ»^۴ از پسر داماد تحویل گرفته است در اختیار پدر

۱ - « Bay » - داماد

۲ - « Bay Hâmâmi »

۳ - مسلم شیرچنگک شغل آموزگار

۴ - « Bâêlix »

عروس قرار میدهد . بدیهی است که همه آنها بمنظور تهیه صورت جهیزیه عروس تا آخر می‌نشینند و یکنفر لیست آنها را روی کاغذی به ترتیب نوشته و حاضرین بعنوان شاهد زیر آنرا امضاء می‌کنند .

معمولا جهیزیه را بوسیله اسب و درحالیکه پسر بچه‌ای روی آنها پشت اسب سوار شده بخانه داماد حمل می‌کنند . مرسوم است که این پسر بچه تا زمانکه پول و یا هدیه‌ای بعنوان چشم‌روشنی از داماد نگیرد از روی جهیزیه‌های موجود در پشت اسب پیاده نمی‌شود . داماد پس از راضی کردن او جهیزیه را با یاری «ساغدوش و سولدوش» بخانه خود حمل می‌نماید .

معمولا ترکمن چائیها عروس را دو سه ساعت از شب گذشته بخانه داماد می‌آورند .

بدین طریق که پس از فرستادن جهیزیه دونفر از خواهران و یا عمه و خاله عروس که آنها را در زبان محلی «بینگه» گویند درحالیکه دوبازوی عروس را گرفته‌اند در میان زنان از خانه خارج می‌کنند و پیاده و یا سوار بر اسب بطرف خانه داماد روانه می‌شوند. تا دم درخانه داماد شخصی بعنوان نوازنده بنام «عاشخ»^۲ با ساز محلی خود می‌نوازد .

قبل از ورود عروس و همراهان بحیاط خانه ، داماد باتفاق « ساغدوش و سولدوش» در پشت بام در کمین می‌نشینند و منتظر ورود آنها می‌شوند. بمحض رسیدن عروس ، داماد یکعدد سیب را که قبلا بهمین منظور تهیه کرده دو نصف می‌کند یک نصف آن را بطرف عروس پرتاب کرده و نصف دیگر را خودش صرف می‌کند. با این عمل به عروس می‌فهماند که از این به بعد تمام هستی خودشانرا بطور مساوی تقسیم خواهند کرد . سپس دلهاد از پشت بام پائین آمده آئینه‌ای را بطرف صورت عروس می‌گیرد زیرا معتقدند که آئینه روشنائی می‌آورد و در نتیجه هر دو تا آخر عمر

۱ - « Yange »

۲ - « ÂsIx »

خوشبخت خواهند شد. «ینگه»ها عروس را بمجلس زنانه هدایت می کنند و مهمانان مرد جهت صرف شام در یکی از اطاقها در انتظار می نشینند . البته این مهمانان کسانی هستند که در مراسم «چای مصلحت» حضور داشتند و لیست نام آنها قبلاً تهیه شده است .

پس از صرف شام مقداری پول از مهمانان جمع آوری می شود که آنرا اصطلاحاً «دوران» می نامند .

رسم بر این است که در شب عروسی قبل از عزیمت عروس بخانه دامادیکی از پسر بچه ها کمر اورا باطنابی محکم می بندد . زیرا معتقدند که در اثر آن کمر عروس سفت شده و صاحب اولاد زیاد خواهد شد . در مقابل عروس بصورت بچه گرد آرد می باشد تا زندگی زناشویی عروس و داماد پر برکت باشد . در شب عروسی از مردان تنها «ساغدوش و سولدوش» جهت راهنمایی داماد برای زفاف می نشینند و بقیه متفرق می شوند .

مراسم زفاف

در ترکمن چای شب زفاف بغیر از زنان نزدیک و «ینگه»ها همه مهمانان متفرق می شوند . «ینگه»ها وارد حجله عروسی شده رختخواب عروس را بنا باعتقادات مذهبی رو بقبله می اندازند و عروس را بطرف حجله اش راهنمایی می کنند . او در حجله منتظر آمدن داماد می نشیند و اگر قرآن خواندن بلد باشد در این فاصله قدری قرآن می خواند . بهمین طریق « ساغدوش و سولدوش » نیز داماد را تا دم حجله هدایت می کنند و خودشان در اطاق دیگری دور ازدید زنان در انتظار می نشینند . در اینموقع یکی از خواهران داماد و یا «ینگه»ها دست عروس را در دست داماد می گذارد و آنان را تنها گذاشته و بخدا می سپارد . مرسوم اینکه هنگام دست دادن عروس

و داماد یکی از آنها پای خود را روی پای دیگری میگذارد و معتقدند که هر کدام زودتر پای دیگری را لگد کنند در زندگی زناشویی حاکم می‌شود و حرفش را بکرسی عمل می‌نشانند.^۱

بِنَگه‌ها و سایرین در پشت در لحظه شماری می‌کنند بالاخره نیم ساعت بعد داماد در حالیکه دستمال سفیدی را که آغشته به چند قطره خون است از حجله بیرون آورده و آنرا تحویل بِنَگه‌ها می‌دهد «بِنَگه»ها دستمال را بعنوان شهود نسبت به بکارت عروس بحاضرین نشان می‌دهند. و سپس یکی از آنان بهمراه «ساغدوش و سولدوش» جهت اخذ چشم روشنی دستمال را به مادر عروس می‌برند.

ممکن است در اثر کثرت هیجان و شرم داماد «زفاف» در شب اول انجام نشود در این صورت معتقدند که دشمنان داماد را باصطلاح جادو کرده و «بسته» اند در این مورد جهت رفع آن به چاره‌های زیر اقدام می‌کنند.

۱- از دعانویس محل دعا گرفته در آب بهم می‌زنند و آب آنرا بداماد می‌خورانند.

۲- دوستان داماد او را پس از گذراندن از قبرستان از روی هفت «بولاغ»^۲ یعنی هفت چشمه و از زیر هفت پل عبور می‌دهند و چنین باور دارند که اگر داماد را کسی «بسته» باشد جادوی آن لغو می‌شود.

دوواخ قاپما^۲

«دوواخ»^۴ در اصطلاح وسیله پوشش یا روسری عروس را گویند. روز بعد

۱- رسم لگد کردن در نواحی مختلف در مواقع مختلف مانند دست بدمت دادن یا موقع اجرای صیغه عقد یا زمان امضای عقدنامه بعمل می‌آید فقط در دنیای جدید ماشینی است که این مراسم به پوچ بودن محکوم میشوند.

۲- « Bülâg »

۳- « Duvâx Gâpmâ »

۴- « Duvâx »

از شب زفاف زنان در خانه داماد جمع شده و تا ظهر جشن و سرور برپا می کنند و پس از صرف نهار و جمع آوری پول آنرا تحویل پدر داماد می نمایند تا کمک خرج عروسی شود. سپس یکی از ینگه‌ها عروس را بمجلس آورده و در صدر مجلس روی يك صندلی می نشاند و يك روسری به سر او می اندازد. در اینموقع پسر بچه‌ای در حالیکه در دستهایش دو قاشق را محکم گرفته بجلو عروس آمده و چنین می گوید: «قایم . قایم»^۱ و آنرا سه مرتبه تکرار می کند. یکی از ینگه‌ها خطاب به پسر بچه چنین جواب میدهد «قایما گلیندور»^۲ پسر بچه با سرعت روسری را با قاشق‌هاییکه در دستش دارد از سر عروس برداشته و فرار می کند و تا هدیه‌ای نگرفته روسری را پس نمیلهد.

دختران دم‌بخت^۳

در ترکمن‌چای دختران دم‌بخت برای اینکه زودتر شوهر کنند به اعمال نامبرده متوسل میشوند.

۱- در شب چهارشنبه سوری عده‌ای از دختران باتفاق هم بسر یکی از چشمه‌های روستا رفته و در حالیکه هر کدام يك عدد قیچی بهمراه دارند در کنار آب می نشینند و پس از نیت کردن آب چشمه را با آن چندین بار می برند و چند مرتبه از روی آب می پرند و این جملات را به زبان آذری تکرار می کنند «آتل باتل چارشنبه، بختیم آچل چارشنبه»^۴ معتقدند که با این عمل بختشان باز شده و درد بدنشان نیز شفا پیدا می کند.

۲- شب چهارشنبه سوری دختران دم‌بخت پشت در حیاط خانه می ایستند و يك کلید را به سوراخ قفل آن می اندازند و منتظر گذشتن کسی از جلو در می شوند.

۱- GâpIm GâPmâyIm

۲- Gâpmâ Gelindür

۳- سلم شیرچنگک و امامای محل

۴- Atıl bâtil çârşanba baxtim âçil çârşanba یعنی به‌پر و پائین آی

چهارشنبه بخت باز شو چهارشنبه.

اگر در میان سخنان شخصیکه از جلو در عبور می کند لفظ «الله» و یا اسم ائمه آورده شود معلوم می شود که بخت دختر باز شده و شوهری برایش پیدا خواهد شد.^۱

۳- دختران دم بخت در ترکمن چای جهت باز شدن بختشان از دعانویس محل دعا می گیرند و بدین ترتیب معتقدند که چله شان بریده شده بختشان باز می شود.

اعتقادات درباره زنان نازا^۲

بچه دار شدن از نظر فطری و روانی یکی از آرزوهای هر زنی است بدین جهت زنانیکه حامله نشوند کمبودی در خود حس کرده و همواره برای رفع آن چاره هائی جستجو می کنند معمولاً زنان ترکمن چای برای رهایی از نازائی اعمال زیر را انجام می دهند :

۱- زنان نازا در ترکمن چای برای بچه دار شدن بوسیله علوفه هائیکه از اطراف باغات و مزارع جمع می کنند داروئی بنام داروئی «حاملگی» درست کرده می خوردند و معتقدند که با خوردن آن بچه دار خواهند شد .

۲- بامخلوط کردن این غلوفه ها با روغن دمبه داروئی بنام «چله داغی»^۳ درست کرده و آنرا در رحم زن نازا می گذارند زیرا براین عقیده اند که رحم او خشک شده که «چله داغی» آنرا نرم کرده و بدین وسیله حامله خواهد شد .

۳- روز سوم شهادت حضرت امام حسین (ع) آتش نذر می پزند و دو عدد گردو را پس از علامت گذاری یکی را بنام شوهر و دیگری را بنام زن بداخل آتش می اندازند اگر گردوها هر دو جوانه بزنند معلوم می شود که زن نازا حامله خواهد شد . ضمناً گردوها علت نازائی را معلوم می کنند .

معتقدند گردوئیکه بنام شوهر علامت گذاری شده جوانه نزند معلوم می شود

۱- گوش ایستادن

۲- مامای محل باور هائیکه مردم درباره آن می اندیشند اکثراً از اعتقادات مذهبی

آنان سرچشمه می گیرد .

۳- Cilla Dâgi

نازائی از مرد است و یا برعکس گردوئیکه بنام زن علامت گذاری شده جوانه نزنند نازائی زن را معلوم مینماید .

۴- اگر از روش‌های فوق نتیجه نگیرند نذر می‌کنند پس از بچه‌دار شدن در امامزاده غذائی پخته و به زوار او احسان کنند .

۵- زنان نازا در روز تاسوعای سیدالشهدا از زیر شبیهٔ اطاق قاسم که در منطقه تهیه می‌کنند رد می‌شوند ولی مردان از عبور زنان از زیر آن جلوگیری می‌کنند زیرا معتقدند زنان کسانی که در این مراسم شرکت کرده‌اند نازا خواهند شد.

۶- زنان نازا نذر می‌کنند اگر بچه‌دار شوند تا هفت سالگی موهای بچه‌را نزنند معمولاً پس از برآورده شدن حاجات‌شان بچه‌را در هفت سالگی بزیارت امام هشتم برده زلفش را در آنجا اصلاح می‌کنند و این نوع بچه‌ها را اگر پسر باشد حیدری می‌گویند .

۷- نذر می‌کنند اگر بچه‌دار شوند دختر باشد اسمش را فاطمه و اگر پسر باشد علی بگذارند زیرا فاطمه نام دختر بزرگوار و علی نام داماد پیغمبر و امام اول شیعیان است .

ویار و باورهای مربوط به آن^۱

در ترکمن‌چای و یار کردن را «یریک له مک»^۲ می‌گویند. معمولاً چهل روز پس از آنکه نطفه در بطن مادر افتاد دهن او بی‌طعم می‌شود و از خوردن بعضی از غذاها لذت برده و به بعضی از غذاها بی‌میل می‌شود . ترکمن‌چائیها در این روزها غذای مادران و یار شده را کنترل می‌کنند. زیرا معتقدند غذائیکه مادر بچه می‌خورد از لحاظ روحی و فیزیکی در بچه اثر می‌گذارد .

۱- مسلم شیرچنگک - مامای محل

۲- Yariklamak

۱- زنان در مرحلهٔ وبار کردن نباید از دست افرادی که بروحیهٔ آنان آشنائی نداشته و نظر مساعدی ندارند غذا بخورند که آنها «تیکه»^۱ گویند اعتقاد دارند که روحيات اخلاقی او در بچه اثر خواهد گذاشت . از دست افرادی که از نظر دید اجتماع شخصی صالح و نمازخوان می‌باشند «تیکه» می‌خورند . زیرا معتقدند که بچه‌شان مثل او صالح و نمازخوان خواهد شد .

۲- مادران وبار کرده از خوردن سیر و پیاز اجتناب می‌کنند باورشان براین است که بچه‌ایکه بدنیا می‌آید تا آخر عمر ، زندگیش با گریه و زاری سپری شده و بی‌هوش و تنبل بار می‌آید .

۳- در ترکمن‌چای اعتقاد براین است که اگر مادر وبار کرده انار بخورد بچه‌اش پس از بدنیا آمدن باهوش خواهد شد .

۴- بعضی از مادران در زمان وبار کردن میل به خوردن «گیلی»^۲ حمام دارند . و با وجودیکه معتقدند خوردن آن در رنگ پوست بچه اثر خواهد گذاشت و او را سیاه رنگ خواهد کرد باز این عمل را انجام می‌دهند بهمین جهت زنان مسن آنها را از خوردن آن باز میدارند و تا پایان مرحلهٔ وبار از آنها مراقبت می‌کنند .

۵- بعضی از زنان ترکمن‌چای در دورهٔ وبار مهر جانماز را خرد کرده و می‌خورند و معتقدند که بچه‌ایکه بدنیا می‌آید مؤمن و نمازخوان خواهد شد .

پیشگویی دربارهٔ پسر و یا دختر بودن بچه^۳

مردم ترکمن‌چای در مورد پسر و یا دختر بودن بچه باورهای بسیاری دارند از جمله اگر بچه در شکم مادر کمتر حرکت کند معلوم می‌شود که بچه دختر و اگر

۱- Tika - لقمه

۲- Gil بمعنی «گل» که در گذشته در حمام برای سر شستن مصرف میشد .

۳- مسلم شیرچنگک و مامای محل

پیشانی مادر در زمان حاملگی روشن و چهره‌اش گلگون باشد بچه پسر است. اگر نوک پستانهای مادر سیاه باشد پسر و اگر معمولی باشد دختر بدنیا خواهد آورد. لك شدن چهرهٔ مادر دلیل بردختر بودن نوزاد است.

مرحلهٔ زایمان و باورهای مردم دربارهٔ آن^۱

بنا با اعتقاد مردم تر کمن‌چای پس از برقراری نطفه در رحم مادر در مدت نه‌ماه و نه روز و نه ساعت و نه دقیقه بچه بدنیا می‌آید و برای آسان شدن زایمان باورهای بسیاری دارند.

۱- در هنگام شروع وضع حمل گیاهی را بنام «چنگک مریم» بداخل آب می‌گذارند. تصور می‌کنند زمانیکه این گیاه در توی آب شکوفه بزند بچه نیز بدنیا خواهد آمد این گیاه را حاجیان بعنوان سوغاتی از مکّه معظمه می‌آورند و چنین اعتقاد دارند که حضرت مریم (ع) هنگام وضع حمل حضرت عیسی (ع) در کنار بوته‌ای از این گیاه نشسته و بان چنگک زده بود.

زنان بر این باورند که اگر گیاه مذکور تا هنگام زائیدن بچه گل زرد باز کند نوزاد پسر و اگر گل سرخ باز کرد دختر خواهد بود.

۲- اگر زایمان دیرتر از موعد و بسختی انجام گیرد بدعانویس رفته و دعائی بنام «آزادناما»^۲ می‌گیرند و آنرا به ران مادر می‌بندند زیرا معتقدند که این «آزادناما» بچه را آزاد می‌کند.

۳- اگر پس از بدنیا آمدن نوزاد جفت او در رحم مادر گیر نماید کوزهٔ خالی را جهت دمیدن بدست مادر میدهند تا در اثر فشار جفت نیز بیرون آید.

۴- زنان تر کمن‌چای در مواقعی که عمل زایمان بسختی انجام گیرد بدور زائو يك خط دایره می‌کشند و هیچکس حتی ماما حق ورود بداخل آنرا ندارند. زیرا

۱- مسلم شیرچنگک و مامای محل .

۲- Azâd nâmâ - آزادناما

معتقدند در غیر اینصورت ارواح خبیثه در هیئت پرنده‌ای که آنرا «قوش» می‌نامند به نوزاد آسیب رسانده و موجب مرگ او می‌شوند و حیوانی بنام «آل» جگر مادر را از جایش می‌کند. ضمناً بر این باورند که خط دایره باعث آسانی زایمان و از زرد شدن چهره زائو و بیمار شدن او جلوگیری مینماید.

باورها و سنن درباره جفت و ناف بچه

در ترکمن‌چای بلافاصله پس از بدنیا آمدن نوزاد بفاصله سه انگشت از شکم ناف او را با قیچی از جفت جدا کرده و آنرا سفت با طنابی می‌بندند. معمولاً جفت را در زیر خاک دفن می‌کنند تا از دسترس حیوانات گوشتخوار مصون باشد. زیرا اعتقاد آنها بر این است که جفت جزء اعضای بدن انسان است و سهل‌انگاری در این مورد برای پدر و مادر گناه محسوب می‌شود. پس از هفت روز ناف بچه می‌افتد. اگر نوزاد پسر باشد ناف او را در آستانه مسجد دفن می‌کنند تا بدینوسیله پس از بزرگ شدن فرد نمازخوان و مؤمن باشد و اگر دختر باشد ناف او را در یکی از اطاق‌های خانه دفن می‌کنند تا پس از بزرگ شدن زن خانه‌دار و علاقمند بخانه باشد. بعضاً ناف نوزادان پسر را برای اینکه در بزرگی در دامداری موفق باشند در آستانه طویله دفن می‌کنند.

سنن و باورها از روز تولد نوزاد تا روز دهم

۱- ترکمن‌چائیها به پیروی از سنن دینی خود بلافاصله پس از تولد نوزاد بهردو گوش او اذان می‌خوانند و اگر نوزاد پسر باشد باو لقب محمد و اگر دختر باشد فاطمه می‌دهند زیرا محمد نام پیغمبر «ص» مسلمانان و فاطمه نام دختر بزرگوار

آنحضرت است. و بعداً پدر و مادر بچه در مراسم نام‌گذاری اسم اصلی فرزندشان را انتخاب می‌کنند.

۲- پس از وضع حمل زائو را در رختخواب خوابانده و بچه را در کنار او جا می‌دهند و زیر بالش یا متکای هردو کاردی را بصورت باز قرار میدهند زیرا معتقدند که در غیر اینصورت ارواح و جن به نوزاد و مادرش آسیب می‌رسانند.

۳- مردم ترکمن‌چای معتقدند که اگر تا روز دهم پس از زایمان زائو و بچه را لحظه‌ای تنها بگذارند حیوانی بنام «آل» که آنرا «آل آروادی» می‌نامند جگر زائو را بیرون می‌آورد برای رهایی از ضرر این حیوان پیازی را به نوك داس فرو کرده و آنرا بالای سرزائو و بچه‌اش نصب می‌کنند و باور دارند که «آل آروادی» از طعم تلخ پیاز نفرت دارد و از اینکه داس از جنس آهن و برنده است می‌ترسد و نمی‌تواند نزدیک بیاید.^۳

۴- برای رفع ترس از دل زائو زنان ترکمن‌چای در اطاق او بالای سرزائو علامت (+) می‌کشند و در فاصله‌ی زمانهای مختلف اسپند دود میکنند. معتقدند که

1 - Âl

2 - Âl Ârvâdi - مردم ترکمن‌چای معتقدند که «آل آروادی» حیوانی است شبیه بیک زن که بجزگ زائو علاقمند است و اگر در نزد زائو چیز برنده‌ای شبیه کارد و یا داس قرار ندهند «آل آروادی» از فرصت استفاده کرده و به زائو حمله می‌کند منقول است که سالها پیش شخصی بنام عباس ابراهیمی ساکن ترکمن‌چای «آل آروادی» را گرفته و جهت جلوگیری از فرار او سنجاقی را به یقه او نصب کرده بود. این حیوان مرتب هیزم‌ها را از کوه جمع‌آوری کرده و بخانه نامبرده حمل می‌نمود. گویند روزی شخصی سنجاق را از یقه او باز کرده و در نتیجه حیوان فرار نموده ولی موقع فرار به پشت بام می‌رود و چنین می‌گوید «من میروم ولی از خانه شما نباید زباله کم شود» بهمین جهت همیشه خانه این شخص منلو از زباله میباشد.

۳- بتحقیق ثابت شده پیاز بریده شده در محل برش میکرب و ویروس‌ها را جذب میکند بنابراین قراردادن پیاز بریده شده در زیر تخت زائو جنبه بهداشتی دارد.

نشانه (+) را حضرت زهرا (ع) در هنگام زائو شدن در بالای سر خود می کشید .
۵- در بعضی مواقع «آل آروادی» به زائو آسیب می رساند که منجر به مریض شدن و مرگ او می شود در این گونه موارد جهت معالجه او از دعانویس دعا می گیرند و آنرا در نقطه ای از رختخواب و یا بازوی زائو می بندند .

مراسم حمام بردن زائو

ترکمن چائیها روز دهم زایمان زائو را به حمام می برند و جهت مواظبت او چند نفر زن و «ماما» با او همراه می شوند استحمام و لباس پوشاندن به زائو بعلت خبرگی بعهده «ماما» می باشد . البته اگر چشم داشتی به انعام نداشته و خبرگی را کلاه شرعی نسازد .

در فاصله های معین جهت تقویت او برایش زرده تخم مرغ می خوراند . معمولاً این تخم مرغهارا که بتعداد چهار عدد می باشند بعد از زایمان بعلت خوش یمن بودن بالای سر زائو می گذارند .

پس از پایان استحمام پیاده و یا سوار براسب که نزدیکان داماد دم در حمام برای عروس آماده کرده اند بخانه برمی گردند در این روز عده ای از زنان نزدیک زوجین که برای صرف نهار بخانه داماد دعوت کرده اند ، در وقت ظهر جهت صرف نهار حاضر می شوند . پس از صرف نهار مراسم نام گذاری نوزاد شروع می شود .

مراسم نام گذاری

معمولاً نام کودک را در ترکمن چای رئیس خانواده که پدر بزرگ می باشد انتخاب می کند . زیرا اکثر خانواده های ترکمن چای در سیستم خانواده بزرگ می باشند . در صورتیکه پدر بزرگ در حی نباشد، به ترتیب مادر بزرگ پدر و مادر

۱- خانواده بزرگ در فصل سیستم های خانواده بتفصیل آورده خواهد شد .

۲- منظور از مادر بزرگ مادر داماد است .

كودك نام اورا تعیین می کنند . نام گذاری در روز دهم تولد نوزاد انجام میگیرد و به ترتیب مذکور عمل می کنند .

در مجلس زنانه که روز حمام بردن زائو در خانه داماد تشکیل شده «ماما» كودك را بغل کرده و پس از اذان و اقامه خواندن و ذکر اسامی ائمه (ع) در گوش او نامش را نیز ذکر می کند سپس اورا تحویل مادر بزرگ داده او نیز پس از انجام همان مراسم به ترتیب از طرف راست كودك را دست بدست حاضرین می دهد در خاتمه «ماما» اورا گرفته تحویل مادرش میدهد. در این مراسم هدایائی بصورت های مختلف از مهمانان جمع آوری می شود .

۱- مبلغی بعنوان بخشش جهت «ماما»

۲- فامیلهای نزدیک هر کدام پارچه ای بصورت چادر، جوراب ، لباس زنانه جهت هدیه به «ماما» میدهند .

۳- مادر بچه در حدود صد تومان بعنوان دستمزد برای «ماما»

شیربها

در ترکمن چای شیربها را «باشلیخ» می گویند و آن مقدار پولی است که باید پدر داماد در موقع عروسی فرزندش به پدر عروس پرداخت نماید .

ممکن است شیربها بصورت جنسی مانند يك گاو ماده شیرده و یا دو سه رأس بز و گوسفند نیز پرداخت شود. مرسوم بودن شیربها در ترکمن چای را می توان معلول چند عامل دانست :

۱- در ترکمن چای تازمانیکه دختر در خانه پدر خود زندگی می کند يك نیروی کار محسوب می شود و از نظر اقتصادی و همکاری با افراد خانواده در امور دامی و کشاورزی نقش مؤثری دارد بنابراین جای او در صورت جدا شدن از خانواده پدر

خالی میماند از طرفی نیروی کار او درآینده پس از رفتن بخانه شوهر صرف کمک بخانواده او خواهد شد .

۲- از نظر عاطفی و روانی افراد خانواده از جمله پدر و مادر با جدا شدن یکی از فرزندان دلبنده خود دچار ناراحتی می شوند .

۳- رسم برای این است که مادران دختران خود را در زمان شیرخوارگی نیم سال «شش ماه» بیش از پسران شیر میدهند و معتقدند که باید قیمت شیر اضافی از پدر داماد گرفته شود .

بهمین جهت پدر داماد مطابق سنن قدیمی مجبور به پرداخت مقدار شیربهای تعیین شده می باشد البته مقدار آن بستگی به نیروی اقتصادی پدر داماد می باشد .

از شیر گرفتن بچه

مدت شیرخوارگی کودکان در ترکمن چای نسبت به جنس آنان متفاوت است بطوریکه دختران را شش ماه بیش از پسران شیر می دهند . برخی از زنان تا یک سال و برخی تا دو سال و نیم بکودکان خود شیر میدهند و بدیهی است که معمولاً مدت شیر خوردن بچه بسته بقدرت بدنی مادر است .

بمنظور از شیر گرفتن بچه زنان ترکمن چای جهت تلخی آن نوك پستانهای خودشان را بوسیله ماده ای بنام «زنجفیل» آغشته می کنند تا هنگام تماس با دهن بچه احساس تلخی کرده و از آن تنفر حاصل کند تا دوباره بمکیدن پستانهای مادر رغبت ننماید .

دندان درآوردن بچه

ترکمن چائیها بمحض مشاهده اولین دندان شیری کودکان خود «دیش هدیگی»^۱ می بزند و مواد آن مخلوط گندم و نخود می باشد . معتقدند که اگر «دیش هدیگی» را بموقع بپزند دندانهای بعدی باسانی بیرون آمده و سفت و محکم می شوند همچنین کودک بهنگام بزرگ شدن فرد آرام و ساکت بیار می آید .

پس از پختن و آماده کردن «دیش هدیگی» تعداد هفت عدد دانه گندم و يك عدد از دانه‌های نخود را در نخی فرو کرده و آنرا از یقهٔ كودك آویزان می‌کنند تا نسبت به در آوردن دندانهای بعدی تسریع بعمل آید .

پس از ریختن و آماده شدن «دیش هدیگی» جهت اطلاع فامیل و همسایگان بین آنان تقسیم می‌کنند و آنها نیز در عوض يك جفت جوراب و یا چند عدد تخم مرغ برای بچه هدیه می‌کنند . زیرا معتقدند که خالی برگرداندن ظرف «دیش هدیگی» بخانهٔ نوزاد بدین است .

مرسوم است که هر کس دندان اولی كودك را قبل از همه به بیند بایستی يك عدد پیراهن به كودك هدیه کند .

اگر كودکی اولین دندان شیرینی خود را از قسمت فك بالا در آورد در اینصورت پدرش باید قربان ذبح کند و نوع آن بستگی به قدرت اقتصادی خانواده دارد اگر کم بضاعت باشند يك خروس و یا از قدرت مالی برخوردار باشند يك گوسفند قربانی می‌کنند . زیرا معتقدند در آوردن دندان اول از فك بالا سخت و مشکل می‌باشد و در ضمن با این عمل از عوارض چشم زخمها جلوگیری می‌کنند .

مراسم ختنه کردن كودكان

ختنه کردن كودكان در ترکمن‌چای معمولاً از سه سالگی تا ده سالگی^۲ صورت می‌گیرد . در این مراسم همهٔ فامیلها و همسایگان را برای صرف نهار دعوت می‌کنند . بدیهی است که زنان حق ورود بمجلس مردانه را ندارند . در ترکمن‌چای عمل ختنه را سلمانی که آنرا «دال لاک»^۳ می‌نامند انجام میدهد .

Diş Hadigi - ۱

Dâllâk - ۲

۳- یکی از عواملی که ترکمن‌چایها كودكان را در سنین ده سالگی ختنه می‌کنند عبارت از این است که چون كودك در این سن تمام اتفاقاتیکه در محیط زندگی خود می‌بیند درك میکند در نتیجه در مراسم ختنه سوزانی محبت‌ها و نوازش‌ها و هدایاییکه باو میدهند در روحیهٔ او تأثیر خواهد گذاشت .

بدین طریق که پس از صرف نهار «دال لاک» بهمراهی دو نفر مرد که معمولاً دایی یا عموی کودک است وارد مجلس زنانه شده و پس از تحویل گرفتن کودک از مادرش یکی از آنها او را بغل کرده و مواظب دست و دیگری پاهای او می‌شود تا تکان ندهد سپس «دال لاک» پوسته محل ختنه را بوسیله گیره‌ای بنام «کس کاج» که از ساقه نی درست کرده است گرفته و آنرا با تیغ می‌برد و جهت جلوگیری از خونریزی به روی آن خاکستر ریخته و محل زخم را با تنظیف و با پارچه‌های تمیز محکم می‌بندد. مزد «دال لاک» معمولاً خیلی کم است زیرا معتقدند که این عمل سنت رسول اکرم (ص) و یکی از واجبات شرعی می‌باشد و شخص ختنه‌کننده علاوه از پاداش دنیوی پاداش اخروی دارد. «دال لاک» در بعضی موارد از خانواده‌های کم بضاعت مزدی دریافت نمی‌کند.

در مراسم ختنه سورانی هدایائی که مدعوین به کودک می‌آورند بقرار زیر میباشد:

- ۱- اسباب بازی از قبیل عروسک‌های پارچه‌ای و آنرا خودشان درست می‌کنند.
- ۲- اسباب بازی پلاستیکی که از شهر بهمین منظور خریداری کرده‌اند.
- ۳- لباس بچه‌گانه.
- ۴- جوراب بچه‌گانه.
- ۵- وان یکاد طلائی یا فلزی.
- ۶- کالسکه و نظایر آن.
- ۷- پول نقد و آن بمصرف مخارج ختنه سورانی میرسد.
- ۸- يك رأس بز یا گوسفند.
- ۹- يك خروس.
- ۱۰- چند عدد تخم مرغ.
- ۱۱- کاشتن نهال بنام بچه‌آ.

۱- Kiskaç - کبره

۲- معمولاً در روستای ترکمن‌چای در مراسم تولد، دندان در آوردن، از شیر گرفتن و ختنه کردن کودکان توسط «پدر، عمو یا دایی» آنان در یکی از باغات میوه بنام کودک يك نهال بعنوان هدیه کاشته می‌شود.

در گذشته مردم تر کمن چای مراسم ختنه سوران را بطور مفصل اجرامی کردند و آنرا «سنت تویی» می نامیدند زیرا علاوه بر اینکه یکی از واجبات شرعی محسوب می شد ، معتقد بودند کودک از يك مرحله زندگی بمرحله جدیدی قدم می گذارد و جای جدیدی در اجتماع برای خود پیدا می کند .

مهمانان علاوه بر هدایاییکه بکودک می آوردند هر کدام به نسبت قدرت مالی خود پولی را به پدر کودک هدیه می نمودند . بطوریکه حتی علاوه بر تأمین مخارج ختنه پدر کودک قرض های خود را بوسیله آن پرداخت می نمود .

سیستم خانواده در تر کمن چای

پیش از آنکه سیستم خانواده در تر کمن چای را مورد مطالعه قرار دهیم بطور اختصار به تشریح خانواده و انواع آن می پردازیم .

بشر موجودی متفکر ، خلاق و اجتماعی آفریده شده است دین در نهاد او فطری و دائماً در جستجوی حق و حقیقت بوده است . « بنا بعقیده پروفیسور «کورت شیلینگ» همانگونه که برخی از حیوانات مانند میمونها - اسبها - فیلها اجتماعی زندگی می کنند . انسانهای اولیه نیز باهم بشکار میرفته و یا از خود دفاع می کرده اند که تعداد آنها ابتدا کم بوده رفته رفته بر تعداد آنها افزوده شده است .»

گروهی از محققین انسانهای اولیه را بصورت خانواده های مجزا دارای معتقدات و رسومات خاص تصور کرده اند و خاطر نشان ساخته اند که تکامل و پیشرفت انسان بوسیله انتقال تجارب به نسل های آینده توسعه می یابد . در اعصار اولیه که شرایط برای ارتباط و انتقال تجربه نامساعد بوده تحول و تکامل نیز بسیار کند انجام

۱- Sünnat toyi - عروسی ختنه کردن : در این مراسم مانند تازه داماد بکودک لباسهای فاخر و تازه می پوشانند تا روحیه او شاداب و خاطره بهتری از این مراسم داشته باشد .

۲- Cort siling فیلسوف و محقق آلمانی .

یافته است و هنگامی که رابطه گروهها بوجود آمده ، تکامل زبان بخصوص باین ارتباط کمک نموده و سرعت حرکت تکاملی افزایش یافته است .

پس از پیدایش تمدن و شهرنشینی و ارتباط نزدیک و مداوم شهری ، ازدیاد جمعیت وامکان حفظ وانتقال سیستماتیک تجارب، شتاب بیشتری بخودگرفته است. ما در این صد سال اخیر به خوبی شاهد افزایش شتاب حرکت اجتماعات می باشیم. اگر ده هزار سال تمدن گذشته را با دو قرن اخیر مقایسه کنیم از نظر ابداع بشر در این قرون به مراتب پیش از آن ده هزار سال پیشرفت کرده است .

حیوانات زندگی غریزی دارند ولی انسان موجودی است متفکر که مستقلا ایجاد نظام و قرارداد می نماید بنابراین مفهوم خانواده بین انسانهای اولیه نیز بر مبنای اجتماعی عقیدتی و مذهبی که افراد آن باهم ایجاد می نمایند پی ریزی شده است که حریم آن همواره مقدس و قابل احترام می باشد .

در بین مردم ایران قدیم « قبل از اسلام » بالفطره مذهب نقش بسیار اساسی داشته و نظام اجتماعی تحت تأثیر این جامعه بوده است . پرستش اجداد و آداب و رسوم خاص مربوط به آن مثل سایر اقوام آریائی در سرزمین ایران رواج داشت بطوریکه رئیس خانواده علاوه از اینکه سرپرست خانواده بود مسئول حفظ و حراست از سنن و آداب خاص دین خانواده نیز بشمار میرفت . اجتماع این خانوادهها عشیره و از تجمع عشیرهها قبیله ، در نتیجه ناحیه بوجود می آمد .

خانواده : واحد اجتماع خانواده است و شالوده آن بر اساس معتقدات دینی و تناسب اقتصادی و تقسیم کار بین افراد آن ریخته شده که شامل مرد و زن و فرزندان آنها می باشد. خانواده در نظام تمام جوامع بشر خانواده نقش بنیانی و اساسی دارد و بر حسب تعداد اعضاء ، وظایف آنها ، انواع ازدواج و تشکیلات داخلی و غیره تقسیم بندی شده است .

۱- خانواده بزرگ: افراد آن شامل پدر و مادر و فرزندان ازدواج کرده آنها.

در این نوع خانواده‌ها پدر و مادر بزرگ و فرزندان «پسران» ازدواج کرده آنها هر کدام به همراه فرزندان خودشان در یک خانه با هم و در زیر یک سقف زندگی میکنند که پدر بزرگ رئیس خانواده محسوب می‌شود.

- ۲- خانواده کوچک : این نوع خانواده‌ها از خانواده‌های بزرگ مشتق می‌شوند و افراد آن شامل پدر و مادر و فرزندان ازدواج نکرده آنان می‌باشند.
- ۳- خانواده مدرن یا هسته‌ای.

سیستم خانواده در ترکمن‌چای

خانواده‌های ترکمن‌چای اکثراً بصورت خانواده بزرگ می‌باشند که افراد آن شامل پدر و مادر و پسران ازدواج کرده آنها، هر کدام با زن و فرزندشان در یک خانه و زیر یک سقف زندگی می‌کنند. درآمد همه افراد آن به جیب پدر بزرگ ریخته میشود که بعنوان رئیس خانواده می‌باشد. چون مخارج خانواده و تنظیم مهمانیها و سایر موارد بعهده رئیس خانواده است. در این خانواده‌ها تمام افراد موقع غذا خوردن در اطاقی بنام «او» با هم غذا صرف می‌کنند و رئیس خانواده برای هر یک از پسران ازدواج کرده خود اطاق جداگانه ترتیب می‌دهد تا شبها هنگام خواب و استراحت به همراه زن و فرزندشان از آنجا استفاده کنند. روزها عروسان غذا خوردن و کارهای روزمره را در «او» انجام میدهند. در این خانواده‌ها مادر بزرگ حاکم بر عروسان خود می‌باشد و تا زمانیکه شوهرش در حال حیات است همه افراد خانواده از او اطاعت می‌کنند. اختلافات بین عروسان را مادر بزرگ با اتکاء به شوهر خود حل و فصل می‌نماید.

پسران موظفند در مواردی که زنانشان از اطاعت مادر بزرگ سرپیچی کنند تنبیه نمایند. در صورتیکه اگر مادر بزرگ در نزد پسران خود از عروسان شکایت کند آنها قدرت اعتراض ندارند و حق ندارند از او بدگویی کنند و مجبور به تسلیم هستند. در غیر اینصورت شوهرشان آنها را کتک می‌زند. اگر یکی از پسران در موقع

تنبیه کردن زنش بجای چوب از بالش یا متکا استفاده کند معلوم می شود که طرف زنش را گرفته و نظر او جدا شدن از پدر و مادرش می باشد . در اینصورت رئیس خانواده فوراً برای او خانه جداگانه ای ترتیب می دهد و اجازه جدا زندگی کردن او را صادر می نماید زیرا معتقدند که رفته رفته اختلاف بزرگ شده و سایر عروسان نیز از اطاعت سرپیچی خواهند کرد .

ممکن است پس از مرگ پدر بزرگ «رئیس خانواده» برادران مثل سابق تا آخر عمر در يك خانه زندگی نمایند در اینصورت یکی از برادران کاردان و وظایف رئیس خانواده را بعهده می گیرد .

وجود خانواده های بزرگ در تر کمن چای عامل اقتصادی دارد . زیرا در محیط روستا معاش مردم بسختی تأمین می شود و نیاز به همیاری بیشتری دارند . بنابراین افراد این خانواده ها سختی های حاصل از زندگی را در بین خود تقسیم می کنند . از يك طرف وابستگی های اقتصادی و از طرف دیگر وابسته بودن به آب و خاک عامل دیگری است که حاضر به گسستگی خانواده نمی شوند .

علل ازهم پاشیدن خانواده های بزرگ

ازهم پاشیدن خانواده های بزرگ در تر کمن چای و تشکیل خانواده کوچک بندرت اتفاق می افتد در گذشته اگر پسر خانواده ای بدین عمل مبادرت میورزید مردم او را سرزنش نموده و باصطلاح می گفتند پسر «ناصالح» است .

عواملی که موجب پاشیدگی خانواده های بزرگ می شوند بقرار زیر است:

- ۱- ضعف قدرت اقتصادی رئیس خانواده «پدر بزرگ» .

- ۲- اگر رئیس خانواده در اثر پیری قدرت اقتصادی خود را از دست بدهد و نتواند هم آهنگی لازم را در بین افراد خانواده فراهم آورد در اینصورت هرج و مرج بوجود آمده و موجب می شود که پسران جهت رهائی از آن، خانواده جداگانه تشکیل دهند. در این گونه موارد نگهداری پدر و مادر بعهده فرزند بزرگ می باشد.

۳- مرگ رئیس خانواده مسبب می‌شود که افراد خانواده نسبت بقوانین آن بی‌تفاوت باشند چنانچه بامرگ پدربزرگ سلطهٔ مادربزرگ درخانه کم‌شده موجب سرپیچی عروسان از اوامر او می‌شود. در نتیجه منجر باختلاف در میان آنها گشته بطوریکه شوهران آنان را نیز فرا می‌گیرد. در اینصورت هر کدام از پسران برای رهایی از این وضعیت خانهٔ جداگانه ترتیب می‌دهند. نگهداری مادربزرگ بعهدهٔ پسر بزرگ می‌باشد.

۴- یکی از عوامل دیگری که منجر به تقسیم خانواده‌های بزرگ می‌شود رسوخ فرهنگ شهری و آشنائی جوانان با زندگی شهری که حاصل آن کوچ روستائیان بشهرهای بزرگ و زندگی شهری توأم با فرهنگ روستائی می‌باشد.

۵- در گذشته تعدد زوجات در ترکمن‌چای رواج داشت و بعضی از مردان دارای دو الی چهار زن بودند و زنان مجبور به زندگی در یک خانه بودند. فرزندانیکه از زنان مختلف متولد می‌شدند باز در همان خانه بزرگ شده و ازدواج می‌کردند. بنابراین پس از مرگ پدر بین برادران ناتنی بعلت تقسیم دارائی پدر اختلاف و کشمکش بوجود آمده تا حدیکه منجر بدعواهای محله، گشته که نتیجهٔ آن پاشیدن خانواده میباشد.

در بعضی موارد بعلت کاردائی یکی از برادران ناتنی می‌توانست سلسله را تا دم مرگ خود در همان خانه نگهدارد.

اصطلاح‌های خطاب در ترکمن‌چای

افراد هر خانواده یا قومی موقع صدا کردن یکدیگر اصطلاحات و قراردادهای مخصوصی بکار می‌برند و این اصطلاحات نسبت به سن و موقعیت شخصی مورد خطاب تغییر می‌کنند.

۱- ترکمن چائیها در گذشته پسران خود را با لفظ «داداش یا دده» صدا

- می کردند ولی حالا جای آنرا «آقا ویا آفاجان» گرفته است .
- ۲- پدران فرزندان خود را با نام صدا می کنند . در گذشته رسم بر این بود که پدران فرزندان خود را نزد بزرگتران در اثر شرم و حیا صدا نکرده و بآنان کم توجهی می کردند .
- منقول است که روزی پسر هفت ساله‌ای در محل تجمع ریش سفیدان روستا از اسب فرو افتاده، پدرش بعلت شرم و حیا فوراً از محل حادثه دور شده و نخواسته از حال فرزند خود جويا شود .
- ۳- برادران خواهران بزرگتر از خود را با لفظ «باچی» و خواهران کوچکتر را بنام صدا می کنند .
- ۴- خواهران برادران بزرگتر را با لفظ «داداش» و کوچکتر را بنام صدا می کنند .
- ۵- خواهرزاده‌ها برادران مادرشانرا با لفظ «دایی»^۳ و برادران پدرشانرا با لفظ «عمی»^۴ صدا می کنند .
- ۶- در ترکمن چای شوهران زنان خود را با لفظ «قیز»^۵ یا «ای فلان کسین قیزی»^۶ ویا «او آروادی»^۷ صدا می کنند .
- ۷- شوهران وقتیکه بخواهند در نزد اشخاص دیگر از زنان خود بحثی بمیان آورند با لفظ «او»^۸ یا «بیزیم اوشاخلارین آناسی»^۹ یاد می کنند .

۱- Bâji

۲- Dâdâş

۳- Dâyi - دایی

۴- ami - عمو

۵- Gîz - قیز

۶- ay Filân kasin gîzi

۷- avârvâdi - زن خانه

۸- O - او

۹- Bizim uşâxlârIn ânasi - مادر بچه‌های ما

- ۸- زنان شوهران خود را در زمان تنهائی با لفظ «سن»^۱ و در نزد دیگران «کیشی»^۲ صدا می کنند .
- ۹- در تر کمن چای مردان دیگر هم‌دیگر را با لفظ «عم اوغلی»^۳ یا «خالا اوغلی»^۴ و زنان دیگر هم‌دیگر را با لفظ «عم قیزی»^۵ یا «خالاقیزی»^۶ صدا می کنند .
- ۱۰- وقتی که زنی در جمع زنان راجع به شوهر خود سخنی بمیان می آورد بعلت شرم و حیا از ذکر نام او خودداری کرده و با لفظ «او» و یا «بیزیم کیشی»^۷ از او یاد می کنند .
- ۱۱- فرزندان مادران ناتنی را «آباجی» و مادران ناتنی آنان را بنام صدا می کنند .
- ۱۲- فرزندان دو برادر اگر پسر باشند به‌دیگر «عم اوغلی» و اگر دختر باشند «عم قیزی» می گویند .
- ۱۳- فرزندان به پدران ناتنی «دَدَلِیک»^۸ می گویند .
- ۱۴- فرزندان یکمرد خواهر او را با لفظ «عمه» صدا می کنند .
- ۱۵- فرزندان یکزن به فرزندان برادر او «دایی اوغلی»^۹ و برعکس فرزندان یکمرد به فرزندان خواهر او «بی بی اوغلی»^{۱۰} می گویند .
- ۱۶- فرزندان مادران خود را با لفظ «ننه»^{۱۱} صدا می کنند ولی اخیراً در بعضی

-
- ۱ - San - تو
 ۲ - Kişi - مرد
 ۳ - Amogli
 ۴ - Xâlâogli
 ۵ - Amgizi
 ۶ - Xâlâgizi
 ۷ - Bizim kişi
 ۸ - Dadalik
 ۹ - Dâyogli
 ۱۰ - Bîbiogli
 ۱۱ - Nane

از خانواده‌ها بجای آن لفظ «مامان» نیز بکار می‌برند .
۱۷- مادران فرزندان خود را بنام صدا می‌کنند .

انواع ازدواج در ترکمن‌چای

خواستگاری یکی از سنن دیرینه ایرانیان است .

۱- ازدواج از طریق خواستگاری و شرح آن در بخش مراسم خواستگاری گذشت
۲- ازدواج با زن برادر : مرسوم است که اگر شوهر زنی بمیرد با برادر شوهرش ازدواج می‌نماید در اینگونه ازدواج‌ها ممکن است سن برادر شوهر چندین سال از او کوچکتر باشد . این نوع ازدواج‌ها عوامل اقتصادی دارد .
زیرا زن شوهر مرده با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی خانواده و وضع روحی بچه‌ها در صورت وجود برادر شوهر ترجیح می‌دهد که با او ازدواج کند که با این عمل اولادارائی خانواده به بیرون رخنه نمی‌کند و ثانیاً مردیکه با مادر بچه‌ها ازدواج کرده در بهتر نگهداشتن آنها مؤثر و با این عمل مرد بیگانه‌ای وارد زندگی آنان نخواهد شد .

۳- ازدواج با خواهرزن : مرسوم است که اگر زن کسی بمیرد با خواهر کوچکتر او ازدواج می‌نماید و ممکن است خواهرزنش چندین سال کوچکتر از او باشد . در این مورد نیز وضع روحی بچه‌ها و عوامل اقتصادی مطرح می‌باشد زیرا خاله بچه‌ها زودتر و بهتر از هرزن دیگر جای مادرشان را می‌گیرد و ثروت و مال به بیرون رخنه نمی‌کند .

۴- ازدواج با بیوه‌زنان : معمولاً زنان و مردان در ترکمن‌چای با در نظر گرفتن شرع نبوی بایستی ازدواج کنند و اگر کسی از دستور شرع سرپیچی نماید مورد سرزنش مردم قرار می‌گیرد .

۵- ازدواج از طریق نذر : اگر دختری در کودکی مریض شود والدین او نذر می‌کنند که پس از بهبودی او را به نکاح پسر سیدی در آورند .

تقسیم کار در بین افراد خانواده بر حسب جنس و سن

الف - کارهای مخصوص مردان :

بعلت زیاد بودن قدرت جسمانی مرد انجام کارهای سخت بعهده مردان می باشد.

- ۱- شخم زمین
- ۲- بندپاشی زمینهای زراعی
- ۳- آبیاری زمینهای زراعی
- ۴- درو کردن محصولات گندم و جو و یونجه
- ۵- برداشت محصولات کشاورزی
- ۶- حمل محصولات گندم و جو و یونجه از مزارع به خانه یا خرمنگاه
- ۷- انجام خرمن کوبی
- ۸- جمع آوری هیزم و تهیه سوخت خانه
- ۹- بردن گندم باسیاب و حمل آرد بخانه
- ۱۰- در صورت داشتن دام نگهداری آنها
- ۱۱- مبادله محصولات دامی و کشاورزی در شهرستانها و بازارهای هفتگی
- ۱۲- شرکت در امر تصمیم گیری برای کارهای اجتماعی
- ۱۳- تصمیم گیری در مراسم بخصوصی مانند ازدواج فرزندان خانه
- ۱۴- درختکاری
- ۱۵- تهیه مایحتاج افراد خانواده از قبیل لباس و آذوقه
- ۱۶- اقدام به ساختن خانه
- ۱۷- حصارکشی اطراف باغ
- ۱۸- تهیه جهیزیه دختران

ب - کارهای مخصوص زنان

زنان سرکمن چای بفرخور قدرت جسمانی خود انجام کارهای سبک را بعهده می گیرند.

- ۱- انجام کارهای خانه مانند پخت و پز
- ۲- شستشوی لباس در رودخانه و یا چشمه
- ۳- آوردن آب آشامیدنی از چشمه
- ۴- تهیه خمیر و پختن نان
- ۵- نگهداری اطفال کوچک
- ۶- شیردادن به نوزادان
- ۷- همکاری در جمع آوری میوه درختان باغات با سایر افراد خانواده
- ۸- دوشیدن شیر دامها
- ۹- درست نمودن «یاب‌با» و «گرمه» از پهن‌گاو و گوسفند جهت گرم کردن تنور در زمستان

- ۱۰- دوخت و دوز لباس افراد خانواده
- ۱۱- شرکت در اجرای مراسم از قبیل عروسی و مرگ و میر با اجازه شوهر
- ۱۲- حمل غذای مردان از خانه به مزرعه
- ۱۳- یاری رساندن به شوهر در تمیز کردن طویله
- ۱۴- نگهداری مرغان خانه
- ۱۵- همکاری در ساختن خانه با شوهر
- ۱۶- درست کردن جوال و خورجین و هر نوع بافتنی
- ۱۷- مبادله محصولات کشاورزی در صورت عدم حضور شوهر

ج - کارهای مخصوص پسر بچه‌ها :

- ۱- یاری رساندن به پدر در امر کشاورزی و دامداری
- ۲- حمل محصولات گندم و جو و یونجه از مزرعه بوسیله اسب و خر
- ۳- همکاری در جمع آوری هیزم جهت سوخت در تنور
- ۴- همکاری در بردن دامها به مراتع و چراندن آنها
- ۵- همکاری در جمع آوری میوه درختان با سایر افراد خانواده

- ۶- یاری رساندن به پدر در امر مبادله محصولات دامی و کشاورزی
- ۷- همکاری در ساختن خانه با سایر افراد خانواده
- ۸- خانواده‌هاییکه فرزندان ذکور متعدد دارند بعضی از آنها را جهت کار و کمک به اقتصاد خانواده برای مدتی به شهرهای بزرگ می‌فرستند .

۵ - کارهای مخصوص دختر بچه‌ها

- ۱- یاری رساندن بمادر در کارهای خانه از قبیل پخت و پز غذا
- ۲- نگهداری خواهران و برادران کوچکتر از خود در مواقع ضروری
- ۳- همکاری در آوردن آب از چشمه با مادر
- ۴- یاری رساندن بمادر جهت بردن غذا به مزرعه
- ۵- همکاری در جمع کردن علف‌های هرز مزارع با سایر افراد خانواده
- ۶- یاری رساندن بمادر در امر شیردوشی دامها و کمک در تهیه جوال و خورجین و بافتنی‌ها
- ۷- نگهداری بره‌هاییکه قدرت رفتن بمراتع را ندارند .

روابط اهل خانه با یکدیگر

الف - روابط زن و شوهر

- ۱- درترکمن‌چای زنان علاوه بر انجام کارهای خانه در مزارع برای شوهران خود دستیار خوبی هستند .
- ۲- در بیشتر موارد حق تصمیم با مردان است . مخصوصاً در کارهای اجتماعی زنان حق مداخله ندارند و با احترام شوهر از تصمیمات او پیروی می‌کنند .
- ۳- زنان درترکمن‌چای احترام بشوهر را در حداعلای خود رعایت می‌کنند و در نزد آنان با مهمانان بیگانه «مرد» صحبت نمی‌کنند و حتی بعلت رعایت محرم و نامحرم وارد اطاق مهمانی نمی‌شوند .
- ۴- در مواقع کتک خوردن زن از شوهر خود ، یا در موارد اختلاف با

یکدیگر و قهر از شوهر نباید بخانه پدرش پناهنده شود بلکه در اینگونه موارد بخانه یکی از فامیلهای ریش سفید و یا همسایه می‌روند. زیرا معتقدند در غیر اینصورت معلوم می‌شود که زن قبلا از طریق پدر و مادر باین کار تهییج و تشویق شده است.

۵- زنان در موقع صدا کردن شوهران خود آنان را با اسم صدا می‌کنند و جهت احترام بآخر اسم شوهر لفظ «آغا» اضافه می‌کنند مانند «محمدآغا»، «علی آقا» و...

زنان در حضور افراد دیگر حتی نزدیکان خود شوهرانشان را بنام صدانمی‌کنند بلکه با لفظ «بیزیم کیشی»^۱ مخاطب قرار می‌دهند.

۶- در خواستگاری و انتخاب عروس خانه و تعیین مقدار شیربها، شوهر تصمیم می‌گیرد و زن موظف است از او تبعیت نماید.

۷- معتقدند اگر زنی از شوهر اطاعت نکند فرزندان نیز به تبعیت از او از اطاعت پدر سرپیچی خواهند کرد.

ب- روابط میان پدر و پسران

- ۱- در ترکمن‌چای انتخاب عروس و مخارج آن بعهده پدر داماد است. در صورت عدم اطاعت پسر از تصمیم او معتقدند که پسر «عاق والدین» شده و در زندگی موفق نمی‌شود.
- ۲- یکی از وظایف مهم پدر ختنه کردن و آماده کردن پسر برای ازدواج می‌باشد.
- ۳- خانواده‌هایی که دارای یک فرزند ذکور می‌باشند نگهداری پدر و مادر پیر بعهده او می‌باشد و باید تا آخر عمر از آنان مواظبت کند. در اینصورت وارث خانه پدر نیز او می‌باشد. زیرا خواهران بعلت تنها بودن برادرشان از حق خود می‌گذرند.
- ۴- نگهداری والدین در زمان پیری بعهده پسر بزرگ خانواده است.

۱- Ğgâ بمعنی آقا

۲- Bizim kişi

- ۵- در مواردیکه پسران بزرگتر یکی پس از دیگری بعد از ازدواج از خانه پدر جدا شوند نگهداری والدین پیر بعهدۀ پسر کوچک خانواده می باشد.
- ۶- پدر دارای صلاحیت داشتن قدرت و حاکمیت خانه است. پسران از پدران خود اطاعت می کنند و این احترام بیک سلسله قواعدی متکی می باشد.
- ۷- پسران در نزد پدران خود بدون اجازه حق اظهار عقیده ندارند.
- ۸- پدر در نزد پسر خود از مسائل زناشویی بحث و گفتگو نمی کند.
- ۹- پدران وظیفه مدرسه فرستادن، یاد دادن کلیۀ مسائل کشاورزی و دامداری را به پسران خود دارند و از انجام آن کوتاهی نمی کنند.
- ۱۰- خیلی بندرت پدران پسران خود را از ارث محروم می کنند.
- ۱۱- اگر پدری از استطاعت بدنی بیفتد حتی اگر پسرش در سنین متوسط کودکی (۱۴-۱۵ سال) باشد وظایف پدر را بعهده می گیرد. اما رعایت احترام پدر مثل سابق در میان افراد خانواده بقوت خود باقی میماند.
- ۱۲- فرزندان برادرانیکه قبل از فوت پدر بدرود حیات گفته اند طبق موازین دین مبین اسلام از ثروت پدر بزرگ ارث نمی برند ولی نگهداری و تربیت آنها به ترتیب بعهدۀ پدر بزرگ و پسران او می باشد.
- ۱۳- برادران بزرگتر نسبت به برادران کوچکتر خود صاحب قدرت و نفوذ هستند و برادران کوچکتر موظفند از آنها اطاعت کنند. برادر بزرگتر را بالفظ «داداش» و یا «آقاداتاش» صدا می کنند.
- ۱۴- برادران در مواقع ضروری بهم یاری می رسانند و در دعوای محلی یار و پشتیبان یکدیگر می شوند.
- ۱۵- در بعضی موارد پس از مرگ پدر برادران زیر نظر برادر بزرگ در یک خانه زندگی می کنند.

ج - روابط مادر شوهر و عروس

- ۱- یکی از تحولات اساسی ورود شخص ناشناس بنام عروس در خانواده

است زیرا وقتیکه يك دختر بعنوان عروس قدم بخانه شوهر میگذارد تا موقعیکه صاحب اولاد، بخصوص اولاد ذکور نشده نمی تواند جای وارزش خود را در آنجا پیدا کند .

۲- در ترکمن چای به عروس «گلین» می گویند . انجام دادن تمام کارهای خانه و خدمت به پدر، مادر، خواهران و برادران داماد جزء وظایف «گلین» می باشد .
۳- در خانواده های بزرگ موقعیت و آتیه عروس بسته به رابطه میان مادرشوهر و عروس می باشد. زیرا این رابطه هر قدر خوب باشد بهمان اندازه آسایش عروس در خانه بهتر خواهد شد .
۴- وظایف نگهداری نوزادان و کودکان در يك محیط دوستانه میان آنان تقسیم می شود .

۵- عروس در امر خانه داری تمام تجارب مادرشوهر را فرا می گیرد و در موارد لزوم مورد استفاده قرار میدهد .

۶- عروس به پیروی از موازین شرع مقدس اسلام موظف است در مقابل برادران شوهر « مو ، سر و صورت » خود را بپوشاند و از حرف نزدن و صدا کردن بنام آنان و سایر حرکات مشابه اجتناب کند . حتی این اعمال را در موقع حضور مردان فامیل نیز اجرا می کند . این عمل را در زبان محلی «گلین لیک ایلهمه»^۲ گویند .
۷- اگر عروس صاحب پسر شود وضعیت او درخانه شوهر تثبیت شده و یکی از ارکان اصلی در تصمیم گیری های اساسی خانواده بحساب می آید . زیرا مادرشوهر دوست دارد نوه اش پسر باشد برای اینکه ادامه نسل شوهرش را بوسیله او میداند .

۸- در اکثر موارد بین عروس و مادرشوهر اختلاف بوجود می آید ، بدون اینکه مردان از آن اطلاع حاصل کنند و این اختلاف ممکن است تا آخر عمر ادامه پیدا کند .

۱- Galin - عروس

۲- Galin lik aylama وظیفه عروسی را نسبت به افراد خانه بجای آوردن .

د - روابط زنان برادران در خانه با یکدیگر

در ترکمن چای به زنان دو برادر «قین خاتنی» می گویند . آنان در يك محیط تفاهم خانه را بین خود تقسیم کرده و بزندگی روزمره خود با شوهرشان ادامه میدهند . در هنگام مرگ پسدبزرگ با تدبیر برادر بزرگتر همه آنان در همان خانه زندگی میکنند .

ه - روابط مادر و پسر

- ۱- بدنی آوردن فرزند پسر آرزوی هر مادری است بخصوص در ترکمن چای موقعیت تازه عروس در خانه شوهر بسته بوجود این پسر است .
- ۲- در مقابل خشونتها و زورگویی های پدر نسبت به پسران مادر از آنها دفاع می کند .
- ۳- تربیت پسر بعهده مادر است . پسران بالغ بمادرشان احترام می گذارند و یکی از وظایف آنان نگهداری مادر در هنگام پیری می باشد .
- ۴- بنا بر رسم سنتی پسران در نزد مادر از دختران برتر هستند .
- ۵- در موارد ضروری پسران می توانند بمادرشان امر و نهی نمایند .
- ۶- مادران شوهرمرده تا آخر عمر با عزت و شرف در نزد پسران خود زندگی می کنند .
- ۷- بدون چون و چرا مادر درخانه سایر پسران خود عزت و احترام می بیند .
- ۸- روابط پسر و مادر از سایر روابط قوی تر و مهم تر است .

و - رابطه پدر و دختر

- ۱- برخی از پدران با بدنی آمدن فرزند دختر به تشویش و دلهره می افتند . اگر از آنها راجع به تعداد اولاد سؤال شود هنگام شمارش اولاد دختر را بحساب نمی آورند .

۲- دختران مدت چهارده الی هیجده سال از عمر خود را در خانه پدر سپری می کنند و از کوچکی وارد گروه زنان می شوند .

۳- اکثر پدران نسبت به دختر خود مشفق و مهربان هستند .

۴- پدر محبت خود را بدخترش در موقع ازدواج با مقدار «باشلیخ» که از پدر داماد می گیرد نشان می دهد یعنی هر قدر مقدار «باشلیخ» زیاد باشد دختر برای خود ارزش زیاد قائل می شود .

۵- پدران فرار کردن دختران خود را از خانه شوهر و پناهنده شدن آنها را بیخانه خود نمی پسندند و مقبول نمی دانند و مشهور است که :

دختری شکایت پیش پدر برد که شوهرم مرا کتک زده است . پدر برخاست و دختر خود را کتک جانانهای زد و گفت بشوهرت بگو که تو دختر مرا کتک زدی منم زن تو را کتک زدم .

ز - روابط میان برادران و خواهران

۱- دختران کوچک به نوزادان خانه از هر جنس باشند خدمت می کنند .

۲- در زمان کوچکی برادران، و قتیکه باهم بازی می کنند امکان اختلاف و جدا شدن از بازی وجود دارد . با افزایش سن آنان به برادران بزرگتر از خود احترام می گذارند و با لفظ «داداش» یا «آداس» صدا می کنند .

۳- برادران به خواهران بزرگتر از خود «باجی» می گویند و هیچوقت آنان را بنام صدا نمی کنند در غیر اینصورت دلیل به بی حرمتی می باشد .

۴- برادران کوچکتر پس از بزرگ شدن و قتیکه بسن بلوغ رسیدند می توانند به خواهران بزرگتر از خود امر و نهی کنند .

۵- پس از شوهر کردن خواهران در صورت فوت پدر برادران نسبت بآنان وظیفه پدری را بجای می آورند .

روابط همسایگان با یکدیگر

- ترکمن چائیها به همسایگان خود ارزش والائی قائلند و همواره سعی می کنند با آنان رابطه حسنه داشته باشند و معتقدند که همسایه خوب باصطلاح «قیمت ندارد» و از فامیل هم بانسان نزدیکتر است. در سختی های زندگی یار و یاور یکدیگر می شوند.
- ۱- اگر مرد همسایه ای در مسافرت باشد مردان همسایگان دیگر در آبیاری مزرعه و باغات او به زن و فرزندش کمک می کنند .
- ۲- در موقع پختن غذای گرم دریکی از همسایه ها از وظایف همسایگی است که سهم همسایگان نزدیکتر را جدا کرده بفرستد .
- ۳- همسایه ها بندرت از هم قهر می کنند و اگر اتفاقاً بین دو همسایه گلایه ای بوجود آید بیش از یک روز کدورت آن ادامه پیدا نمی کند و زود آشتی می کنند زیرا معتقدند که قهر کردن از همسایه گناه نابخشودنی در پیشگاه خداوند متعال است.
- ۴- اختلافات کلی را با دخالت و تدبیر همسایه مسن و ریش سفید بطریقه کدخدامنشی حل و فصل می کنند .
- ۵- اشخاص بزرگتر و مسن در تربیت کودکان همسایه بیرون از خانه مداخله می کنند. مثلاً پیرمردان جوانان را از انجام کارهای زشت و ناپسند منع کرده و با آنان نصیحت می کنند و راه بهتر و سربلند زندگی کردن را در جامعه روستائی نشان میدهند. و اگر خلافی از جوانان سرزند در صورت لزوم پدرشان را در جریان میگذارند.
- ۶- در صورت مشاهده تخلف از کودکان جهت خیرخواهی آنان اجازه تنبیه نیز دارند در اینگونه موارد حتی پدر کودک از آن شخص تشکر هم می کند .
- ۷- در حل مسائل اجتماعی روستا با مشاوره همدیگر تصمیم می گیرند و سعی می کنند که تصمیم آنان منجر به زیان هیچ یک از همسایگان نباشد .
- ۸- در درجه اول والدین در انتخاب همسر پسران، آنها را از دختران همسایگان انتخاب می کنند .
- ۹- همسایه ها دائماً بدیداری یکدیگر رفته و از مشکلات همدیگر باخبر می شوند و اکثراً وقت فراغت خودشان را باهم سپری می کنند .

۱۰- در مراسم عروسی و سوگواری و حتی در مواقع بیماری قبل از همه بیاری یکدیگر می‌شتابند و آن به نسبت دوری و نزدیکی همسایه فرق می‌کند .

اقامت

دختران پس از شوهر کردن در خانهٔ او کنار پدر و مادر شوهر که آنها را اصطلاحاً «قین آنا»^۱ و «قین آنا»^۲ گویند اقامت می‌کنند . در مواردیکه دختر تنها اولاد خانواده باشد و والدین او از داشتن اولاد ذکور محروم باشند . پس از عروسی کردن دخترشان داماد در خانهٔ عروس سکنی می‌گزیند تا جای خالی پسر آنان را پر نماید . زیرا معتقدند که باصطلاح «اوجاق»^۳ پدر در آینده کور نشده بلکه بوسیلهٔ داماد روشن خواهد شد . در گذشته صرفاً بهمین سبب پدر دختر خود را در سنین ۱۴-۱۵ سالگی بشوهر میداد که آنرا اصطلاحاً «او اوستی بی»^۴ گویند .

در گذشته رسم چنین بود که در موارد استثنائی اگر پدر داماد از قدرت مالی ضعیفی برخوردار بود و نمی‌توانست «باشلخ» عروس خود را به پردازد مطابق سنن روستا داماد مدتی در خانهٔ عروس اقامت می‌گزید تا با کار کردن در مزرعهٔ او بدینوسیله «باشلخ» تعیین شده را جبران نماید و پس از کسب رضایت پدر عروس دوباره همراه زن و فرزند خود بخانهٔ پدرش برمی‌گشت .

عروس از روز زایمان بمدت ده روز جهت گذراندن دورهٔ نقاحت در خانهٔ شوهر اقامت می‌کند رسم بر این است که پس از سپری شدن این دوره مدت ده الی بیست روز برای بازیابی تندستی که آنرا اصطلاحاً «ال ایخ بر کیمه»^۵ گویند بخانهٔ پدرش برمی‌گردد .

۱- Gayn âtâ - پدرزن - قین ، بمعنی برادرشوهر و یا برادرزن

۲- Gayn ânâ - مادرزن

۳- Ojâg منظور از «اوجاق» ادامهٔ نسل پدر می‌باشد

۴- Ev üsfü bay - داماد سرخانه

۵- El Eyâx Barkitma - در اکثر نقاط آذربایجان رسم چنین است که زانو را

جهت بازیابی تندستی مدت ده الی بیست روز به خانهٔ پدرش می‌برند .

بیوه را در تر کمن چای «دول»^۱ و زنبیوه را «دول آرواد»^۲ گویند. عروس بیوه تازمانیکه پدر و مادر شوهرش در حال حیات هستند و از او نگهداری می کنند در خانه آنان اقامت می گزیند پس از مرگ آنها بخانه پدر برگشته منتظر ازدواج می شوند و اگر دارای اولاد باشند و مایل بازدواج نباشند تا آخر عمر در آنجا زندگی می کنند .

معتقدات مردم تر کمن چای

- ۱- اکثر امورات زندگی مردم تر کمن چای توأم است با بکار بردن باورهای محلی .
- ۱- تر کمن چائها شبها ناخن نمی گیرند زیرا معتقدند گرفتن ناخن در موقع شب بمنزله گرفتن ناخن مردگان است و روح آنان عذاب می کشد .
- ۲- ناخن دست و پا را در یک زمان نمی گیرند و بین گرفتن ناخن دست و پا فاصله زمانی را رعایت می کنند. در غیر اینصورت بایستی چیزی مانند پارچه و یا نخ را با قیچی ببرند . زیرا معتقدند که در صورت گرفتن ناخن دست و پا در یک زمان موجب مرگ یکی از افراد خانواده خواهد شد .
- ۳- پس از گرفتن ناخن ، ناخن ها را به زمین نمی ریزند و معتقدند که اگر ناخن های گرفته شده در کف اطاق ریخته شود خانه شان ویران خواهد شد .
- ۴- اگر روی سگ آب بپاشند معتقدند که در روی دستهای آنان «زیگیل» تولید می شود .
- ۵- تر کمن چائها به لبه تنور «پی به»^۳ گویند . معتقدند که اگر به «پی به» و یا آستانه درب ورودی آب داغ بریزند دچار جن زدگی می شوند زیرا در این محل ها وجود جن را باور می کنند و چنین اعتقاد دارند که عمل ریختن آب داغ باعث ناراحتی اجنه می گردد .

۱- Dul - بیوه مرد یا بیوه زن

۲- Dul Ārvād - بیوه زن

۳- Piya - لبه تنور را پیه گویند

- ۶- اگر روباهی در صحرا زوزه بکشد معتقدند که شکم روباه درد میکند .
در این موقع کفش مرد خانه را در آستانه در وارونه میگذارند تا بدینوسیله درد شکم
روباه بهبود یابد .
- ۷- اگر سگی زوزه بکشد معتقدند که بزودی بلا نازل خواهد شد و برای
رفع آن نذر و نیاز می کنند .
- ۸- مردم ترکمن چای بانگ کردن مرغ را بغال بد میگیرند و آنرا بسید
بخشش می نمایند .
- ۹- در موقع مسافرت رو برو شدن با روباه را نحس می دانند .
- ۱۰- اگر زاغچه ای در بالای در یا پشت بام کسی نشسته و بانگ برآورد، آنرا
بغال نیک می گیرند و معتقدند که زاغچه خبر خوشی آورده، برای تشکر از آن برایش
شیر و غذا تهیه می کنند .
- ۱۱- مردم ترکمن چای نشستن جغد را در پشت بام و یا بالای دیوار بغال بد
می گیرند و معتقدند که اگر موقع برخاستن جغد صدای خنده از خود تولید کند خبر
خوشی دارد و اگر صدای گریه و زاری ایجاد نماید خانه آنان ویران خواهد شد .
برای رفع شر این پرنده نمک و نان می آورند، تا پرنده نمک گیر شده و رایش عوض
شود تا به افراد خانواده آسیب نرسد.
- ۱۲- اگر کف پای کسی بخارد تعبیر آن بمسافرت رفتن آن شخص است و
اگر کف دست بخارد بزودی پولدار خواهد شد .
- ۱۳- در صورت کم شدن گوسفند در صحرا دعائی خوانده به چاقو می دمند
و تیغه آنرا می بندند . معتقدند با این عمل دهن گرگ بسته می شود و تا زمانیکه چاقو
بسته است گرگ جرأت گرفتن گوسفند را نخواهد داشت .
- ۱۴- اگر کفش کسی در آستانه در کج قرار گیرد معتقدند که در پشت سر او
غیبت می کنند .
- ۱۵- افتادن نان در تنور علامت آمدن مهمان است .

- ۱۶- اگر مهمان چای تڭ بخورد معتقدند که در زندگی تنها خواهد ماند و صاحب‌خانه مقروض می‌افتد .
- ۱۷- معتقدند که اگر از يك در وارد شده و از در دیگر خارج شوند مقروض می‌افتند .
- ۱۸- معتقدند که اگر یکی از افراد خانواده با دستهای خود دو پایه در را بگیرد که آنرا اصطلاحاً «داراخ لاماخ»^۱ گویند سرپرست خانواده مقروض خواهد شد.
- ۱۹- پس از رفتن مهمان ناشناس اسپند دود می‌کنند زیرا معتقدند که به‌بچه‌ها را چشم زخم زده است .
- ۲۰- هنگام مسافرت کسی او را سه بار از زیر قرآن رد کرده و پشت سرش با کاسه سفالی آب می‌باشند و سپس کاسه را می‌شکنند زیرا معتقدند آب روشنائی آورده و با احترام قرآن مبین مسافر سلامت بمقصد می‌رسد.
- ۲۱- هنگام داد و ستد در اولین معامله روز ، که آنرا «سوفته»^۲ کردن گویند، پول را از دست کسانی که نسبت باو دید خوبی ندارند نمی‌گیرند و از او می‌خواهند که پول را در کفه ترازو و یا روی میز بگذارد. زیرا معتقدند که با اصطلاح «سوفته»^۳ شان کور خواهد شد و تا آخر روز فروش خوبی نخواهند داشت.
- ۲۲- از اقدام بشروع هرکاری در موقع ورود بدقدم یا بدیمن که بآن اصطلاحاً «آغرایاخ»^۴ و یا «بداوغور»^۴ گویند خودداری می‌کنند . معتقدند که در غیر این صورت کار بکنشی انجام خواهد گرفت و یا بشکست مواجه خواهد شد .
- ۲۳- در موقع مزده دادن تولد نوزاد ، اگر نوزاد پسر باشد، پسر بودن او را محقق می‌کنند و در وهله اول می‌گویند «فلانی يك دختر زائیده» . زیرا از چشم زخمی که ممکن است به نوزاد وارد آید می‌ترسند .

۱- Dârâxlâmâx

۲- Süfte

۳- ÂgIr ayâx - بدقدم

۴- Bad ugur - بدیمن

- ۲۴- ترکمن چائیهها زیر درخت «گردو» نمی‌خوابند . زیرا معتقدند که در زیر آن جن خوابیده ممکن است جن آنها را بزند و دهنشان کج گردد .
- ۲۵- در روزهای جمعه گوسفند و یا سایر حیوان ذبح نمی‌کنند زیرا معتقدند که ارواح مردگان در این روزها آزادند .
- ۲۶- معتقدند که جو حمام سنگین است و جن‌ها در آنجا زندگی می‌کنند . بنابراین نباید تنها در حمام استحمام نمود زیرا مورد آزار جن‌ها قرار می‌گیرند .
- ۲۷- موقع حرکت کردن بچه در جنین مادر ، زن حامله بصورت هر شخص و یا هر حیوانی نگاه کند معتقدند که کودک شبیه آن شخص یا حیوان بدنیا خواهد آمد .
- ۲۸- معتقدند که زن حامله هر چیزی را که دلش خواست بخورد کودک پس از بدنیا آمدن چشم تنگ نمی‌شود .
- ۲۹- در ظرف ، لیوان و یا استکان لب پریده و ترک خورده بعلت بدین بودن آن ، آب ، چای و یا غذا نمی‌خورند .
- ۳۰- اگر استکان یا لیوانی بطور اتفاقی شکسته شود آنرا بفالنیک می‌گیرند و معتقدند که باصطلاح «دارلخ»^۱ اهل خانه از بین رفته است .

پزشکی عامیانه

- مردم ترکمن چای در گذشته و گاهی امروز نیز از تداویهای محلی برای امراض گوناگون استفاده می‌کنند .
- ۱- در موقع گوش درد از بوته گیاهی بنام «کور اوغلی تمکی»^۲ استفاده می‌کنند . بدین طریق که بوته این گیاه را پس از خشک کردن در چپق سوزانده

۱- به تحقیق ثابت شده که از درخت گردو روزها گاز اکسیژن و شبها گاز کربنیک تولید می‌شود که آن سلامتی انسان زیان آور است .

۲- Dârlix - تنکستی و کرفتاری

۳- Kor ogli tammaki

- و دستمال خیس را روی آن می کشند . سپس دود آنرا بسوراخ گوش می دمند .
- ۲- اگر دهن کسی کج شود و یا مبتلا به درد چشم گردد، دعائی بنام «عرضه»^۱ از دعانویس گرفته و سپیده دم پس از گرفتن وضو آنرا برودخانه می اندازند. معتقدند که با این عمل دهن و یا چشم شخص بهبود حاصل می کند.
- ۳- ترکمن چائپها هنگام درد چشم ازبوتۀ گیاهان مختلف که از اطراف مزارع و باغات جمع آوری می کنند داروئی بنام «سخماجا»^۲ درست کرده و آنرا بوسیله پنبه بچشم می چکانند .
- ۴- اگر سفیده چشم باصطلاح «پاره» شود درموقع خواب درحالی که پلکها بسته شده زرده تخم مرغ را با پارچه ای بروی چشم می بندند .
- ۵- جهت درمان تراخم چشم پلکها را با دست گرفته کناره آنها را با قند مالش می دهند تا قند کاملا خون و چرك آنرا جذب نماید .
- ۶- شکسته بندی : اگر استخوان قسمتی از بدن در اثر ضربه ای شکسته شود شکسته بند پس از مالش و جابجا کردن محل شکستگی آنرا با مخلوط عسل و حنا که در روی پارچه ای قرار داده می بندد و هرروز یکبار عسل آنرا عوض می نماید .
- ۷- درمعالجۀ سوختگی جهت گرفتن سم آن سبب زمینی خرد شده و نه پخته را مخلوط با روغن حیوانی بنام «ساری یاغ»^۳ به قسمت سوخته شده می کشند .
- ۸- آغ یامان^۴ : نوعی تاول است که در زانوهای انسان پدید می آید و اگر معالجه نشود به قسمتهای دیگر بدن نیز سرایت می کند جهت معالجه آن «دال لاک» آنرا بوسیله بیشتر از ریشه بیرون می آورد .
- ۹- مردم ترکمن جای تاول را «قابار»^۵ می گویند و جهت معالجه آن قند و

۱- Erze - عریضه

۲- Sixmâjâ - عصاره ای است که پس از جوشانیدن گیاهان مختلف با فشار دادن گیاهان

قطره قطره در ظرفی جمع می کنند.

۳- Sâri yâg - روغن حیوانی یا روغن زرد

۴- Âg yâmân - نوعی تاول را گویند .

۵- Gâbâr - تاول

آرد را با بذاق دهن مخلوط کرده به روی تاول می گذارند . پس از چهل روز تاول چرك و آماس کرده میترکد و چرك آن گرفته می شود .

۱۰- کورقابار^۱: برای معالجه این نوع تاول از مخلوط خمیر و روغن زرد استفاده می کنند و آنرا روی تاول می گذارند و مدتی همین طور نگه میدارند تا بالاخره تاول بترکد .

۱۱- درمان رماتیسم: جهت معالجه رماتیسم از «پهن»^۲ گاو استفاده می کنند. بدین طریق که آنرا در تنور سوزانده و بدن شخص مبتلا به رماتیسم را در مقابل حرارت تولید شده از سوختن آن گرم میکنند تا در اثر عرق کردن رماتیسم از بدن خارج شود .

۱۲- سحر و جادو: کسانیکه از نظر معیشت بطور اتفاقی دچار سختی می شوند و یا در موارد اختلاف میان زن و شوهر و امثال آن، معتقدند که توسط دشمنان خود جادو شده اند ، برای از بین بردن نحوست جادو، بدعانویس سرزده جهت باطل شدن طلسم جادو دعای سحر می گیرند و آنرا مدتی در یک قسمت از لباسهای زیر نگه میدارند .

۱۳- ترکمن چائیها تب خال را «اوجوخ»^۳ گویند و برای معالجه آن که معمولاً محل آن در لبها می باشد بوسیله «حلقه له چه»^۴ در سبیده دم فشار میدهند و معتقدند که با این عمل تب خال برطرف خواهد شد .

۱۴- در موقع سرما خوردگی از دم کرده مخلوط گل گاوزبان و گیاهی بنام «بارپز»^۵ استفاده می کنند .

۱- Kor gâbâr - تاول کور

۲- Pahn - مدفوع گاو

۳- Uçux - تب خال

۴- Halga laja - وسیله ای که بصورت زنجیر درها را با آن می بندند

۵- Yârpız - بونه

- ۱۵- برای رفع سینهم درد کرده رازیانه، تخم گشنیز که آنرا «گرده گشنش»^۱ گویند می‌نوشند و چنین می‌گویند «رازیانه: گرده گشنش: گوی زیره - سینه مرحمدی هرکیم اوسگوره»^۲.
- ۱۶- جهت رفع درد شکم يك استکان از عرق عطرشاهی یا گیاهی بنام «کهلیک اوتی»^۳ و یا نعنای می‌نوشند.
- ۱۷- برای معالجه درد گوش پس از گرم کردن روغن حیوانی هنگام خواب آنرا بوسیله کاغذ آبی رنگ بگوش می‌چکانند.
- ۱۸- برای معالجه نوعی گلودرد کودکان که باصطلاح آنرا «خورزک»^۴ گویند به «بوغازیاسان»^۵ مراجعه می‌کنند. این عمل را معمولا زنان و بدین طریق عمل می‌کنند. ابتدا گلوی کودک را با دو انگشت گرفته چند بار بطرف پائین آرامی در حال خواندن ورد فشار داده که این عمل را «سغارلاماک»^۶ گویند. سپس جمله «فورت گلدی‌قه‌ید»^۷ را سه بار تکرار می‌نماید. در خاتمه اگر گلودرد کودک سخت باشد از قسمت دهان بوسیله انگشت لوزه‌های لورا فشار میدهد. درمقابل انجام این عمل مزدی دریافت نمی‌کند.

مراسم مرگ و میر در ترکمن‌چای

ترکمن‌چایها در لحظه مرگ فامیل و یا همسایگان خود در بالین او حاضر

۱- Girda Gaşniş - تخم گشنیز

۲- Râziyâna Girda gaşniş goyzira siyniya marhamdi har kim

ösküra - برای کسانی که سرفه می‌کنند، رازیانه، تخم گشنیز و زیره مرحم است.

۳- Kahlik oti - کاکوتی نوعی علف کوهی است که کبک بخاطر عطر مطبوعی که از آن

تولید می‌شود آنرا دوست دارند و در اصطلاح محلی بهمین نام نامیده‌اند.

۴- XorzaK

۵- Bogâz bâwân

۶- Sigârlâmâk - فشار دادن گلو بصورت لمس کردن

۷- Gurt galdi gayid - گرگه آمد برگرد

می‌شوند و درباره زندگی و مرگ اوسخن بمیان می‌آورند و از خداوند بتمام اموات طلب آمرزش می‌کنند .

مرسوم است که چند نفر از ریش سفیدان و زنان پیر دنیا دیده به بالین کسیکه در حال جان‌کندن است نزدیک شده و برای اینکه از مردنش مطمئن شوند بجلو بینی او آئینه می‌گیرند. در صورتیکه در سطح آئینه اندکی بخار بنشیند معلوم می‌شود که هنوز نمرده است .

ترکمن چائیها معتقدند کسی که در حال احتضار است نباید جابجا نمود. زیرا باصطلاح خودشان «جان‌بسر» شده و مرگش بتعویق می‌افتد،

در فواصل مختلف باو آب می‌نوشانند تا تشنه از دنیا نرود .

یکنفر از کسانیکه قرآن خواندن بلد باشد در بالین او نشسته و سوره مبارکه «یس» و یا سوره جمعه را تلاوت می‌کند و ثوابش را بروح او هدیه می‌نماید. البته این شخص در مقابل خواندن قرآن مزدی دریافت نمی‌کند .

اخیراً برای اینکار در مقابل پرداخت مزد «قاری» استخدام می‌کنند .

اگر مرگ شخصی کاملاً معلوم شود چند نفر را برای کندن قبر به قبرستان می‌فرستند . گورکنی در ترکمن‌چای افتخاری است^۱ و این عمل را برای کسب ثواب انجام می‌دهند و مزدی از بابت آن دریافت نمی‌کنند . زیرا معتقدند که دفن کردن مردگان وظیفه هر فرد مسلمان است و باید بجا آورند .

همزمان با گور کردن دوسه نفر داوطلب نیز برای تهیه آب از چشمه و جمع آوری هیزم جهت گرم کردن آب برای غسل دادن به میت انتخاب می‌شوند . معمولاً غسل میت را در کنار چشمه و یا رودخانه انجام می‌دهند .

زنان نباید در موقع فوت نزدیکان خود در حضور مردان نامحرم با صدای بلند گریه کنند. زیرا معتقدند که از نظر شرعی شنیده شدن صدای آنان بوسیله نامحرم گناه است. بنابراین در یک اطاق دور از دید و اجتماع مردان به تعزیه و گریه و زاری می‌پردازند.

۱- واجب کفائی است

اگر در بین زنان خانواده زن حامله‌ای وجود داشته باشد پیرزنان از نگاه کردن او به میت جلوگیری می‌کنند زیرا معتقدند که با اصطلاح چشم نوزاد «دیرلی» یعنی بدنظر خواهد شد.

در این میان چند نفر از زنان همسایه حلوائی بنام «ته رك» تهیه می‌کنند که آنرا اصطلاحاً «آجی حالوا» نیز می‌گویند.

معتقدند که دهن میت تلخ شده و این تلخی با احسان کردن حلوا بمردم از بین خواهد رفت پس از مطمئن شدن از مرگ شخص او را در تابوتی که قبلاً از مسجد آورده‌اند می‌گذارند و بدن او را با پارچه سیاهی می‌پوشانند.

ترکمن چائیها میت را با عجله و سرعت از خانه‌اش بیرون نمی‌برند زیرا معتقدند که هنوز روح او علاقه‌اش را از اموال دنیا و نزدیکان خود قطع ننموده است. در غیر اینصورت از بازماندگانش ناراضی شده و آنان را نمی‌بخشد. بنابراین پس از آنکه او را در روی تابوت از خانه خارج کردند در وسط حیاط و یا دم در به زمین می‌گذارند و حاضرین برای آرمزش روح او و اموات خودشان فاتحه می‌خوانند. البته این عمل را تا قبرستان چندین بار تکرار می‌کنند.

فامیلها و همسایگان تا لب رودخانه جهت حمل تابوت بهمدیگری می‌کنند و در انجام این کار بیکدیگر سبقت می‌گیرند. زیرا معتقدند تمام مسلمین مطابق اخبار دین مبین اسلام باین مرحله خواهند رسید. بنابراین وظیفه شرعی هر فرد مسلمان است که در مرگ همسایه و فامیل به بازماندگان او کمک نموده و از تابوتش بگیرد، و هر قدر در این مورد بیشتر زحمت بکشد اجر زیادی نصیب او خواهد شد.

اگر میت زن و بچه داشته باشد زنان دیگر بانان دلداری میدهند و به صبر و شکیبائی دعوت می‌کنند زیرا معتقدند که اگر عیال مرده زیاد گریه و بی‌تابی نماید روح میت ناراحت خواهد شد.

۱ - Dayarli - بدنظر

۲ - Tarak - حلواى میت

معمولاً در اینگونه موارد بچه‌های کوچکتر را جهت دور نگهداشتن از مراسم بمشغول غصه نکردن آنان بخانه یکی از فامیل و یا همسایگان می‌برند و در این فاصله اشیاء متعلق به میت ، از قبیل لباس ، کفش و سایر وسایل شخصی او را دور از دید بازماندگانش در جایی مخفی می‌نمایند .

لازم بتوضیح است که اگر میت مرد باشد و اتفاقاً موقع شب فوت نماید مردان در یک اطاق و یا در مسجد تا صبح در کنار او می‌نشینند و اگر زن باشد این دفعه زنان در کنار او تا صبح می‌نشینند و در مدت شب برای آموزش روح مرحوم و اموات خودشان قرآن و فاتحه می‌خوانند .

مراسم غسل و کفن در ترکمن‌چای

غسل دادن و کفن کردن اموات به‌فرد مسلمان واجب کفائی است و اگر کسی آنرا انجام دهد از گردن دیگران ساقط می‌شود .

پس از آنکه میت را بوسیله تابوت از خانه بیرون بردند ، به کنار چشمه و یا رودخانه حمل می‌کنند چند نفر که قبلاً جهت تهیه آب گرم بکنار چشمه آمده بودند وظیفه تغسیل میت را نیز بعهده می‌گیرند .

ترکمن‌چائیها مرده‌شوی را که اصطلاحاً «میرده‌شیر»^۱ گویند مزد نمیدهند و همه‌انجام دادن وظیفه مرده‌شویی را وظیفه شرعی میدانند و بیکدیگر سبقت می‌جویند . پس از غسل و دفن برای ادای نماز ، میت را روی تابوت می‌گذارند . البته در بعضی از خانواده‌ها کفن را سالها قبل که به اماکن متبرکه جهت زیارت رفته‌اند تهیه کرده در صندوق نگهداری می‌کنند تا از آن موقع کفن استفاده کنند .

پس از آماده کردن میت برای ادای نماز روحانی روستا شروع بخواندن نماز میت کرده و حاضرین باو اقتدا می‌کنند .

بلافاصله پس از انجام مراسم نماز میت مردم را تابوت بدوش گرفته بطرف قبرستان حمل می کنند . اگر حمل تابوت بکنندی انجام گیرد معتقدند که میت از دنیا سیر نشده است و باصطلاح «چشم مرده از مال دنیا و بازماندگانش نگران است» . و اگر حمل تابوت سریعترا انجام گیرد معتقدند که میت از دنیا سیر شده است .

در موقع حمل میت بطرف قبرستان مرسوم است که تابوت او را سه مرتبه در فواصل مختلف بزمین گذاشته فاتحه می خوانند زیرا معتقدند روح میت در آنجا حضور دارد و اگر درگذشتن او به قبر عجله کنند روح او ترسیده و از بازماندگانش ناراضی می شود .

بمحض رساندن تابوت به سر قبر که قبلاکنده و آماده کرده اند آنرا بزمین گذاشته و فاتحه می خوانند اگر میت مرد باشد یک نفر از مردان حاضر و معمولا یکی از کسانیکه وظیفه گور کنی و مرده شوری را انجام داده اند او را از قسمت کمر و گردن بغل کرده وارد قبر می کند و طوری او را بقبر وارد می کند که پاهایش قبل از قسمت های دیگر بدن وارد شود . زیرا قبر منزل آخرت است و انسان موقع ورود بخانه در اولین مرتبه پاهایش را وارد می کند و اگر میت زن باشد بنا به اعتقاد شرعی ، مردان محرم مانند پسر و داماد او را دفن می کنند . اولین تظاهر برای سوگواری میت گریه کردن است ، زنان در يك قسمت از قبرستان دور از دید مردان گریه و زاری می کنند و در مرگ عزیز خود اشک می ریزند . در مراسم سوگواری یکی از زنان وظیفه «میشگری» را بجای می آورد و در فراق میت اشعار محلی می خواند و معمولا در تمام مراسم سوگواری یکی از «میشگران» حضور دارد .

۱ - Mišgar

۲ - آرازی آیردیلاز

قومونان دو یوردولار

من سندن آیرلمازدم

ظلم ان آیردیلاز

هنگام دفن میت روحانی روستا در قسمت بالای سر قبر میت نشسته شروع به تلقین می نماید . کسیکه وظیفه بقیه گذاشتن را بهمهده گرفته طرف راست صورت او را در خاک می گذارد و مرتب کفن او را حرکت میدهد و با این عمل میت را آگاه می سازند و او را متوجه تلقین می نماید .

بمحض تمام شدن مراسم تلقین ، قبر را با سنگ های بزرگی که اصطلاحاً «بنابن» گفته می شود می پوشانند . سپس از روی آن خاک ریخته بصورت پشته درمی آورند . در بالای سر قبر سنگی بعلامت نشانه قرار میدهند . این عمل برای آن است که محل قبر گم نشده ، بعداً بتوانند پس از حاضر شدن سنگ قبر اصلی آنرا جایگزین نمایند .

اولی یه مه یی^۲

بعد از مراسم دفن تشییع کنندگان با اتفاق کسان میت جهت تسلیت گفتن بمنزل او برمی گردند و پس از فاتحه خوانی و خوردن چای آنجا را ترک می کنند.

← Ârâzi âyİrdİlâr

gumunân duyurdulâr

man sândan âyriImâzdIm

zûlmûnan âyİrdİlâr

منقول است که کودک زنی فوت کرده بود و سالها قبل برادر همسایه او از دنیا رفته بود . گویند مادر کودک خیلی بی تاب می نمود . برای دلداری او همسایه ایکه برادرش فوت کرده بود چنین می گوید^۱

درد میرزا حسن دردی دی ای رخساره خانم

ساغ اولسون اونون دده نه نه سین ای رخساره خانم

Dard mirzâ Hasan dardidi - i Ruxsârâ xânIm

Sâg olsun onun dada nanasin - i Ruxsârâ xânIm

۱ - معتقدند که روح مرده در داخل قبر بوده و ناظر و شاهد اعمال کفن و دفن جسد خود

می باشد .

۲ - Banâyin

۳ - Oli yamayi - غذای مرده

نزدیکان میت از قبیل فرزندان، برادر، پدر، عمو، دایی و برخی از ریش سفیدان فامیل جهت تصمیم‌گیری برای انجام سایر مراسم تعزیه می‌نشینند و پس از صرف ناهار یا شام، در موقع فراغت در مورد مخارج احسان که بصورت غذا به عزاداران و مهمانان خواهند داد مذاکره و مقدار آنرا نسبت به تعداد مهمانهای دعوت شده تعیین می‌نمایند.

ترکمن چائیهها غذائی را که در حق اموات خود احسان می‌کنند باصطلاح محلی «اولی به‌مه‌یی» می‌گویند و چگونگی اجرای مراسم آن از نظر مادی «خش» می‌نامند معمولاً «خش» را سه روز پشت سرهم ادامه می‌دهند و از روز اول مرگ شخص شروع می‌کنند. مرسوم است کسانی که درسوگواری شرکت می‌کنند، جهت صرف «اولی به‌مه‌یی» نیز دعوت می‌شوند.

ترکمن چائیهها مراسم «اولی به‌مه‌یی» را در مسجد ترتیب می‌دهند. بدین طریق که از اول صبح نزدیکان میت بمسجد آمده و کنار در بعنوان عزادار بسوگواری می‌نشینند.

پس از چند لحظه مردم دسته دسته جهت تسلیت گفتن به نزدیکان و بازماندگان میت بمسجد آمده و بروح او فاتحه می‌خوانند. کسانی که کار واجبی دارند پس از صرف چای خداحافظی کرده پی کار خود می‌روند.

در این مراسم شخصی را بنام «عرشه‌خوان» جهت خواندن قرآن دعوت می‌کنند. «عرشه‌خوان» تا پایان مراسم با صدای بلند قرآن خوانده، ثواب آنرا بروح مرده نثار می‌نماید.

البته کسانی که قرآن خواندن بلد می‌باشند، یکی از جزوه‌های قرآن را که قبلاً در مسجد بدین منظور تهیه کرده‌اند برداشته و آنرا با صدای آرام می‌خوانند و ثواب آنرا بروح شخص فوت کرده و سایر مؤمنین و مؤمنات هدیه می‌کنند.

نزدیکیهای ظهر دعوت شدگان برای صرف ناهار که معمولاً اکثر همسایگان

وفامیل می باشد دسته دسته وارد مسجد می شوند يك نفر روحانی بمنبر رفته و مجلس را باصطلاح محلی «ختم» می کند یعنی برمی چیند .

مهمانان بحدی زیاد می شوند که تمام قسمت های مسجد را پر می کنند. زمانیکه «قوللوخ چی»^۱ها شروع به چیدن سفره های غذا می نمایند مهمانان در دسته های مختلف جهت پهن کردن سفره مربوط به خودشان جا باز می کنند^۲. البته مهمانان در چند ردیف پشت به پشت می نشینند .

مراسم «أولی یه مهبی» سه روز متوالی از اولین روز فوت شخص ادامه می یابد «أولی یه مهبی» را مردان بدون دخالت زنان از گوشت گوسفندی که قبلا بهمین منظور ذبح کرده اند ، بصورت آبگوشت در قسمت چایخانه مسجد تهیه می کنند .

«قوللوخ چی»ها پس از پهن کردن سفره مقداری آب گوشت را در کاسه و مقداری از گوشت آنها در بشقاب جهت صرف دونفر که «هم کاسه» نامیده می شود می آورند. بهمین ترتیب از مهمانان پذیرائی می کنند . پس از صرف غذا و جمع آوری سفره روحانی حاضر در مجلس دعا و فاتحه داده همه مهمانان حمد و سوره می خوانند و ثواب آنها به اموات صاحب احسان نثار می کنند و پس از تسلیت گفتن به بازماندگان میت که کنار در مسجد سرپا می ایستند ، آنجا را ترك می کنند .

البته مجلس ترحیم جداگانه ای با شرکت زنان در خانه میت در همان روز برپا می شود و موقع ظهر جهت پذیرائی از مهمانان دعوت شده از آبگوشت موجود در مسجد توسط «قوللوخ چی»ها آورده می شود . مرسوم است کسانی که جهت صرف «أولی یه مهبی» دعوت می شوند ، هر کدام يك کله قند به همراه خود بمسجد می آورند این کله قندها به مصرف مراسم سوگواری میرسد .

ممکن است در موقع فوت کسی صدها کله قند بهمین ترتیب جمع شود. در اینصورت یکسفر لیست اسامی کسانی را که کله قند آورده در روی يك صفحه کاغذ

۱ - Gulluxçi - پذیرائی کنندگان افتخاری

۲ - مهمانان در حالیکه پشت به پشت می نشینند در ردیف های خود بطریقی قرار می گیرند

وقتی که یکسفر از دور نگاه کند مردم را بصورت مستطیل هایی در اطراف سفره ها می بیند.

یادداشت کرده تا صاحب میت بعداً بهمین منظور تلافی نماید .
 اگر قدرت مالی یکی از فامیلهای زیاد باشد بجای کلهقند يك رأس گوسفند هدیه
 می کند که گوشت آن بمصرف «اولی بهمهئی» میرسد .
 ترکمن چائیها معتقدند که وقتی فردی فوت کند نیکی و بدی آن شخص در
 زندگی به نسبت رحمت مردم مشخص می شود یعنی مردم هر قدر زیاد رحمت بخوانند
 بهمان اندازه فرد نیک سیرت بوده است .

در اکثر نقاط آذربایجان بخصوص «تبریز» برای میت شب جمعه می گیرند
 و آنرا «جمعه گه جسی»^۱ گویند این مراسم را در خانه میت برپا می کنند و تمام فامیل
 و آشنا جهت تسلیت گفتن به بازماندگان میت حضور بهم می رسانند . در شبهای جمعه
 در حق میت بدادن شام باناها را احسان می کنند و این احسان تا روز چهلم ادامه می یابد .

مراسم «ای له شمه»^۲

يك هفته پس از مراسم «اولی بهمهئی» زنان تا چله میت در خانه های خود
 به نوبت تعزیه برپا می کنند و آن را بدین طریق عمل می نمایند .
 روزهای هفته را بین فامیل تقسیم کرده و هر کدام در نوبت خود در خانه اش
 بسوگواری می نشینند . اگر از قدرت مالی خوبی برخوردار باشند عده ای از نزدیکان
 را جهت صرف غذا بعنوان احسان در حق میت دعوت می کنند .
 در مراسم «ای له شمه» زنان برعکس مردان تا آخرین لحظه پایان مراسم
 می نشینند و جهت آرمزش میت حمد و سوره میخوانند .

۱ - Güma gajasi - شب جمعه

۲ - aylâşma - نشستن ، این اصطلاح را در مواقیمکه جهت سوگواری شخص فوت

شده می نشینند استعمال می نمایند .

در این مراسم زنان «میشگر» تعزیه خوانی می کنند و آنرا بصورت «بایاتی»^۱ هایی که محتوای آنها توأم با سوز و گداز است و بنام «نیسگیل»^۲ نامیده می شود بیان می کند بطوریکه دل بازماندگان میت از شنیدن آن سوخته و گریه میکنند . چند نمونه از این «بایاتی»ها را در فصل «بایاتی»ها خواهیم آورد .

مراسم «ای له شمه» معمولاً به ترتیب سنی فامیل برگزار می شود یعنی از نزدیکترین فامیل شروع شده و تا روز چهارم میت ادامه می یابد .

مراسم برگزاری چله هیت

پس از گذشت چهل روز از فوت شخص در روز چهارم در مسجد مراسم «چله» برگزار می کنند و زمان آن صبح تا ظهر و یا بعد از ظهر تا عصر می باشد . موقع عصر همه با اتفاق بازماندگان میت بر سر قبر او حاضر می شوند . معمولاً زنان قبل از آمدن مردان بهمراه چند نفر از جوانان با يك قطعه فرش، مقداری خرما و حلوا به سر قبر می روند . این فرش جهت انداختن به روی قبر میباشد .

همه در اطراف قبر اجتماع کرده و زنان در حالیکه به روی قبر افتاده اند گریه و فغان براه انداخته «نیسگیل»های مرده را بصورت «بایاتی» بازگو می کنند .

مردان در حالیکه کمی از قبر فاصله گرفته اند حمد و سوره خوانده ثواب آنرا به میت و اهل قبور هدیه می کنند در خاتمه بعنوان احسان بهمه از خرما و حلوا می موجود را تعارف می کنند .

بعد از برگشتن از قبرستان همه با اتفاق تا دم در خانه میت بازماندگان او را مشایعت کرده هر کس مایل باشد بداخل خانه وارد شده و پس از فاتحه خوانی و صرف چای اگر برای صرف شام یا ناهار دعوت شده باشد می نشیند در غیر اینصورت تسلیت گفته خدا حافظی مینماید .

۱ - Bâyâti - دوبیتی

۲ - Nisgil - مصیبت

قبل از صرف شام يك نفر روحانی در اطراف زندگی میت و اعمال نيك او سخنانی ایراد کرده و پس از ذکر مصیبت دعا کرده و حاضرین فاتحه می خوانند .
«قوللوح چی»ها سفره را می چینند و غذا را جهت صرف شام آماده می نمایند .
همه مهمانان پس از صرف شام باستثنای چند نفر فامیل ریش سفید جهت تصمیم گیری در مورد ارث و سایر موارد آنجا را ترك می کنند .
اگر شخص فوت شده مرد بوده و دارای اولاد باشد پس از صورت برداری از دارائی او به ترتیب زیر عمل می کنند .

الف - اموال غیر منقول

۱- طبق موازین شرع مقدس اسلام پسران دوسهم و دختران يك سهم می برند
۲- اگر برادران پس از فوت پدر مایل به جدا شدن از یکدیگر نباشند در اینصورت فقط سهم خواهران را پرداخت می کنند.
۳- در اکثر موارد دختران ازدواج کرده برای حفظ موقعیت اقتصادی برادران که دلایل آن ذیلا خواهد آمد از حق خود صرف نظر می کنند و آنرا به برادران خود واگذار می نمایند .

الف - ممکن است اموال پدرشان مختص به زمین زراعی باشد. در اینصورت معتقدند که اگر اراضی کشاورزی موروثی از پدرشان تقسیم شود برادران از نظر نداشتن زمین زراعی بمضیقه افتاده نمی توانند معیشت خانواده شان را تأمین نمایند.
ب - چون برادران پس از مرگ پدرشان بعلت همبستگی عاطفی و اقتصادی در يك خانه زندگی خواهند کرد بنابراین مایل به تقسیم اراضی پدرشان نمی باشند
ج - در صورت تقسیم زمینهای زراعی ارزش اجتماعی برادران در جامعه روستا کمتر خواهد شد.

د - پس از مرگ پدر برادر بزرگتر و حتی برادران دیگر وظیفه پدری را نسبت بخواهران بجای می آورند .

۴- اگر مادر بچه‌ها مایل بتقسیم اموال شوهر فوت کرده‌اش نباشد در اینصورت فرزندان بخاطر عدم رنجاندن مادرشان تا زمانیکه او در حال حیات می‌باشد موقتاً از تقسیم آن صرف نظر می‌نمایند و حتی بخاطر او پسران ازدواج کرده باهم و در همان خانه زندگی می‌کنند .

ب - اموال منقول

اموال منقول موروثی از قبیل پول نقد و اساس خانه طبق موازین شرع مقدس اسلام بین وراث تقسیم می‌شود . ولی در برخی از خانواده‌ها بنا به مللی تقسیم آنرا به بعد موکول می‌کنند و تمام آنها را صورت برداری کرده و در همان خانه نگهداری می‌کنند .

۱- بعلت عواطف موجود بین مادر و فرزند تا زمانیکه مادر در حال حیات می‌باشد ، حتی پسران از خارج شدن اموال از خانه پدر راضی نمی‌شوند .

۲- در صورت تقسیم دارائی منقول خانه تهی شده و ممکن است مورد سرزنش و ریش‌خند فامیل و همسایه قرار گیرند .

۳- هیچیک از فرزندان مایل نمی‌شوند که باصطلاح «چراغ» خانواده که پدرشان سالها با مشقات زیاد فراهم آورده با تقسیم اموال غیر منقول او خاموش شود اگر میت فرزندان صغیری از خود به یادگار بگذارد بزرگان فامیل بخصوص پدر بزرگ نسبت به نگهداری و بزرگ کردن آنان تصمیمات لازم را می‌گیرند .

در صورت وجود پدر بزرگ نگهداری کودکان یتیم بمعهده او می‌باشد . در غیر اینصورت اگر مادر بزرگ در حال حیات باشد و عموهای کودکان در يك خانه زندگی کنند نگهداری زن و بچه برادر مرحوم‌شان را بمعهده می‌گیرند . و مانند فرزندان خود معیشت آنان را فراهم می‌آورند . حتی آنان را بزرگ کرده اگر دختر باشند به شوهر میدهند و اگر پسر باشند زن می‌گیرند . بنابراین در اینگونه موارد تقسیم دارائی میت را موکول به بعد از بزرگ شدن کودکان صغیر می‌نمایند .

مراسم عزاداری سیدالشهداء علیه السلام

مردم ترکمن چای جهت عزاداری سیدالشهداء (ع) از اول ماه محرم الحرام سیاهپوش شده و تشکیل «دسته‌های» عزاداری می‌نمایند. و این مراسم از اول محرم تا روز سوم شهادت آنحضرت به طول می‌انجامد و آخرین روز آنرا «یخه باغلاما»^۱ گویند. و بدین طریق عمل می‌نمایند.

نخستین روز ماه محرم اهالی هر محله بطور جداگانه و بعد از ظهر در حسینیه واقع در محله مسکونی خودشان که به تکیه نیز معروف است جمع شده و پس از یاد گرفتن نوحه مخصوص آن روز بحالت نوحه خوانی و سینه زنی بسوی مساجد روستا بحرکت در می‌آیند. و این مراسم تا هنگام شام ادامه یافته و بعد از صرف شام تا پاسی از شب نیز ادامه دارد.

حسینیه‌های موجود در ترکمن چای

۱- عباسیه

۲- حسینیه

۳- زینبیه

۴- قاسمیه

۵- اکبریّه

مساجد ترکمن چای

۱- مسجد جامع «رسول الله»: واقع در کوچه «حاجی لار»^۲

۲- «آشاغی مسجد»^۳: واقع در «آشاغی محله»^۴

۳- «مسجد مهدلی»: معروف به مسجد امامزاده واقع در «مهدی لی محله سی»^۵

۱- Yaxa baglâmâ - یخه بستن

۲- Hâjillâr - حاجی‌ها

۳- Âsâgi masjid - مسجد یائین

۴- Âsâgi mahalla - محله یائین

۵- Mahdili mahllasi - محله مهدی‌لو

- ۴- مسجد «بابالی» واقع در «بابالی محله‌سی»^۱
 ۵- مسجد حضرت ابوالفضل واقع در «احمدلی کوچه‌سی»^۲
 ۶- مسجد امام حسین واقع در «کردلر محله‌سی»^۳

ترتیب عزاداری :

بعد از ظهرها مردم دسته دسته در حسینیه‌ها جمع شده و پس از یاد گرفتن نوحهٔ مخصوص آن روز که آن را «ورد»^۴ می‌گویند از حسینیه خارج شده پس از عبور از محلات روستا در حال سینه‌زنی و زنجیرزنی بطرف مساجد براه می‌افتند . وقتی که دسته‌ها به میدان جلو مسجد می‌رسند با رعایت نوبت وارد مسجد شده در آنجا نیز به اجرای مراسم نوحه‌خوانی و سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌پردازند . در ترکمن‌چای به سینه‌زنان «عرب» گویند طرز لباس پوشیدن «عرب» با زنجیرزنان متفاوت است بطوریکه پیراهن «عربها» دراز و تا پائین زانو یک‌نواخت می‌باشد و از قسمت جلو سینه تقریباً باندازه دو کف دست باز است .^۵ لباس زنجیرزنان از دو تکه بشکل پیراهن سیاه معمولی و یک دامن تا پائین زانو می‌پوشند .

در روز تاسوعای سیدالشهدا اطاقکی را بنام «اطاق قاسم» ترتیب می‌دهند و آنرا از اول صبح تا موقع عصر همراه عزاداران در تمام مساجد و حتی بخانهٔ کسانی که اولین سالگرد فوت یکی از اعضاء خانواده است می‌گردانند . هنگام غروب آفتاب افرادی که نذر دارند بمساجد مراجعه و با روشن کردن شمع نذر خود را ادا می‌کنند . صبح روز عاشورا دسته‌های حسینی در حسینیه‌ها جمع شده و پس از گذشتن

۱- Bâbâli mahallasi - محلهٔ بابالو

۲- Ahmadli küçasi - محلهٔ احمدلو

۳- Kürdlar mahallasi - محلهٔ کردها

۴- Vird - نوحه

از تمام محلات و مساجد روستا و اجرای مراسم سینه‌زنی و زنجیرزنی؛ زمان ظهر در میدان روستا جمع شده و در اجرای مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی شهدای کربلا شرکت می‌کنند حتی در روز عاشورا اهالی روستاهای مجاور نیز جهت شرکت در این مراسم به ترکمن‌چای مسافرت می‌نمایند در روز عاشورا اکثر خانواده‌ها «خش» می‌دهند و ترتیب «خش» بدین شکل است که هر یک از خانواده‌ها عده‌ای از روستائیان را که از اطراف آمده‌اند جهت صرف نهاربخانه خود دعوت می‌نمایند گاهی تعداد «خش» دهندگان نسبت به تعداد مهمانان بیشتر بوده که فقط بمصرف افراد خانواده می‌رسد.^۲

عزاداران عصر روز عاشورا در مساجد جمع شده و مراسم شام غریبان برگزار می‌کنند. در این مراسم چراغ روشن نکرده بلکه در تاریکی بجزا می‌نشینند. معتقدند که اسرای کربلا در این شب در تاریکی مانده بودند.

مراسم جشنها و اعیاد

۱- مراسم چهارشنبه سوری

در ترکمن‌چای مانند سایر نقاط آذربایجان مراسم چهارشنبه‌سوری برگزار می‌کنند. چهارشنبه‌سوری آخرین چهارشنبه هفتۀ سال می‌باشد. معمولاً این مراسم از روز سه‌شنبه تا عصر روز چهارشنبه ادامه می‌یابد.

۱- Xaš - یعنی خرج، جهت دادن احسان غذای گرم می‌پزند و آنرا «خش» می‌گویند.
۲- داستانی در این مورد نیز به‌تقل از یکی از افراد خانواده‌ای که خود در این امر مهم است چنین نقل می‌کند سالها پیش سرپرست خانواده بعلت نازا بودن زن خود نذر می‌کند که در روزهای عاشورا غذای گرم نخورد. پس از آنکه صاحب اولاد می‌شود در روزهای عاشورا علاوه از اینکه «خش» تهیه نمی‌کند خودش نیز از خوردن غذای گرم اجتناب می‌کند ولی پس از گذشتن چند نسل یکی از اجداد بعدی با اصطلاح «سنت» را می‌شکند و در روز عاشورا جهت دادن «خش» غذای گرم تهیه می‌کند بلافاصله پس از پخته شدن غذا مشاهده می‌کند علاوه از اینکه غذا خون‌آلود است یک شمیر خون‌آلود نیز در روی دیک غذا ظاهر گردید.

در این روز بچه‌ها لباسهای تازه خود را که والدین آنان بمناسبت ایام عید نوروز تهیه کرده‌اند می‌پوشند و با شادی وصف‌ناپذیر جهت گرفتن «چرشنبه‌لخ»^۱ به بازدید بزرگان می‌روند .

افرادیکه به بچه‌ها «چرشنبه‌لخ» می‌دهند عبارتند از :

۱- پدربزرگ

۲- مادربزرگ

۳- پدر

۴- عموها

۵- دائی‌ها

۶- عمه‌ها

۷- خاله‌ها

۸- برخی از ریش سفیدان فامیل

کودکان از پولهای بدست آورده بعنوان «چرشنبه‌لخ» می‌توانند مستقیماً برای خودشان اسباب‌بازی ، شیرینی و سایر احتیاجات خود را بخرند . بنابراین برخی از بچه‌ها برای اولین بار از لذت خرید کردن بهره‌مند شده و چگونگی دادوستد را می‌آموزند. رسم بر این است که در شب چهارشنبه سوری همه «چرشنبه‌یه‌میشی»^۲ می‌خورند. «چرشنبه‌یه‌میشی» عبارت است از :

«انواع» «سه‌بی‌زه»^۳، نخودچی ، مغزگردو ، مغزبادام ، فندق ، پسته ، خرمای زرد ، «یاسدخ» ، انجیر ، «میان‌پور»^۴ و امثال آنها می‌باشند .

بکسانیکه در چهارشنبه سوری «چرشنبه‌یه‌میشی» فرستاده می‌شود عبارتند از:

۱- çarşanbalix

۲- çarşanba yamişi

۳- Sabiza - کشمش

۴- Miyân pur - میان‌پور، داخل میوه‌هایی مانند هلو، گلابی، شفتالو را که قبلاً خالی

کرده‌اند با مخلوطی از شکر، گردو و هل پر می‌کنند

۱- اگر دختر کسی شوهر کرده باشد، مادرش سهمیه «چرشنبه یه‌میشی» اورا جدا کرده و عصر چهارشنبه همراه اشیائی از قبیل : جوراب ، لباس زنانه، چادر و امثال آنها را بطوریکه دریک خوانچه می‌چیند ، می‌فرستد .

۲- در شب چهارشنبه سوری بدختران نامزد از طرف داماد مقداری «چرشنبه یه‌میشی» همراه یک جفت جوراب ، کفش ، لباس زنانه ، چادر ، با قرار دادن آنها در خوانچه فرستاده می‌شود .

۳- در شب چهارشنبه سوری از طرف والدین عروس جهت نامزد او مقداری «چرشنبه یه‌میشی» یک عدد پیراهن ، یک جفت جوراب و گاهی یکعدد ریش تراش برقی و یا دستی ، یکعدد ساعت دریک خوانچه چیده و فرستاده می‌شود . در روز چهارشنبه سوری کودکان کیسه‌ای را بوسیله طنابی بنام «قورشاخ» از سوراخ سقف بام خانه فامیل و یا همسایه‌ها بداخل اطاق می‌اندازند . مرسوم است که صاحب‌خانه کیسه را پراز «چرشنبه یه‌میشی» می‌کند تا بچه‌ها آنرا یالا کشیده و بخورند .

این عمل را پسران نامزد با بالا رفتن در پشت بام خانه عروس انجام می‌دهند و بدینوسیله «چرشنبه یه‌میشی» می‌گیرند .

در این روز دختران دم‌بخت جهت باز شدن بختشان مقداری از موی سر و ناخن خود را بهمراه یکعدد کشمش بداخل آب چشمه می‌اندازند و از روی آب چند بار می‌جهند و چنین می‌گویند .

«آتل باتل چرشنبه ، بختم آچل چرشنبه» سپس با قیچی‌ایکه همراه خود آورده‌اند آب را می‌برند .

در روز چهارشنبه سوری وقتیکه خوانچه دختران نامزد از طرف داماد می‌رسد ، دختران هم‌سن و سال آنها بمادرشان چنین می‌گویند :

«ننه اوچ خونچا گلیب گون شو موزا فاطما سورا به»^۱

«قوجا جاهل هامی گل میشدی اورا به»^۲

«دو گداخ چای باشنا من آتلم بختیم آچل سین»^۳

«گلن ایل گیدم آره گلین گولی باشیما ساچل سین»^۴

مردم ترکمن چای معتقدند که در شب چهارشنبه سوری پاسی از شب گذشته درختان خم شده و از چشمه آب می‌خورند و اگر در همان لحظه انسان هر آرزویی را از خداوند متعال خواستار باشد مورد عنایت پروردگار قرار خواهد گرفت. در این مورد داستانی را چنین نقل می‌کنند:

«در گذشته‌های بسیار دور دختری در شب چهارشنبه سوری وقتیکه از چشمه آب بر میداشت چگونگی خم شدن و آب نوشیدن درختان را با چشم خود می‌بیند و بلافاصله از خداوند می‌خواهد که مادرش را طلا سازد.

وقتیکه دختر بخانه برمی‌گردد مادرش را بصورت يك مجسمه طلا می‌یابد. فوراً انگشت کوچک دست چپ او را قطع کرده و در بازار می‌فروشد و بسدینوسیله افراد خانواده را از فقر نجات میدهد.

پس از سپری شدن يك ساعت باز در شب چهارشنبه سوری همان دختر در سرچشمه منتظر لحظه آب نوشیدن درختان می‌ایستد بمحض مشاهده خم شدن درختان باز از خداوند می‌خواهد که مادرش را از صورت طلا بحال اولیه برگرداند. پس از آنکه بخانه برمی‌گردد مادرش را بحالت اولی خود می‌یابد ولی مشاهده می‌کند که انگشت کوچک دست چپ او قطع شده است»^۵.

1- Nana üç xonçâ galib Gonşumüzâ Fâtmâ sorâya

2- Gojâ jâhil hâmi Galmişdi orâya

3- Du gadâx çây bâşînâ man âtilim baxtim âçİlsİn

4- Galan il gadam ıra galin güli bâşİmâ sâçİlsİn

۵- تقریر از مسلم شهرچنک شغل آموزگار سن ۲۸ سال

معتقدند که در لحظه‌ایکه درختان جهت آب خوردن خم می‌شوند از چشمه آب برداشته و به «نهره» بریزند تا پایان سال جدید چربی شیر دامها زیاد شده و محصول روغن بیشتر می‌شود.

ترکمن چائیها روزهای چهارشنبه اسفند ماه را نام‌گذاری کرده‌اند و معتقدند که در هر یک از این چهارشنبه‌ها اتفاق بخصوصی می‌افتد و همچنین معتقدند که در این روزها «جم‌له»^۲ شکسته می‌شود.

بنابراین اگر در یکی از این چهارشنبه‌ها نوزادی بدنیا آید پسر باشد اسمش را «جمال» و اگر دختر باشد اسمش را «جمیله» انتخاب می‌کنند.

۱- اولین چهارشنبه اسفند ماه را «خبر چارشنبه»^۳ می‌نامند و معتقدند که این چهارشنبه خبر رسیدن بهار و گرم شدن هوا را به‌مراه می‌آورد.

۲- دومین چهارشنبه اسفند ماه را «قهره چارشنبه»^۴ گویند و این تسمیه بعلت وزش بادهای شدید و ایجاد طوفان می‌باشد.

۳- سومین چهارشنبه اسفند ماه را «کوله چارشنبه»^۵ گویند. معتقدند که در این روز اگر نوزادی بدنیا آید و کسی باصطلاح بگوید «کوله قالا سان بویی می‌به‌سن»^۶ نوزاد پس از بزرگ شدن کوتاه قد می‌شود.

در این روز پشم قسمتی از تن گوسفندان را می‌چینند و با این عمل نشان می‌دهند که فصل نظافت رسیده و باید تمیز کردن گوسفندان را آغاز نمود زیرا بعلت نگهداری گوسفندان در طول بهار و تابستان و تماس آنها با فضولات خودشان کثیف شده‌اند.

۱- Nahra - کوزه‌ای است که شمر جوشیده را داخل آن ریخته و بوسیله تکان دادن تره شمر را می‌گیرند.

۲- Jamla

۳- Xabar çarşamba - چهارشنبه مخبر

۴- Gara çârşamba = چهارشنبه سیاه

۵- Kûla çârşamba - چهارشنبه کوتاه

۶- Kûla gâlâsân böyi miyasan یعنی کوتاه قد بمانی و بزرگ نشوی

۴- چهارمین و آخرین چهارشنبه اسفندماه را «چهارشنبه بازاری» گویند و رسیدن آن نشانه فرا رسیدن عید نوروز و سال نو می باشد .

۲- مراسم نوروز

در ترکمن چای عید نوروز را مانند سایر نقاط آذربایجان با شور و شعف استقبال می کنند .

زنهای ترکمن چای چند روز قبل از فرا رسیدن عید نوروز خانه تکانی را شروع کرده و تمام فرش ، گلیم و پرده هائیراکسه در طول زمستان در اثر دود تولید شده از سوختن تنور کثیف شده اند می شویند و برای عید نوروز آماده می کنند . علاوه بر این کارها زنان دوخت و دوز لباس افراد خانواده و بخصوص لباس بچه ها را نیز انجام می دهند .

زنان ترکمن چای پس از فراغت از خانه تکانی و دوخت و دوز لباس با گل سفیدی که از کوههای اطراف بخش تهیه می کنند اطاقها را با آن سفیدکاری می نمایند تا در عید نوروز از بازدید کنندگان در خانه تمیز پذیرائی کنند .

مردم ترکمن چای معمولاً چند ساعت قبل از تحویل سال نو در یکی از اماکن مذهبی مانند مسجد و یا حسینیه جمع می شوند و در انتظار تحویل سال می نشینند کسانی که قرآن خواندن بلد می باشند تا لحظه تحویل سال قرآن می خوانند . بعضی از آنها که در جامعه روستا فرد مؤمن و متدین شناخته شده اند چهل بار سوره مبارکه «یس» را خوانده و به ظرف پر از آب می دمند بطوریکه این آب را پس از تحویل سال بوسیله استکانهایی بین حاضرین تقسیم می کنند تا آنرا برای نوشیدن افراد خانواده خود بخانه ببرند . زیرا معتقدند که هر کس از این آب بنوشد ، بمدت يك سال مریض نخواهد شد .

ترکمن چائپها قبل از تحویل سال دو عدد گردو را بداخل ظرف پراز آب می اندازند معتقدند وقتیکه سوره مبارکه «یس» را چهل بار قرائت نمایند ، در این فاصله اگر گردوها در سطح آب بهم بخورند معلوم می شود که سال تحویل شده است و اگر گردوها نه نشین شده و در ته آب دور از هم قرار گیرند می فهمند که هنوز سال تحویل نشده است . مرسوم است که زنان ده روز قبل از فرا رسیدن نوروز گندم سبز می کنند و آن نشانه فرا رسیدن بهار و سرسبز شدن مراتع و مزارع می باشد و آنرا تا سیزدهم فروردین ماه در خانه نگهداری می کنند.

کودکان قبل از تحویل سال توبره و یا دستمالی را پراز تخم مرغ ، غذا و شیرینی کرده و آنرا بوسیله طنابی بنام «قورشاخ» از سوراخ بام خانه یکدیگر پائین می اندازند و از این کار لذت فراوان می برند .

در عید نوروز همه مردم بخصوص بچه ها لباس نو می پوشند و هر قدر قدرت مالی خانواده ای زیاد باشد افراد آن خانواده بهمان اندازه لباس باارزش می پوشند. ترکمن چائپها پس از تحویل عید نوروز بدید و بازدید می روند. ابتدا بزرگترها در خانه می مانند تا آنها که کوچکترند بدید نشان بیایند و بعد هم خودشان به بازدید بروند. در دید و بازدیدهای عید نوروز، معمولا هر چند نفر که باهم بیشتر مانوسند همراه می شوند . آنها به هر خانه که وارد بشوند ، مبارکباد میگویند و شیرینی و میوه می خورند و پس از صرف چای به خانه ای دیگر می روند . بچه ها در هنگام بازدید بزرگترها، از آنان عیدیانه دریافت می کنند . پدر و مادرها باندازه توانائی مالی خودشان ، چند تومانی به بچه هایشان و به بچه های اقوامشان عیدی میدهند که آنرا در اصطلاح محلی «بایرام لخ» گویند .

کسانی که به بچه ها عیدی می دهند عبارتند از :

۱- پدر

۲- مادر

۱- Gurşâx

۲- Bâyrâm Iix = عیدی

۳- پدربزرگ

۴- مادربزرگ

۵- عموها

۶- دایی‌ها

۷- عمه‌ها

۸- خاله‌ها

۹- برخی از ریش سفیدان فامیل

«بایرام‌لخ» هم مانند «چرشنبه‌لخ» انواع مختلف دارد .

۱- پول نقد

۲- تخم مرغ رنگی که آنرا زنان بوسیله پوست پیاز رنگ می‌زنند .

۳- جوجه

۴- اسباب بازی

۵- يك جفت جوراب

۶- يك عدد پیراهن

۷- يك جفت کفش و نظایر آنها

وقتی که دید و بازدید فامیل‌ها و همسایه‌ها و اهل ده تمام شود ، دید و بازدید با مردم دهکده‌های همسایه شروع می‌شود و هرروز هشت الی ده ترکمن چائی برای تبریک گفتن بدهکده‌های همسایه می‌روند و یا عده‌ای از دهکده‌های همسایه به ترکمن چای می‌آیند تا سال نو را تبریک بگویند و دوستی و مودت خود را در سال نو تجدید نمایند . دید و بازدیدهای ترکمن چائی‌ها تا سیزده فروردین ماه طول می‌کشد . روز سیزده سال نو که به آن «سیزده بدر» گویند از ده بیرون می‌روند و کار خودشان را تعطیل می‌کنند معمولا افراد هر خانواده جهت تفریح در مزرعه متعلق به خودشان اجتماع می‌کنند و حتی ناهار را نیز در آنجا صرف می‌کنند .

مرسوم است که صبح روز «سیزده بدر» زنان سبزه‌هائی را که بوسیله دانه‌های

گندم سبز کرده‌اند از حیاط خانه به بیرون می‌اندازند و چنین می‌گویند «سیزدهی ده
له‌دیم» یعنی بعقیده آنان چون عدد سیزده يك عدد نحس می‌باشد بنابراین میگویند
«سیزده را ده کردیم» و با ادای آن نحوست برطرف می‌شود .

۳- مراسم عید قربان

عید قربان یکی از اعیاد بزرگ و مهم مسلمانان جهان بشمار میرود .
در ترکمن‌چای در این عید فرخنده حاجیان و کسانی که از قدرت مالی برخوردارند
گوسفند قربانی می‌کنند و گوشت آنرا در بین فامیل و همسایه تقسیم می‌نمایند .
و هر سهم را «قربان پایي»^۲ می‌گویند . البته کسانی که قدرت مالی آنها ضعیف بوده
و به تنهایی قادر به ذبح قربان نیستند ، در اینصورت اهالی هر محله مشترکاً يك
قربانی خریداری می‌کنند و بدین طریق عمل می‌نمایند .

یک نفر بعنوان قصاب و یا فرد خیر و با اطلاع از هر يك از اهالی بمیزان
قدرت مالی او پول جمع کرده و پس از خریداری يك گوسفند و یا گاو نر در میدان
محله ذبح می‌نمایند و گوشت حاصل از آنرا بین هر يك از مشترکین نسبت به سهم
تقسیم می‌کنند . این افراد بعد از تحویل گرفتن سهمیه خودشان بخانه برده و پس از
برداشتن سهمیه افراد خانواده بقیه را بین فامیل و همسایه‌ها تقسیم می‌کنند .

مرسوم است که هنگام ذبح قربانی یک نفر قرآن قرائت می‌کند و آنرا بگوشت
آن می‌دمد . عمل خواندن و دمیدن آنرا بگوشت قربان در اصطلاح محلی
«تیمورونی او خودی»^۳ گویند . با احترام آیات قرآن کریم و بعلت اینکه حیوان در اثر
قربانی شدن تقدیس شده استخوانهای آنرا در محلی دور از دسترس حیوانات
دفن می‌کنند .

۱- Sizdahi Oahaladim = سیزده را ده کردم

۲- Gurbân Pâyi

۳- Taymuruni oxudi - تیمورش را خواند

بکسانیکه از گوشت قربان بآنها احسان می کنند عبارتند از :

۱- دختران ازدواج کرده خانواده

۲- پسرانیکه پس از ازدواج خانواده مستقلی تشکیل داده اند

۳- به عروس خانواده که هنوز در حال نامزد می باشد

۴- فامیل های نزدیک

۵- همسایگان صمیمی

۶- همسایگانی که قدرت مالی آنها ضعیف است

نوع دیگر قربانی کردن در ترکمن چای قربانی نذری می باشد که مردم پس از

بر آورده شدن نیازشان ذبح می نمایند و گوشت آنرا بطریق مذکور تقسیم می نمایند .

صنایع دستی

امروزه مظاهر صنایع دستی در برابر هجوم آشکار کالاهای وارداتی در حال

از بین رفتن است . کاسه ، سطل ، تابه ، اجاق فلزی ، قاشق ، بشقاب چینی یا

آلومینیومی جایگزین ظرفهای سفالین ، قاشقهای چوبی و امثال اینها شده اند

پارچه های کارخانه باف که نفوش و تزئینات بومی را عیار به کرده اند در همه مناطق

در حال از بین بردن پارچه های دست بافت که بصورت پارچه های کم عرض در هم

تافته اند ، صندلی های آهنی و چمدانهای معمولی جایگزین نیمکت های چوبی دستی

و سبدهای دارای بافت و تزئینات زیبا می شوند .

هنرهای يك قوم مانند فولکلور نشان دهنده ذوق و استعداد آن قوم است .

در گذشته صنایع دستی در ترکمن چای رونق زیاد داشت بطوریکه در کنار

شغل کشاورزی يك شغل جنبی بعضی از افراد خانواده محسوب می شد و

روستائیان مواد اولیه آنرا در خود روستا تأمین می کردند . ولی امروزه صنایع دستی

در این بخش از رونق افتاده و به ندرت در بعضی از خانواده ها زنان پس از فراغت

از کارهای خانه و مزرعه به چنین کارهایی نیز اقدام میکنند :

- ۱- جوراببافی . زنان پشم گوسفند را در يك وسیله ای بنام «ئیی» می ریسند و بوسیله میل می بافند .
- ۲- عرقچین : در گذشته زنان عرقچین را از پارچه های معمولی که از بازار خریداری می شد دوخته و بوسیله نخ ابریشم با گلدوزی تزئین می نمودند .
- ۳- کیسه حمام : کیسه حمام را بوسیله میخ با بکار بردن نخ می بافند .
- ۴- گلیم و جاجیم بافی : گلیم و یا جاجیم را در دستگاه چوبی که باصطلاح محلی «دزگاه»^۲ گویند می بافند و مواد آن از پشم گوسفند و موی بز می باشد .
- ۵- فرش بافی : ترکمن چائیها در گذشته فرشهای اعلا و باارزش می بافتند که آثار آنها در برخی از خانه ها می توان مشاهده کرد . ولی اکنون فرش مورد نیاز خودشان را از دهات مجاور^۳ خریداری می کنند .
- ۶- شال پنجک^۴ : در گذشته در دستگاه چوبی پارچه بافی بوسیله پشم گوسفند پارچه ای بنام «شال پنجک» می بافتند که فرآورده آن جهت دوخت و دوز لباس مردان بمصرف می رسید .
- ۷- پاپاخ^۵ : در گذشته نوعی کلاه مردانه را از پوست پشم دار گوسفند می ساختند و آنها را پاپاخ می نامیدند .
- ۸- «داوارجخ»^۶ از چرم دباغ شده گوسفند درست می کنند و برای نگهداری غذای چوپانان از آن استفاده می کنند .
- ۹- «چارخ»^۷ : در گذشته روستائیان بجای کفش «چارخ» می پوشیدند و آنها را از چرم دباغی شده گاو می ساختند .

۱- (iy) - دوک

۲- Dazgâh - دستگاه

۳- معمولاً روستائیان مجاور تولیدات فرش و کلاه را در بازار ترکمن چای بفروش می رسانند

۴- şâlpanjak

۵- Pâpâx

۶- Dâvârjix

۷- çârIx - چارق

۱۰- «بارماخ‌جیل»^۱: وسیله‌ای است که کشاورزان موقع درو کردن گندم و جو بانگستان خودشان فرو می‌کنند و باندازهٔ هر یک از انگشتان دست از چرم درست می‌کنند .

پوشاک محلی مردم ترکمن‌چای

الف - پوشاک مردان

مردان ترکمن‌چای لباسهایی را که در گذشته می‌پوشیدند امروزه اثری از آنها دیده نمی‌شود زیرا در اثر معاشرت باشهرهای بزرگ فرم لباس آنها عوض شده‌است . پوشاک مردان ترکمن‌چای قبلاً بقرار زیر بود :

۱- «کوی‌نک»^۲: پیراهنی با یقهٔ تنگ تا قسمت ناف دگمه می‌گذاشتند و دگمه‌ها را معمولاً در قسمت راست می‌دوختند بطوریکه دگمه آخری در روی شانه قرار می‌گرفت .

۲- «تومان»^۳: ترکمن‌چائیها به شلوار «تومان» یا «دیزلیک»^۴ می‌گویند .

۳- «آرخالخ»^۵: ترکمن‌چائیها به کت مردانه «آرخالخ» گویند و آرخالخ از دو قسمت تنه و پائین‌تنه بصورت بهم دوخته که دامن فرم چین‌دار و قسمت تنه تازیر گلو دارای دگمه بوده است .

۴- «گی‌مه»^۶: ترکمن‌چائیها به پالتو مردانه «گی‌مه» گویند و پارچهٔ آنرا زنان از پشم گوسفند می‌بافند .

۱ - Bârmâxçil - انگشتانه

۲ - Köynak - پیراهن مردانه

۳ - Tumân - شلوار مردانه

۴ - Dizlik - شلوار مردانه

۵ - Ârxâlîx - کت

۶ - Gayma - پالتو

۵- «پاپاخ» یا «بویک»: مردان در گذشته از پوست پشم‌دار گوسفند کلاهی بنام «پاپاخ» می‌پوشیدند.

۶- «قوشاخ»: مردان ترکمن چای در گذشته جهت گرم نگهداشتن کمر خود از کمربندی بنام «قوشاخ» استفاده می‌کردند و آنرا زنان از پشم گوسفند می‌بافتند.

۷- «چارخ»: کفش مردان در گذشته «چارخ» بود که آنرا از چرم گاو می‌ساختند.

۸- جوراب پشم ساقه بلند، که ساق آن جهت گرم نگهداشتن پاها تا زانو می‌رسید و معمولاً این نوع جوراب را بهمراه چارق در مواقع زمستان و چوپانی می‌پوشیدند.

ب- پوشاک زنان

زنان ترکمن چای اصالت هفتاد، هشتاد سال پیش خود را در لباس پوشیدن بیخاطر کمی تماس با شهرها و تمدن شهری حفظ نموده‌اند.

۱- «دون»: دون لباس مخصوص زنان می‌باشد که از روی سایر لباسها می‌پوشند و تا بیست سانتی متر زیر زانو می‌رسد.

۲- «اتک»: زنان ترکمن چای از زیر «دون» دامنی «بنام» اتک می‌پوشند که دارای چین‌های متعدد میباشد.

۳- «تومان»: زنان از شلواری بنام «تومان» که از چیت دوخته شده است استفاده می‌کنند.

۱- Guşâx - کمر بند

۲- Don - لباس زنانه

۳- Atak - دامن

۴- Tumân - شلوار

اوزان و مقادیر

الف - اندازه گیری وزن

اوزانی که در داد و ستد مورد استفاده مردم قرار می گرفت با استثنای بعضی از این اوزان که منسوخ شده بخصوص بعد از برجیده شدن سیستم ارباب رعیتی و عبارتند از :

۱- منقال

۲- پونزه

۳- سیه

۴- چرك^۱

۵- باتمان^۲

۶- دنگه

۷- کیل^۳

۸- چاناخ^۴

۱ کیل = ۵ کیلو = ۱ من = يك چاناخ گندم

۱۶ پونزه = ۸ سیه = ۴ چارك = يكمن

يك چاناخ = ۲۰ دنگه

يك دنگه = ۵۰ منقال

۳ کیلو = يك من قند

جهت وزن کردن گندم از «چاناخ» و یا «کیل» استفاده می کردند ولی در اواخر

ارباب رعیتی بوسیله يك قوطی که گنجایش آن ۴۰ کیلو گرم بود سهم ارباب را با آن

جدا می نمودند اما در حال حاضر مقیاس وزن همان کیلو رایج می باشد .

۱ - çarak - چارك

۲ - Bâtmân - من

۳ - Kil

۴ - çânâx - کاه سفالی

ب - واحد طول

پیش از رایج شدن و استفاده از واحد متر برای اندازه‌گیری از «آرشن»^۱ استفاده می‌کردند که برابر بود با پنج وجب .

ج - واحد سطح :

واحد اندازه‌گیری زمین‌های زراعی یا مراتع بوسیله «ایب» یا مترمربع انجام می‌گیرد که مترمربع اخیراً رایج شده است .

۷۹۲ مترمربع = ۲۷ × ۲۷ مترمربع = يك «ایب»

۱۶ پونزه = ۹ ایب

ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها قسمتی از ادبیات شفاهی مردم را تشکیل می‌دهند که نمودار فرهنگ مردمان گذشته می‌باشند تا امروز سینه به سینه از اجداد گذشته بیادگار مانده است و اغلب بمناسبت اتفاقات و جریان‌های اجتماعی و تاریخی گفته شده است .

نمونه‌ای از ضرب‌المثل‌های مردم ترکمن‌چای :

۱- آتی ، آتن یانندا باغلاسان ، هم‌رنگ اولماسا هم‌خوی اولار

1- Âti Âtin yânindâ bâglâsân hamrang olmâsâ hamxuy olâr
ترجمه فارسی : چنانکه دو اسب را کنار هم نگهدارید، اگر هم‌رنگ نباشند، هم‌خوی خواهند شد .

۲- هم‌نی‌شی‌نووی باب اله گورن دسین هابله

2- Hamnišînuvî bâb âlâ gôran dasin hâbala .

ترجمه فارسی : دوست مناسب انتخاب کن تا مورد تحسین واقع شوی

۱ - ArsIn - آرشن

۳- قویون ، قوزی آباغی باساماز

3- Goyun guzi âyâgi bâsmâz

ترجمه فارسی : گوسفند پای بره را لگد نمی کند

۴- ایلان هریره ای ری گه تسه ، اوز یوواسنا دوز گه در

4- ilân har yare ayri gatsa öz yuvâsInâ düz gadar

ترجمه فارسی : مار بهر جا کج برود بخانه خودش راست میرود

۵- دؤز یولدان گه دن یورولماز

5- Cüz yoldân gadan yorulmâz

ترجمه فارسی : کسی که در راه راست قدم برمیدارد خسته نمی شود

۶- ئوزوی یورولموش بیلسن ، یولداشوی الموش بیل

6- Uzüvi yorulmuş bilsan yuldâşuvi Olmûş bil

ترجمه فارسی : اگر خودت را خسته میدانی ، دوستت را مرده دان

۷- قویونی درین قازان ، ئوزی دوشر

7- Guyuni darin gâzân özi düşar

ترجمه فارسی ، چاه کن چاه را هر قدر عمیق بکند خودش در ته آن است

۸- آشا، نه سال سان او چخار قاشغووا

8- Âşâ na sâlsân O çixâr gâşIquvâ

ترجمه فارسی : هر چه باش بیاندازی به قاشقت می آید

۹- اوزووه اینه باتر ، یولداشووا چووالدز

9- Uzüva iyna bâtır yoldâşuvâ çuvâldız

ترجمه فارسی : قبلا سوزن را در خود فرو کن ، بعد جوالدوز را به دوستت

چیستانها

ترکمن چائیها در اصطلاح محلل به چیستان «تاپماجا» گویند . در شبهای طولانی زمستان در کنار کرسی داغ برای گذراندن وقت خود و تفریح از یکدیگر «تاپماجا» می پرسند .

چند نمونه از «تاپماجا»های محلی را ذکر میکنیم :

۱- سؤال : داغدان گهلیر حلالی خانم ، اللری حنالی خانم ، چای قوروب ، چایداخ قوروب ، چتیری تومان چیت آرخالخ

1_ Dâgdân galir halli xânım, allari hanâli xânım, çây gurub çaydâx gurub, çatiri tumân çit ârxâlîx

ترجمه فارسی : خانم شیک پوشی در حالیکه بدستان خود حنا بسته از کوه پائین میآید و شلوار چتری و کت چیت پوشیده است

جواب : «کبک»

۲- سؤال : آلچاخ دامدان قار یاغار

2_ Âlçâx dâmdân gâr yâgâr

ترجمه فارسی : از کوه پست برف می بارد

جواب : «الک کردن آرد»

۳- دامدان داما دنگه لی گوز

2_ Dâmdân dâmâ, dangali göz

ترجمه فارسی : همه جا را با یک نظر می بیند

جواب «نگرگ»

۴- بیر آت دا چوللی داوشان

3_ Bir âttâ çölîi dâvşân

ترجمه فارسی : خرگوشی در یک اسب

جواب «مرده در روی تابوت»

به سوزن
در پشت بام اسب شیهه می کشد
۵- هامنی بهزر اوزی لوت گزر

4- HâmIni bazar özi lüt gazar

ترجمه فارسی : همه را زینت میدهد ولی خودش عربان می گردد

جواب «سوزن»

۶- دام دالندا ، آت کیشنر

5- Dâm dâlIndâ ât kişnar

ترجمه فارسی : در پشت بام اسب شیهه می کشد

جواب «ناودان»

«بایاتی»های محلی

دو بیتی‌های محلی ادبیات شفاهی آذربایجان که بنام «بایاتی» مشهور است ، یکی از رایج‌ترین انواع ادبیات عامیانه این سرزمین می‌باشد که بصورت منظوم بیان می‌شود . «بایاتی»ها که از زندگی عاطفی و رازونیزهای مردم پاك و ساده‌دل سرچشمه می‌گیرد و در قالب الفاظ روان و در خور فهم مردم جان می‌گیرند . بایاتی‌ها بطور وسیع در میان مردم رواج دارند و در طول نسل‌ها سینه به سینه بازگو شده و بصورت گنجینه فولکلوریک عامیانه در آمده است .

بایاتی‌ها از هر نوع عبارت‌پردازی عاری بوده و بصورت ساده و بی‌آلایش ادا می‌شوند تنوع در مضمون «بایاتی»ها یکی از جنبه‌های برجسته آنها است ، که می‌توان آنها را در زیرسرفصل‌های جداگانه تقسیم و قرارداد . مانند بایاتی‌های عاشقانه ، زندگی خانوادگی ، رنج ، فراق و انتظار ، درستکاری و مردانگی ، اندرز و حکمت ، معتقدات مردم در مورد بیماریها و لالائی‌ها و امثال آنها .

«بایاتی»ها از چهار مصرع ترکیب می‌شوند که مصرع‌های اول و دوم ، مقدمه مصرع سوم و چهارم محسوب می‌شوند و منظور اصلی معمولاً در دومصرع آخر افاده می‌شود .

چند نمونه از بایاتی‌های عاشقانه از زبان مردم ترکمن‌چای

۱

اوجا داغلاردان آشارام من

یاریم کمیز قوشارام من

حاجی قیزن ورسه لر

گرجی قیزن بوشارام من

عاشق

Uçâ dâglârdân âşârâm man

Yârlmâ kamiz goşârâm man

Hâji gızIn varsalar

Gürji gızIn boşârâm man

ترجمه : از فراز کوههای بلند عبور می‌کنم

و به معشوقه‌ام ترانه می‌سرایم

اگر دختر حاجی را بمن بدهند

دختر گرجی را طلاق می‌دهم

۲

باغا باخ بوستانا باخ

دیله باخ داستانا باخ!

باخیشی ایله اود ووران

گوزلری مستانا باخ

Bâqâ bâx bostânâ bâx

Dila bâx dâstânâ bâx

Bâxİşi ela od vurân

Gözlari mastânâ bâx

ترجمه : به باغ و بستان نگاه کن

به زبان و حکایتش گوش کن

نگاه او به ایل آتش می‌زند

به چشم مستانش نگاه کن

بولاغین باشینا باخ
 دیینین داشینا باخ
 من سؤدیگیم گؤزلین
 گؤزونه - قاشینا باخ

Bulâqın bâşınâ bâx
 Dibinin Dâşınâ bâx
 Man sövdügüm gözalin
 Gözüne - gâşınâ bâx

ترجمه : به سرچشمه نگاه کن
 به سنگ ته آن نگاه کن
 زیباروئی که اورا دوست دارم
 به چشم و ابروی او نگاه کن

اولدوزلار باتماز آغلار
 یاری اویاتماز آغلار
 یار یاردان آیری دوشسه
 گنجهلر یاتماز آغلار

Ulduzlâr bâtmâz âqlâr
 Yâri oyâtmâz âqlâr
 Yâr yârdân âyri düşsa
 Gajalar yâtmâz âqlâr

ترجمه : ستارگان ناپدید نمی شوند و گریه می کند
 معشوقه را بیدار نمی کند و گریه می کند
 اگر عاشق از معشوق خود جدا شود
 شبها به خواب نمی رود و گریه می کند

من عاشق سیزه داغلار
 قار یاغمش سیزه داغلار
 توتایدیم یار الیندن
 گلئیدیم سیزه داغلار

Man âşig siza dâqlâr
 Gâr yâqlîş siza dâqlâr
 Tutâydim yâr alindan
 Galeydîm siza dâqlâr

ترجمه : کوهها من عاشق شما هستم
 کوهها برف و باران مال شماست
 ای کاش از دست معشوقه ام می گرفتم
 به نزد شما می آمدم

یول اوستونده توز اولار
 توزون رنگی بوز اولار
 اگیل دسمالین گؤتور
 من گؤتورسم سؤز اولار

Yol üstünda toz olâr
 Tozun rangi boz olâr
 Ayil dasmâtın götür
 Man götürsam söz olâr

ترجمه : راهها گرد و غبار دارد
 رنگ بوز و غبار خاکستری می شود
 خم شو دستمال را بردار
 اگر من بردارم حرف درمی آورند

سارالمیشام سولموشام
بولود کیمی دولموشام
سارالمایم نیله ییم
یاریمدان آیرلمشام

Sârâlmîşâm solmuşâm
Bulod kimi dolmuşâm
Sârâlmâyîm - naylayim
Yârİmdân âyrİlmîşâm

ترجمه : رخسارم زرد شده رنگم پریده
مانند ابر باردار پر شده‌ام
چاره زرد شدنم چیست
از معشوقه‌ام جدا شده‌ام

گلینه باخ گلینه
زولفون آلب الینه
شیرین شیرین دانی شیر
من قوربانام دلبینه

Galina hâx galina
Zülfün âlb alina
şirin şirin dânlîşir
Man gurbânâm dilina

ترجمه : به عروس نگاه کن، به عروس
زلفانش را در دست گرفته
شیرین، شیرین صحبت می کند
به زبان او قربان هستم

یار گلیب یار گۆرمه‌یه
 عمرونی تار گۆرمه‌یه
 من باغچایا گلمزدیم
 گلدیم نوبار گۆرمه‌یه

Yâr galib Yâr görmaya
 Omrünü târ görmaya
 Man bâxçâyâ galmazdim
 Galdim nobâr görmaya

ترجمه : عاشق بیدار معشوق آمده
 سیاهی زندگیش را به‌بیند
 من به این باغچه نمی‌آمدم
 آمدم نوبرش را به‌بینم

جیرانم داغدان آشدی
 گۆردوم گۆزوم قاماشدی
 یارلا اوز - اوزه گلدیم
 بیردن دلیلم دولاشدی

Jayrânım dâgdân âşdi
 Gördüm gözüm gamâşdi
 Yârlâ üz - üza galdim
 Birdan dilim dolâşdi

ترجمه : آهوی من از کوه گذشت
 اورا دیدم ، چشمم خیره شد
 با معشوقه‌ام روبرو شدم
 یکمرتبه زبانم بند آمد

استکانین خاش خاشدی

نلبکیسی تیراشدی

بیردانا یاریم واردی

اوجا بوی قلم قاشدی

Istikânin xâşxâşdi

Nalbakisi tirâşdi

Birdânâ yârim vârdi

Ucâ boy galam gâşdi

ترجمه : استکان تو چین چین است

نعلبکی او هلالی است

معشوقه‌ای دارم

بلند قد و ابرو قلمی است

شمالدان بیر یئل اسدی

صبری قراریم کسدی

ساغ گوزوم سنه قربان

سول گوزوم منه بسدی

şumâldân bir yel asdi

Sabri garârim kasdi

Sâq gözüm sana gurban

Sol gözüm mana basdi

ترجمه : بادی از شمال وزید

صبر و آرامشم را بهم زد

چشم راستم فدای تو باشد

چشم چپم بر ایمن کافی است

«بایاتی»هایی که حاکی از خصایل مردانگی و صداقت و وفاداری
و نفرت و ریاکاری و نامردی می باشند

۱

عزیزیم کاسا دولماز
مرد الی کاساد اولماز
یؤز نامردین چؤره بین
دوغراسان کاسا دولماز

Azizim Kâsâ dolmâz
Mard ali kâsâd olmâz
Yüz nâmardin çörayin
Dogrâsân kâsâ dolmâz

ترجمه : عزیز من کاسه لبریز نمی شود
دست مردانه کسادی ندارد
نان صد نامرد را
خرد کنی کاسه پر نمی شود

۲

اگر سئوسه ائل سنی
بیخا بیلمز سئل سنی
نامرده بویون اگمه
قوی آپارسین سئل سنی

Agar sôvsa al sani
Yixâ bilmaz sal sani
Nâmarda boyun ayma
Goy âpârsln sal sani

ترجمه : اگر اهل ایل تورا دوست داشته باشد
سیل ترا نمی تواند بخاک اندازد
دست تمنا بطرف نامرد دراز مکن
بگذار سیل ترا ببرد

قوی گندیم یوردا منی
 تاپیشیر قوردا منی
 گۆزی یولدا قالان وار
 ئولدورمه بوردا منی

Goy gadim yurdâ mani
 Tâpîşîr gurdâ mani
 Gôzi yotdâ gâlân vâ
 Oldürma burdâ mani

ترجمه : بگذار به خانام بروم
 وساطت مرا به گرگت بکن
 در انتظارم کسی است
 مرا در اینجا مکش

او کیمدی آتار منی
 هر درده قاتار منی
 نامرد گلیب دوست اولماز
 دوستلوقدا ساتار منی

O kimdi âtâr mani
 Har darda gâtâr mani
 Nâmard galib mard olmâz
 Dostluxdâ sâtâr mant

ترجمه : او کیست که مرا رها می کند
 به درد دچار می نماید
 نامرد بجای دوست نمی شود
 در عالم دوستی مرا فدا می کند

عزیزیم دیل یاراسی
 ساغالماز دیل یاراسی
 هریارا ساغالسادا
 ساغالماز دیل یاراسی

Azizim dil yârâsi
 Sâqâlmâz dil yârâsi
 Har yârâ sâqâlsâdâ
 Sâgâlmâz dil yârâsi

ترجمه : عزیز من زخم زبان
 بهبود نمی یابد، زخم زبان
 همه زخمها بهبود می یابد
 باستثنای زخم زبان

عزیزیم گئدر قالماز
 آرخار سو گئدر قالماز
 وفالیه جان قربان
 بی وفا گئدر قالماز

Azizim gedar gâlmâz
 Âxâr su gedar gâlmâz
 Vafâliya jân gurbân
 Biyvfâ gedar gâlmâz

ترجمه : عزیز من می رود نمی ماند
 آب می رود و یکجا نمی ماند
 جان فدای شخص با وفا
 شخص بی وفا می رود نمی ماند

عزیزیم قزل قالا
 بشقابا قزل قالا
 نامرد گلیب مرد اولماز
 بویونجا قیزل قالا

Azizim gıZıl gâlâ
 Boşgâbâ gıZıl gâlâ
 Nâmard galib mard olmâz
 Boyunca gıZıl gâlâ

ترجمه : عزیز من طلا، انباشته کن
 بداخل بشقاب طلا انباشته کن
 نامرد هیچوقت مرد نمی شود
 اگر باندازه قامتش طلا انباشته کنی

عزیزیم آغلامازدیم
 گؤلردیم آغلامازدیم
 بولسیدیم وفان بودور
 سنه بئل باغلامازدیم

Azizim âqlâmâzdım
 Gülardım aglâmâzdım
 Bülsaydım vafân budur
 Sana bal bâqlâmâzdım

ترجمه : عزیز من گریه نمی کردم
 می خندیدم گریه نمی کردم
 اگر وفای ترا می دانستم
 بوفای تو کمر نمی بستم

چند نمونه از بایاتی هائیکه در هنگام فوت عزیزان خوانده می شود

۱

آغلایان باشدان آغلار
کپر یکدن قاشدان آغلار
قارداشی ئولن باجی
دورار او باشدان آغلار

Âqlâyân bâşđân âqlâr
Kiprtkdan gâşđân âqlâr
Gârdâşi òlan bâji
Durâr obâşđân âqlâr

ترجمه : گریه کننده از سر گریه می کند
با پلک و ابرویش یا تمام وجود گریه می کند
خواهر، برادر مرده را
برخاسته و سحرگاه گریه می کند

۲

غریبم وطن آغلار
حالیمآ ئوتن آغلار
غریبده جان وئره نین
حالینا کفن آغلار

Qaribam vatan âqlâr
Hâlmâ òtan âqlâr
Qurbatda jân veranın
Hâlnâ kafan âqlâr

ترجمه : به غریبی من وطنم گریه می کند
بحالم رهگذر گریه می کند
کسیکه در غربت بمیرد
بحال او کفنش گریه می کند

بو داغلار یالین داغلار
 محنتی قالین داغلار
 سیزده بیر ایگیت باسدیردیم
 کشیکده قالین داغلار

Bu dâqlâr yâlin dâqlâr
 Mahnaii gâlin dâqlâr
 Sizda bir igit bâsdirdim
 Kaşikda gâlin dâqlâr

ترجمه : ای کوههای عربان
 کوههای پر محنت
 جوانمردی را در این کوه بخاک سپردم
 ای کوهها نگهبان او باشید

گول آچماز قارا باغلار
 گوی باغلار قارا باغلار
 باغدا بولبول تولنده
 قیزیل گؤل قارا باغلار

Gül açmâz gârâ bâqlâr
 Göy bâglâr gâsâ bâqlâr
 Bâqdâ bülbül olanda
 Gızil gül gârâ bâqlâr

ترجمه : گل شکوفه نمیدهد و سیاه پوش می شود
 سبز و سیاه می پوشد
 موقعیکه در باغ بلبل بمیرد
 گل سرخ سیاه پوش می شود

بو داغلار اولو داغلار
چشمه لی سولو داغلار
بوردای بیر غریب ئولموش
گۆک کیشنر بولود آغلار

Bu dâqlâr ulu dâqlâr
Çaşmalı sulu dâqlâr
Bürdâ bir qarib ölmüş
Gök kişnar bulud âqlâr

ترجمه : ابن کوههای مقدس

دارای چشمه‌های پر آب
در اینجا غریبی مرده است
آسمان میسوزد و ابر میگریزد

من بئله دئمه میشدیم
غم - غصه دئمه میشدیم
ایستهردیم قوشا گزهک
من ئولؤم دئمه میشدیم

Man bala damamişdim
Qam - Qussa dәмamişdim
Istardim goşâ gazak
Man ölüm damamişdim

ترجمه : قول و قرارمان اینطور نبود

قرار ما غم و غصه نبود
آرزو داشتیم که باهم باشیم
در انتظار مرگ نبودم

چند نمونه از بایاتی هائیکه در مورد زندگی خانوادگی بنظم کشیده شده

۱

نامردی ، مردی تانی
اثل سئوهر مرد آتانی
اوغول شعورسوز چیخسا
ئولدورر درد آتانی

Nâmardi Mardi Tâni
El sövar mard âtâni
Oqul şuursuz çixsâ
Üldurar dard âtâni

ترجمه : مرد و نامرد را بشناس

پدر جوانمرد را قوم و خویش دوست دارند
اگر پسر نالایق باشد
پدر از شدت غم او می میرد

۲

الده عصا یاخشی دور
یاخشی اوتور یاخشی دور
یاخشی یورددا پیس اولاد
هئچ قالماسا یاخشی دور

Alda asâ yaxşidur
Yâxşi otur yâxşi dur
Yâxşi yurddâ pis ovlâd
Haç gâlmâsâ yâxşi dur

ترجمه : نگهداشتن عصا در دست بجاست

معاشرت خود را با مردم بهتر کن
در خانواده خوب پسر بد
اگر نماند بهتر است

داغلارین تازا قاری
 یاغیبدور تازا قاری
 آروادی پیس اولانین
 ساققالی تئز آغاری

DâqlârIn tâzâ gâri
 Yâqİbdur tâzâ gâri
 Ârvâdi pis olânIn
 Sâggâli tez aqâsi

ترجمه : برف تازه کوهها
 حالا باریده است
 اگر زن کسی بد اخلاق باشد
 ریشش فوراً سفید می شود

دایی - دایی جان دایی
 من سنه قربان دایی
 آنام پلو پیشریب
 گل بیزه مهمان دایی

Dâyi - Dâyi jân dâyi
 Man sana gurbân dâyi
 Ânâm pilov pişirib
 Gal biza mehmân dâyi

ترجمه : دایی - دایی جان من
 جانم فدای دایم
 مادرم پلو پخته
 بخانه ما مهمان بیا

چند نمونه از لالائی‌ها

۱

لای - لای دئدیم یاتینجا
گوزلهرم آی باتینجا
زارا امانا گلدیم
سن حاصله چاتینجا

Lây - Lây dadim yâtinjâ
Gözlaram ây bâlInjâ
Zâra âmânâ galdim
San Hâsila çâtinjâ

ترجمه : تا موقع خواب تو برایت لالائی گفتم
تا غروب مهتاب منتظر تو هستم
به تنگ آمدم
تا اینکه حاصل ترا به‌چینم

۲

لای - لای دئدیم آغلاما
اوره‌ییمی داغلاما
بؤیی بیر قوچ ایگیت اول
منه امید باغلاما

Lây - Lây dadim âqlâmâ
Urayimi dâqlâmâ
Böyi bir iqit ol
Mana ümid Bâqlâmâ

ترجمه : لالائی گفتم ، گریه مکن
دل را کباب مکن
بزرگ شو ، قهرمان شو
بمن امیدوار مباش

لای - لای دئدیم ئوجادان
 سسیم چیخمیر باجادان
 آلاه سنی ساخلاسین
 چیچکدن قیزیلجادان

Lây - Lây dadim ujâdân
 Sasim çixmîr bâjâdân
 Âllâh sani sâxlâsîn
 Çiçakdan gîziljâdân

ترجمه : بصدای بلند لالائی گفتم

صدایم از روزنهٔ خانه بیرون نمیرود
 خداوند ترا حفظ کند
 از سرخک و آبله

بالا دادی ، بال دادی
 بالا آدام آلدادی
 یاخشیسینا جان قربان
 پیسی وئرر بالا داغی

Bâlâ dâdi bâldâdi
 Bâlâ âdâm âldâdi
 Yâxîsîsnâ jân gurbân
 Pisi varar bâlâ dâqi

ترجمه : طعم فرزند ، طعم غسل میدهد
 فرزند انسان را فریب میدهد
 جان فدای فرزند خوب
 بدش داغ فرزند میدهد

۱- چیچک : یعنی گل که بزخم آبله گویند :

بایاتی هالیکه بعد از انعقاد عهدنامه ترکمن چای سروده شده است
بعضی از آنها به جدائی آذربایجان و قفقاز اشاره‌ها دارد

۱

آراز آخار قیفاچی
بو گلن ایکی باجی
بیری منیم شوگولوم
بیری باشی مین تاجی

Ârâz âxâr gaygâji
Bu galan iki bâjil
Biri manim sōvgüüm
Biri bâşImIn tâji

ترجمه : رود ارس با ناز و کرشمه جریان می‌یابد
این دو خواهر که در پیش روی ما می‌آیند
یکی معشوقه من است
یکی تاج سرم

۲

آرازین آغینا باخ
سینه‌مین داغینا باخ
گوئلون منی ایسته‌سه
محبت داغینا باخ

ÂrâzIn âqInâ bâx
Sinamin dâqInâ bâx
Gölün mani istasa
Mahabbat dâqInâ qâx

ترجمه : سفیدی آب ارس به بین
بسوز دل سینه‌ام نگاه کن
هر وقت برای من دلتنگ شوی
بکوه محبت نگاه کن

آراز آشاندا آغلار
 کور جوشاندا آغلار
 بالالار آناسیندان
 آیری دؤشنده آغلار

Arâz âşândâ âqlâr
 Kür joşândâ âqlâr
 Bâlâlâr ânâsIndân
 âyri düşanda âqâr

ترجمه : ارس موقع طغیان گریه می کند
 موج از نهایت شدت گریه می کند
 کودکان از مادرشان
 هنگام جدائی گریه می کنند

آرازی آیردیلار
 قومونان دو یوردولار
 من سندن آیریلمازدیم
 ظلمنن آیردیلار

Arâzi âyirdîlâr
 Gumunân doyardulâr
 Man sandan âyirilmâzdîm
 Zûlmünan âyirdîlâr

ترجمه : ارس را تقسیم کردند
 با شن کورش کردند
 من و تو جدا نشدنی بودیم
 با ظلم و ستم جدا کردند

عهدنامهٔ ترکمان چای

یکی از وقایع مهم در تاریخ ایران عقد معاهدات
ترکمن‌چای در سال ۱۸۲۸ میلادی است . پس از شکست
ایران از روسیه . در قریه ترکمن‌چای بین عباس میرزا
ولیعهد فتحعلی شاه و فرمانده قشون ایران به نمایندگی
از طرف دولت ایران و سردار پاسکویچ ایراوانسکی
فرمانده قشون روس از طرف امپراطوری روسیه تزاری
معاهده صلح و یک عهدنامه تجارتنی و یک قرارنامه
در سنه سابق‌الذکر با مضاء رسید . بمناسبت اهمیت آن
در این مجموعه آورده می‌شود .

- اول - معاهده سیاسی ترکمن‌چای
- دوم - معاهده تجارتنی ترکمن‌چای
- سوم - صورت مجلس در باب پذیرائی سفراء کبار
و مأمورین سیاسی

عهدنامه صلح مابین ایران و روسیه در ترکمان‌چای بتاریخ ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ مطابق پنجم شهر شعبان ۱۲۴۳

بنام خداوند متعال

چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت قوی شوکت معظم نامدار امپراطور و صاحب اختیار کل ممالک روسیه بالسویه و ازصمیم قلب مایل هستند که برصدمات محاربه که مخالف میل طرفین است نهایی داده و مجدداً روابط قدیمه حسن همجواری و مودت را مابین مملکتین بوسیله صلحی که فی حدذاته متضمن اساس امتداد و دافع میانی اختلاف و برودت آتیه بوده باشد برپایه و بنائی محکم استوار دارند، لهذا وزرای مختار خود را که برای این امر سودمند مامور هستند از اینقرار معین داشتند .

از طرف اعلیحضرت امپراطور کل روسیه «ژان پاسکیه‌ویچ» آجودان جنرال و سرقیب پیساده نظام، فرمانده اردوی قفقازیه، کفیل امسور غیر نظامی گرجستان و حاجی ترخان و قفقازیه، رئیس قوه بحریه دریای خزر، دارای نشان آلکساندرنوسکی مکمل بالماس و نشان سنت آن از درجه مکمل بالماس و سن ولادیمیر از درجه اول و سن ژرژ از درجه دوم و دوشمشیر افتخاری که یکی مرصع و دیگری طلا که روی آن ایتطور نوشته شده، (برای شجاعت) و دارای نشان عقاب قرمز از درجه اول و نشان هلال عثمانی و غیره و الکساندر ابروسکوف کنسیده‌تا و پیشخدمت اعلیحضرت

امپراطور ، دارای نشان سن ولادیمیر از درجه سوم و سن استانیسلاس لهستان از درجه دوم سن ژان بیت المقدس ، و از طرف اعلیحضرت شاهنشاه ایران حضرت اشرف شاهزاده عباس میرزا .

وزرای مختار طرفین پس از آنکه در ترکمن چای اجلاس کرده و اختیار نامهای خود را مبادله و آنرا موافق قاعده و مرتب به ترتیبات شایسته یافتند، فصول ذیل را منعقد و برقرار داشتند .

فصل اول - از امروز ببعد مابین اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور روسیه و نیز مابین ممالک و وراث و اخلاف و اتباع اعلیحضرتین صلح و وداد و مودت کامله علی الدوام برقرار خواهد بود .

فصل دوم - چون مخاصمه طرفین معظمین که بسعادت امروز باختتام رسید ، تمهیدات عهدنامه گلستان را باطل میدارد ، لهذا اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل روسیه چنین صلاح دیدند که بجای عهدنامه مزبور مواد و شرایط ذیل را که مبنی بر ازدیاد و استحکام روابط آتیه مودت و صلح مابین روسیه و ایران است برقرار نمایند .

فصل سوم - اعلیحضرت شاهنشاه ایران از طرف خود و اخلاف و وراث خود ، خانان ایروان را که در دو طرف رود ارس واقع است و نیز خانان نخجوان را بملکیت مطلقه بدولت روس واگذار میکند ؛ بناء علیهذا ، اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشود که دفاتر و اسنادیکه راجع بحکومت و اداره خانان فوق الذکر است متنها در ظرف شش ماه از امضای این عهدنامه بمامورین روس تسلیم نمایند .

فصل چهارم - دولتین معظمتین معاهدتین قبول نمودند که خط سرحدی مابین دولتین از اینقرار ترسیم شود :

این خط از نقطه سرحد دولت عثمانی که بخط مستقیم نزدیکترین راه بقله کوه آخری کوچک است شروع شده بقله مزبوره رسیده و از آنجا بسرچشمه رود قراسوی سفلی که از دامنه جنوبی آخری کوچک جاری است فرود میآید ،

پس از آن خط سرحدی طول مجرای این رود را الی محل التقای آن با رود ارس که محاذی شرور است طی نموده و از اینجا مجرای رود ارس را متابعت کرده و بقلمه عباس آباد میرسد . از استحکامات خارجی این قلعه که در ساحل راست ارس است خطی که طول آن نیم آغاج یعنی سه ورست و نیم روسی بوده باشد به تمام جهات کشیده خواهد شد و تمام اراضی که در حدود این خط واقع میشود منحصر بدولت روس بوده و در ظرف دو ماه از تاریخ امروز بطور دقت تخطیط خواهد شد . از محلی که طرف شرقی این خط متصل بسرود ارس میشود خط سرحدی مجرای رود مزبور را الی گذاردی بلوک متابعت میکند و خاک ایران از این نقطه اخیر الی سه آغاج یعنی بیست و یک ورست روسی در طول مجرای ارس امتداد مییابد ، بعد از وصول باین محل خط سرحدی جلگه منان را بطور مستقیم گذشته بمحلی از مجرای بالهارود خواهد آمد که در سه آغاجی یعنی بیست و یک ورست پائین تر از ملتقای دو رود آدینه بازار و ساری قمیش واقع است .

پس از آن خط سرحدی از ساحل چپ بالها رود الی ملتقای دو رود مزبور ، آدینه بازار و ساری قمیش صعود کرده و از آنجا در ساحل راست رودخانه آدینه بازار شرقی الی سرچشمه آن ممتد و از سرچشمه مزبور الی قله تپه های جگیر میرسد ، بطوریکه تمام آبهاییکه بطرف دریای خزر جاری است متعلق بروسیه بوده و تمام آبهایی که جریانشان بطرف ایران است تعلق بدولت علیه خواهد گرفت .

چون در اینجا حدود دولین بواسطه تیزه کوهها محدود میشود ، لهذا مقرر است که دامنه این کوهها که بسمت دریای خزر تمایل دارد متعلق بدولت روس بوده و دامنه آنطرف کوهها اختصاص بایران خواهد داشت . از تیزه تپه های جگیر خط سرحد ، کوههایی را که فاصل بین طالش و ارشق است متابعت نموده و بقله کمروئی میرسد و قللی که فاصل دامنه دو طرف کوه های مزبور است در اینجا تحدید حدود مینماید ، بهمان قسم که در باب مسافت مابین سرچشمه آدینه بازار و قله جگیر ذکر شد .

پس از آن خط سرحد از قلّه کمرقوئی تیزه کوه‌هایی که بلوک زون‌درا از لرشق جدا
مینماید متابعت نموده و بمحلی که حدود بلوک ولکیج است میرسد و ترتیبی که در باب
جریان آب ذکر شده است مراعات خواهد شد و از اینقرار بلوک زوند با استثنای قسمتی
که در آنطرف کوه‌های مزبور است متعلق بروسیه خواهد بود .

از محلی که حدود بلوک ولکیج است خط سرحد بین الدولتین قلل کوه کلپوتی
و قلل سلسله عمده کوه‌هایی که از بلوک ولکیجی میگذرد متابعت نموده و بسرچشمه
شمالی رودخانه موسوم به آستارا میرسد و اینجا هم مسئله جریان آب چنانچه در فوق
ذکر شده است مرعی می‌باشد .

از آنجا خط سرحدی مجرای آستارا را الی مصب آن در دریای خزر طی نموده
و حدود خاک دولتین را با تمام می‌رساند .

فصل پنجم - اعلیحضرت شاهنشاه ایران محض اثبات دوستی خالصانه که
نسبت به اعلیحضرت امپراطور کل روسیه دارند ، بموجب همین فصل از طرف خود
و از طرف وراث و اخلاف خود واضحاً و علناً تصدیق مینمایند که ممالک و جزایری که
مابین خط تحدیدی فصل اخیر و تیزه جبال قفقاز و دریای خزر است و همچنین اهالی
بدوی و غیره این نواحی متعلق بدولت روسیه می‌باشد .

فصل ششم - محض تلافی مصارف کثیره که از این جنگ بین الدولتین برای
مملکت روسیه حاصل شده و در عوض خسارات و ضرر‌هایی که بدین جهت باتباع
روس رسیده است اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشوند که وجه خسارتی تادیه
کرده مصارف و ضررهای مزبور را جبران نمایند .

طرفین معظمین معاهدین این وجه خسارات را بده کرورتومان رایج یا بیست
ملیون مناط نقره معین کرده و مقرر میدارند که ترتیب اقساط و تضمین تادیه آن در
قرارداد مخصوص مرتب شود . اعتبار و استحکام قرارداد مزبور بحدی خواهد بود
که گانه ، لفظ بلفظ در همین عهدنامه درج شده باشد .

فصل هفتم - چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران چنین صلاح دیدند که حضرت

اشرف عباس میرزا ، همایون فرزند خود را وارث و ولیعهد فرمایند لهذا اعلیحضرت امپراطور کل روسیه محض اینکه نیات دوستانه خود را مکشوف و میلی را که در مساعدت باستحکام این نوع وراثت دارد مشهود خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران نمایند متعهد میشوند که از امروز شخص حضرت عباس میرزا را وارث و ولیعهد دولت ایران شناخته و ایشان را از حین جلوس بتخت سلطنت سلطان حقه این مملکت بدانند .

فصل هشتم - سفاین تجارتی روس مثل سابق حق خواهند داشت که بطور آزادی در دریای خزر و در امتداد سواحل آن سیر کرده و بکنارهای آن فرود آیند و در موقع شکست و غرق در ایران معاونت و امداد خواهند یافت و سفاین تجارتی ایران هم حق خواهند داشت که بقرار سابق در بحر خزر سیر نموده و بسواحل روس بروند و در صورت غرق و شکست هم بآنها کمک و امداد خواهد شد .

اما در باب کشتی های جنگی ، چون آنهاییکه بیدق نظامی روس دارند از قدیم الایام بالانفراد حق سیر در بحر خزر را داشته اند، حال هم بدین سبب این امتیاز منحصر بهمان کشتی ها خواهد بود . بطوریکه بغیر از دولت روسیه دولت دیگری حق نخواهد داشت که سفاین جنگی در دریای خزر داشته باشد .

فصل نهم - چون مکنون خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل روسیه این است که در استحکام روابطی که بسعادت و میمنت مجدداً مابین دولتین استقرار یافته است سعی و کوشش نمایند، مقرر میدارند که سفراء کبار و وزراء مختار و شارژدافرهائیکه خواه برای انجام مأموریت موقتی و خواه بجهت اقامت دائمی بدربار یکدیگر فرستاده میشوند بفرآخور مقام خود و موافق شأن و حیثیت طرفین و مطابق مودت و اتحاد بین الدولتین و نیز بر حسب عادات مملکتی مورد اعزاز و احترام شوند ، علیهذا در باب تشریفات که باید از طرفین ملحوظ و منظور شود دستورالعملی مخصوص مقرر خواهد شد .

فصل دهم - چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل

روسیه استقرار و توسعه روابط تجارتي مابین دو دولت را از نخستین فواید اعاده صلح میدانند، چنین صلاح دیدند که ترتیباتی که راجع بحفظ تجارت و امنیت اتباع دولتین است در يك مقاله نامه علیحده بطور مرضی الطرفین نگارش یابد و این مقاله نامه که مابین وزرای مختار طرفین انعقاد و باین عهدنامه انضمام خواهد یافت مثل این است که جزء متمم همین عهدنامه صلح بوده باشد .

اعلیحضرت پادشاه ایران بدولت روس حق میدهد که کمافی السابق هر جا که بجهت منافع تجارتي لازم باشد بانجا قونسول و وکیل تجارتي بفرستد و متعهد میشوند که این قونسول و وکلای تجارتي را که من تبع هر يك زیاده ازده نفر نخواهد بود از حمایت و احترامات و امتیازاتی که لازمه سمت و رسمیت آنهاست بهره مند سازد. اعلیحضرت امپراطور روسیه هم وعده میدهد که رفتار بمثل را در ماده قونسول و وکلای تجارتي اعلیحضرت شاهنشاهی منظور دارد .

در صورت شکایت حقه دولت ایران از یکی از مأمورین یا قونسولهای روس، وزیر مختار یا شارژدافری که در دربار دولت علیه ایران اقامت و باین اشخاص ریاست بلافاصله دارد مشارالیه را از مأموریت خود خلع کرده و موقتاً کفالت کار او را بهر کس صلاح داند واگذار خواهد کرد .

فصل یازدهم - پس از حصول صلح، بامور و دعاوی اتباع طرفین که بواسطه وقوع جنگ در عهده تعویق مانده بود مراجعه شده و از روی عدالت قطع و فصل خواهد شد و مطالباتی که اتباع طرفین از یکدیگر یا از خزانه جانبین دارند بالتمام عاجلاً تأدیه خواهد شد .

فصل دوازدهم - طرفین معظمین معاهدین نظر بمنافع اتباع خود متفق الرأی شدند که برای اشخاصی که در دو طرف رود ارس دارای اموال غیر منقوله هستند مهلتی سه ساله قرار دهند که مومی الیهم بتوانند آنرا بطور دلخواه بمبایعه و معاوضه برسانند، ولی اعلیحضرت امپراطور کل روسیه تاحدی که این شرط راجع بخود اوست حسین خان سردار سابق ایروان و برادرش حسن خان و کریم خان حاکم سابق نخجوانرا از انتفاع مدلول شرط مزبوره مستثنی میدارد.

فصل سیزدهم - تمام اسراء جنگی را که طرفین در هنگام محاربه اخیره و یا قبل از آن دستگیر کرده‌اند و همچنین اتباع دولتی که در اوقات سایره اسیراً گرفتار شده باشند در ظرف چهار ماه مسترد خواهند شد .

بعد از آنکه باین اشخاص ارزاق و اشیاء لازمه داده شد ، مومی‌الیهم را بطرف عباس‌آباد حرکت داده و در آنجا به کمیسرهاییکه از طرفین برای استرداد و تهیه اعزام به اوطان ایشان مأمور شده‌اند تسلیم خواهند کرد .

درباره اسراء جنگی و اتباع دولتی که به اسیری گرفتار شده و بسبب بعد مکان آنها و یا بعلت دیگری در ظرف مدت فوق مسترد نشده‌اند طرفین معاهدین همین ترتیبات را مرعی و مجری خواهند داشت .

دولتین ایران و روس مخصوصاً این حق را برای خود قرار میدهند که برای وقت کان ، این قبیل اشخاص را مطالبه نمایند و ملتزم میشوند که هر وقت خود اسراء اظهار کرده یا از طرفین مطالبه شدند مومی‌الیهم را مسترد سازند .

فصل چهاردهم - دولتین معظمتین معاهدتین اخراج فراری‌ها و ترانس‌فوزهای^۱ را که قبل از جنگ یا در مدت آن به تحت اطاعت و حکومت طرفین آمده باشند مطالبه نخواهند کرد . ولی چون مناسبات خفیه بعضی از ترانس‌فوزها با تابعین و هموطنان سابق موجب حصول نتایج مضره میشود لهذا محض دفع و جلوگیری این نتایج ، دولت علیه ایران متعهد میشود که در متصرفات خود که مابین حدود ذیل واقع است حضور و توقف اشخاصیکه الحال یا بعدها باسمه مشخص خواهد شد روا ندارد و مقصود از حدود ، از یکطرف رود ارس و از طرف دیگر خطی است که بواسطه رود جهریق و دریاچه ارومی و رود جغتور و رود قزل‌اوزن الی مصب آن در دریای خزر ترسیم میشود .

اعلیحضرت امپراطور کل روسیه نیز وعده میدهد که در خانات قرا باغ و

۱ - کسیکه از اردوی خود باردوی خصم رفته باشد «Transfuges»

نخجوان و در قسمت خانات ایروان که در سمت راست واقع است ترانس فوژهای ایرانی را نگذارد توطن و سکنی نمایند ، و لیکن مقرر است که این ماده صورت لزوم نخواهد یافت مگر درباره اشخاصیکه طرف رجوع عامه یا دارای بعضی مقامات دیگر هستند ، از قبیل خوانین و پیکها و رؤسای روحانی ، یعنی ملاها که اعمال شخصی و تحریک و مناسبات خفیه ایشان باعث سوء اثر درباره هموطنان و تابعین قدیم آنها میشود و اما در خصوص نفوس عامه مملکتین مقرر است که اتباع دولتین که به مملکت یکدیگر رفته یا در آتیه بروند آزاد هستند که در هر جایی که آن دولت یعنی دولتی که این اشخاص در حیطة حکومت و اقتدار آن درآمده اند صلاح داند توطن و سکنی نمایند .

فصل پانزدهم - چون قصد سلیم و نیت خیریت عمیم اعلیحضرت شاهنشاه ایران این است که ممالک خود را مرفه الحال و اتباع دولت علیه را از تشدید مصائب و صدمات حاصله این جنگ که به سلم و سعادت ختم شده است مصون و محفوظ دارد لهذا درباره تمام اهالی و کارگذاران آذربایجان عفو کامل و رحمتی شامل مبذول میدارند بطوریکه هیچیک از این اشخاص چه بجهت عقاید و نیت و چه از حیث رفتار و کرداری که در موقع جنگ یا در مدت تصرف ایالت مزبوره از ایشان بظهور رسیده مورد تعرض و اذیت واقع نخواهد شد و علاوه بر این از امروز مهلتی یکساله بآنها داده میشود تا اینکه بطور آزادی از ممالک ایران باکسان خود بممالک روسیه و اموال منقوله خود را بخارج حمل نموده و بفروش برسانند، بدون اینکه دولت علیه ایران با کارگذاران محلی اندک ممانعتی نموده و از اموال و اشیائیکه فروخته یا بخارج حمل میشود حقوق و مرسوم در یافت یا تکالیفی در مورد آن بگذارند . اما در باب اموال غیر منقوله بمومی الیهم پنج ساله مهلت داده میشود که اموال مزبوره را بفروش برسانند یا بطور دلخواه انتقال و انتزاع نمایند .

کسانیکه در این مدت یکساله مجرم به جنحه و جنایت و مستوجب سیاست معموله دیوانخانه شوند از این عفو مستثنی خواهند بود .

فصل شانزدهم - وزرای مختار طرفین بمجرد امضای این عهدنامه صلح عاجلا
بتمام نقاط اعلام و احکام لازمه خواهند فرستاد که مخاصمه را بلا تأخیر ترك نمایند.
این عهدنامه که به نسختین و بیک مدلول نوشته شده و بامضا و مهر وزرای
مختار طرفین رسیده است بتصویب و تصدیق اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت
امپراطور کل روسیه خواهد رسید و تصدیق نامجات معتبره که دارای امضای ایشان
بوده باشد در ظرف چهارماه و در صورت امکان زودتر بتوسط وزرای مختار طرفین
مبادله خواهد شد .

بتاریخ دهم ماه فوریه سال خجسته فال سنه ۱۸۲۸ مطابق پنجم شعبان سنه
۱۲۴۳ هجری در ترکمانچای تحریر شد .

عهدنامه تجارتي که ما بين ايران و روس در ترکمان چای بتاریخ ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ مطابق ۵ شعبان ۱۲۴۳ منعقد شده

بنام خداوند متعال

فصل اول - چون طرفین معظمین معاهدین مایل هستند که اتباع خود را از کلیه فواید و منافع که از آزادی تجارت حاصل میشود بهره مند سازند، لهذا تفصیل ذیل را مقرر داشتند :

اتباع روس که دارای تذکره صحیح بوده باشند میتوانند در تمام نقاط خاک ایران به تجارت اشتغال ورزیده و نیز بدول همجوار آن مملکت بروند، در ازای آن رعایای ایران هم میتوانند که از دریای خزر و یا از سرحد خشکی که فاصل بین دولتین است مال التجاره خود را بروسیه وارد کرده و بمعاوضه رسانند و نیز در روسیه متاع دیگر خرید کرده و بخارج حمل کنند .

مومی الیهم در ممالک اعلیحضرت امپراطور روس از تمام حقوق و امتیازاتی که بر رعایای دول کامله الوداد داده شده است بهره مند خواهد بود .

در صورت وفات یکی از اتباع روس در ایران ، اموال منقوله و غیر منقوله او نظر بتعلق برعیت دولت دوست ، بالتمام با اقوام یا شرکاء او داده میشود و مشارالیهم در صورتیکه صلاح دانند حق خواهند داشت که اموال مزبوره را انتقال و انتزاع دهند . در صورت فقدان اقوام یا شرکاء ، اختیار اموال مذکوره بسفارت یا قونسول

روس مقیم ایران واکگذار خواهد شد بدون اینکه از طرف کارگذاران محل ممانعتی بظهور رسد .

فصل دوم - کنترات و بروات و ضمانت نامه ها و سایر قراردادهای کتبی که راجع بامور تجارته است و مابین رعایای طرفین منعقد میشود در نزد حاکم (قاضی عرف) و قونسول روس و درجائی که قونسول نباشد فقط در نزد حاکم ثبت خواهد شد تا اینکه در صورت وقوع منازعه مابین طرفین بتوان تحقیقات لازمه را بعمل آورد و عدلا رفع اختلافات نمود .

اسنادی که بطور فوق الذکر تصدیق و نگاشته شده باشد در هر محکمه عدلیه معتبر خواهد بود و اگر شخصی بدون اسناد مزبوره بخواهد با طرف مقابل ترافع نماید و بغیر از شهود دلیل دیگری اقامه نکند مسموع نخواهد شد مگر اینکه مدعی علیه اقامه شهود او را قبول کند .

تعهداتی که بترتیب فوق الذکر مابین رعایای دولتین وقوع مییابد بدون کم و کسر مرعی و معمول خواهد گردید و اگر یکی از طرفین از اجرای مدلول آن امتناع کرده و باعث ضرر طرف مقابل شود باید خسارت وارده را عهده نماید .

در صورت ورشکستگی یکی از تجار روس در ایران ، حقوق ارباب طلب از اموال و اشیاء شخص ورشکست داده میشود ، ولی اگر وزیر مختار و شارژدافر یا قونسول روس خواهش شود که تحقیق کرده و معلوم نمایند آیا شخص ورشکست در روسیه بعضی اموال دارد که طلبکاران بتوانند از آن استیفای حق نمایند مشارالیهم نباید در تحقیق این مسئله مساعی جمیله خود را مضایقه دارند . ترتیبات مقرر در این فصل بالمقابله در مورد رعایای ایران که در روسیه در تحت حمایت قوانین آن مملکت تجارت می نمایند مرعی و معمول خواهد بود .

فصل سوم - محض اینکه تجارت اتباع مملکتین از منافع که موضوع شروط سابقه الذکر است بطور محکم بهره مند شوند ، مقرر میشود که از مال التجاره ای که اتباع روس بایران وارد و از آن مملکت خارج میکنند و نیز از امتعه ایران که اتباع

دولت علیه از راه بحر خزر و یا از سرحد خشکی بین الدولتین بمملکت روسیه حمل مینمایند و هکذا از مملکت روسیه و از طریق فوق الذکر خارج میکنند کما فی السابق حقوق صدی پنج فقط یکدفعه در موقع ورود یا خروج دریافت شده و علاوه بر آن هیچگونه حقوق گمرکی مطالبه نشود .

دولت روس تعهد مینماید که در صورتی هم که لازم دانست دستور العمل گمرکی و تعرفه جدید برقرار نماید ، مهذا بر حقوق صدی پنج فوق الذکر چیزی نیفزاید .

فصل چهارم - اگر دولت ایران یا روس بادلوت دیگری در مقام جنگ بوده باشد رعایای مملکتین ممنوع نخواهند بود از اینکه با مال التجاره خود از خاک یکدیگر عبور کرده و بمملکت محارب روند .

فصل پنجم - چون موافق رسوم جاریه مملکت ایران اتباع خارجه باشکال خانه و مغازه و امکنه وضع مال التجاره برای اجاره پیدا مینمایند ، لهذا اتباع روس علاوه بر حق اجاره مجاز میباشند که خانه ای برای سکونت و مغازه و امکنه برای وضع مال التجاره بحیطه ملکیت در آورند. کارگذاران دولت علیه ایران مأذون نیستند که عنفاً داخل خانه و مغازه و امکنه مزبوره شوند . در صورت لزوم باید باستیزان وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول روس مراجعه کنند و مشارالیهم دراگومن یا یکی از اجزاء خود را مأمور خواهند کرد که در موقع معاینه خانه یا مال التجاره حضور بهم رسانند .

فصل ششم - چون وزیر مختار و شارژدافر اعلیحضرت امپراطور روس و نیز اجزاء سفارت و قونسولها و دراگومن ها اشیائی که متعلق به ملبوس است و همچنین غالب ضروریاتی که بجهت معیشت آنها لازم است در ایران پیدا نمیکند، علیهذا مأذون هستند که بدون ادای حقوق و سایر تکالیف، اشیائی که فقط مخصوص مصارف خودشان است وارد نمایند . درباره مأمورین رسمی اعلیحضرت شاهنشاه

۱- مترجم، خصوصاً مترجم السنه شرقی مانند فارسی، عربی و ترکی «Dragoman»

ایران مقیمین ممالک روسیه ، رفتار بمثل از این حیث کاملاً منظور خواهد بود .
اتباع ایران که جزء من تبع وزیر مختار و شارژدافر یا قونسول بوده و بجهت خدمت مشارالیهم لازمند ، مادامیکه در نزد ایشان هستند مانند اتباع روس و بالسویه از حمایت آنها بهره مند خواهند بود. ولی اگر یکی از این اشخاص مرتکب جنحه و بدین سبب مورد سیاست قوانین جاریه شود وزیر ایران یا حاکم و در صورت فقدان او کارگذاران محلی که حق این اقدام را داشته باشند فوراً از وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسولی که شخص مظنون در خدمت او است تسلیم مومی الیهرا خواهند خواست و اگر این عنوان مبنی بر دلایلی است که تقصیر شخص متهم را ثابت مینماید وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول در قبولی این خواهش نباید هیچگونه اشکالی نمایند .

فصل هفتم - تمام امور متنازع فیها و مرافعاتی که مابین اتباع روس بوقوع میرسد موافق قوانین و رسوم دولات روسیه فقط برسدگی و حکم سفارت یا قونسولهای اعلیحضرت امپراطور روس رجوع خواهد شد^۱.

و همچنین است اختلافات و دعاوی واقعه مابین اتباع روس و اتباع مملکت دیگری ، در صورتیکه طرفین بحکومت مشارالیهم تراضی نمایند .

اختلافات و مرافعاتیکه مابین اتباع ایران و روس بظهور میرسد مراجعه بحاکم شده رسیدگی و حکم آن باید در حضور دراگومن سفارت یا قونسولگری بعمل آید .
باین قبیل دعاوی که بروفق قانون عدالت ختم شده است مجدداً رسیدگی نمیشود و اگر تجدید رسیدگی لزوماً اقتضا نمود باید باستحضار وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول روس و در حضور دراگومن سفارت یا قونسولگری در یکی از دفترخانه های اعلیحضرت شاهنشاه ایران که در تبریز و در طهران منعقد است تجدید رسیدگی بعمل آمده و حکم داده شود .

۱ - مقصود این است که مرافعات مابین تبعه روسیه باید رجوع به سفارت یا قونسول شود و مشارالیهم موافق قوانین روسیه رسیدگی کرده و حکم دهند .

فصل هشتم - چون وزیر مختار و شارژدافر و قونسول حق قضاوت درماده هموطنان خود دارند لهذا در صورتیکه مابین اتباع روس قتل و جنایتی بوقوع رسد رسیدگی و محاکمه آن راجع بمشارالیهم خواهد بود .

اگر شخصی از اتباع روس با اتباع مملکت دیگری متهم بجنایتی گردید ، مورد هیچگونه تعرض و مزاحمت نخواهد بود مگر در صورتیکه شراکت او در جنایت مدلل و ثابت شود و در اینصورت و نیز در صورتیکه تبعه روس بشخصه منسوب به مجرمیت شده باشد محاکمات مملکتی بدون حضوری مأموری از طرف سفارت یا قونسول روس نباید به مسئله جنایت رسیدگی کرده و حکم دهند و اگر در محل وقوع جنحه سفارت یا قونسولگری وجود ندارد کارگزاران آنجا مجرم را به محلی اعزام خواهند داد که در آنجا قونسول یا مأموری از طرف روسیه برقرار شده باشد . حاکم و قاضی محل استشاداتی را که بر علیه و له شخص مظنون است تحصیل کرده و امضاء مینماید و این دو قسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده و به محل محاکمه فرستاده میشود سند و نوشته معتبر دعوی محسوب خواهد شد مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آنرا بطور واضح ثابت نماید .

پس از آنکه کما هو حقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسیده و حکم صادر شد ، مومی الیه به وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول روس تسلیم خواهد شد که بروسیه فرستاده شده و در آنجا موافق قوانین سیاست شود .

فصل نهم - طرفین معظمین معاهدین اهتمام خواهند داشت که شرایط این عهدنامه طابق النعل بالنعل معمول و مجری گردد . حکام ولایات و رؤسا و سایر مأمورین دولتین در هیچ موقع از مفاد آن تمرد نخواهند نمود والا جذاً مسئول و در صورتیکه مجدداً از مفاد آن تخلف کرده و کما هو حقه خلاف ایشان محقق گردید مستلزم عزل خواهند بود .

علیهذا ما امضا کنندگان ذیل ، وزرای مختار اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور روس شرایط مندرجه این عهدنامه را منعقد و مقرر داشتیم و

این شرایط که متمم فصل دهم عهدنامه عمده است که امروز در ترکمانچای منعقد شده است همان اعتبار و استحکام را خواهد داشت گانه لفظ بلفظ در همانجا درج شده باشد .

بنا علیهذا ، این قرارداد جداگانه به نسختین نوشته شده بامضا و مهر ما رسیده و مبادله گردید .

در ترکمانچای بتاريخ دهم فوریه سال نیکوفال ۱۸۲۸ مطابق پنجم شهر شعبان سنه ۱۲۲۳ هجری .

صورت مجلس در باب تشریفات پذیرائی سفراء کبار و مأمورین سیاسی که در ترکمان چای بتاریخ ۲۴ فوریه امضا شده است

وزرای مختار ایران و روس بر طبق فصل نهم عهدنامه عمده، امروز اجلاس کردند که برای پذیرایی سفرای کبار و وزرای مختار و شارژدافرها تیکه از طرفین بدربار یکدیگر فرستاده میشوند تشریفات مناسبی مرتب دارند و بالاتفاق تفصیل ذیل را مقرر داشتند :

بمحض اینکه وزیر ایران از ورود سفیر کبیر روس به تفریس رسماً مطلع گردید بدون اتلاف وقت، شخصی که رتبه او مناسب شأن سفیر بوده باشد منتخب نموده تا سرحد با استقبال مشارالیه خواهد فرستاد و در این ضمن وزیر ایران سر کرده کل گرجستان را از عزیمت مهماندار یعنی شخصی که برای همراهی سفیر کبیر معین شده است مطلع داشته و روز ورود او را به سرحد تخمیناً معین مینماید. سفیر کبیر هم اهتمام کرده و مسافرت خود را بطوری ترتیب خواهد داد که مقارن ورود مهماندار به سرحد برسد. از وقتیکه مهماندار سفیر کبیر را ملاقات مینماید مسئول حفظ امنیت و عزت و احترام مقتضیه جناب معزی الیه خواهد بود.

در هر منزل استقبالی یعنی هیئتی که مرکب از رئیس یا معتبرترین آن محل و چند نفر از معارف است با من تبع شایسته برای پذیرائی سفیر کبیر خواهد آمد.

اگر سفیر کبیر در حاکم نشین ایالتی مکث نماید هیئت مذکوره در تحت ریاست خود حاکم خواهد بود و مشارالیه به جناب سفیر کبیر تهنیت و تبریک گفته و معزی الیه را الی منزلی که برای او تهیه شده است مشایعت مینماید. در صورتیکه سفیر کبیر در یک شهری مکث نماید که حاکم آنجا فرزند اعلیحضرت همایونی است حضرت معظم الیه وزیر خود را برای تبریک و خوش آمد با استقبال معزی الیه میفرستد.

اگر سفیر کبیر بدیدن حضرت معظم الیه آید مشارالیه و تمام اشخاصیکه جزء سفارت هستند دعوت به جلوس شده و به جناب سفیر صندلی داده خواهد شد.

در رهگذر جناب سفیر هر جائی که قشون موجود است باید تحت السلاح بوده احترامات نظامی معموله را درباره معزی الیه مرعی دارند. مهماندار اهتمام کرده و وزارت را بموقع از ورود سفیر کبیر مطلع خواهد ساخت تا اینکه وزارت بتواند تدارکات لازمه ورود و پذیرائی رسمی مشارالیه را بعمل آورد.

وقتیکه سفیر کبیر به آخرین منزل پایتخت یا به آخرین منزل اردوی همایونی رسید شخص معتبری مشارالیه را از طرف اعلیحضرت همایونی خواهد پذیرفت. در نیمه راه الی پایتخت یا نیمه راه اردوی همایونی هیئت محترمی از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی بریاست یکی از رجال دربار با استقبال جناب معزی الیه خواهد آمد و عساکر ساخلوی شهر یا عساکر اردو به جناب معزی الیه پیش فنگ زده و احترامات نظامی لازمه را معمول خواهند داشت و رئیس مستقبلین همایونی فی الفور سفیر کبیر را به منزلی که برای مشارالیه مهیا شده و در آنجا گارد دونور گذارده شده است راهنمایی خواهد نمود. فردای ورود سفیر کبیر و وزیر اعلیحضرت همایونی و رجال سلطنتی بدیدن جناب معزی الیه خواهند آمد و پس فردای آن جناب سفیر کبیر رسماً بحضور همایونی مشرف خواهد شد.

ایشیک آقاسی باشی در ساعت مقررده آمده وبه جناب معزی الیه اطلاع خواهد داد که برای پذیرائی او همه چیز مهیا شده است . پس از آن جناب سفیر کبیر بترتیب ذیل حرکت خواهد کرد :

فراشان شاهی در جلو و از عقب آنها يك قسمتی از گارد یا از پیشخدمتان خود سفیر کبیر ملتزم بوده پس از آن جناب سفیر کبیر در حالیکه اسبی که از طرف همایونی فرستاده شده یا اسب خود را سوار میباشد . یکنفر از میر آخوران همایونی در جلو معزی الیه و هیئت سفارت در طرف دست راست و ایشیک آقاسی باشی در طرف دست چپ و شاطران سرکاری در جبین حرکت مینمایند ، بلافاصله قسمتی از گارد یا از پیشخدمتان خود جناب معزی الیه و در عقب آنها فراشان همایونی میآیند . عساکریکه در درون قصر یا در اردوی همایونی الی محل دخول بحیاطهای خلوت یا سرا پرده گذارده میشوند به سفیر کبیر پیش فنگگ خواهند زد و ایشیک آقاسی باشی که در جلو سفیر کبیر میرود سعی خواهد کرد که تمام اشخاصی که در محل گذر جناب معزی الیه هستند سر پا بایستند .

سفیر کبیر در محل دخول بحیاطهای خلوت یا سرا پرده پیاده شده بمنزل وزیر اول یا به چادر سپهسالار راهنمائی شده و در آنجا مدت قلیلی تا بیرون آمدن اعلیحضرت همایونی منتظر میشود . پس از آن ایشیک آقاسی باشی جلو افتاده و جناب سفیر کبیر با من تبع خود بحیاطهای خلوت یا سر سرا پرده داخل میشود . گارد یا پیشخدمتان جناب سفیر کبیر در محوطه خارجی مانده و ایشیک آقاسی باشی ورود سفیر کبیر را بعرض رسانیده و از طرف اعلیحضرت همایونی معزی الیه را تکلیف به جایگاه مخصوص یا چادر مینماید .

جناب سفیر با تمام من تبع مجاز بدخول خواهد بود و در هیچ مورد نه به سفیر کبیر ونه به اتباع معزی الیه تکلیف نخواهد شد که لباسی را که در بردارند تغییر دهند ، لیکن جناب معزی الیه و من تبع او سعی کرده و گالشی برای خود تحصیل خواهند نمود که در محل دخول به جایگاه مخصوص یا چادر بیرون آورند .

اعلیحضرت همایونی بعد از نطق سفیر کبیر ایشان را دعوت به جلوس فرموده و صندلی به جناب معزی الیه داده میشود . بعد از ختم مجلس سفیر کبیر به همان ترتیبی که آمده است مراجعت خواهد نمود بدون اینکه به منزل وزیر اعظم یا سپهسالار داخل شود . پس از این شرفیابی از کسانی که بدیدن او آمده اند بازدید خواهد کرد . برای وزیر مختار یا شارژدافر روس هم همین تشریفات برقرار خواهد بود الا اینکه صاحب منصبانی که با استقبال ایشان فرستاده میشوند در رتبه پست تر و اجزاء آنها در عده کمتر خواهند بود و تمام ساخلو برای مشارالیهم بیرون نخواهد آمد . فقط عساکر قراولخانه ها به مشارالیهم پیش فنگ میزنند .

وزیر اول اعلیحضرت همایونی در ملاقات سبقت نمیکند ولی بدون تأخیر در روز بعد به بازدید ایشان خواهد رفت . اگر سفیر کبیر یا وزیر مختار و شارژدافر حامل نامه ای از طرف سلطان خود بوده باشد اعلیحضرت همایونی آنرا بدست خودشان از او خواهند گرفت .

همین تشریفات نیز در روسیه درباره سفرای کبار و وزای مختار و شارژدافرای ایران که بسمت مأموریت بدربار پترزبورغ میروند مرعی و مجری میشود ، لکن تفاوت رسومات جاریه مملکتین هم منظور خواهد بود .

اینصورت که به نسختین نوشته شده و بامضا و مهر وزرای مختار طرفین رسیده است همان حکم و اهمیت را خواهد داشت کانه لفظ به لفظ در عهدنامه امروز مندرج شده باشد . در ترکمانچای ، دهم فوریه سال نیکوفال سنه ۱۸۲۸ مطابق پنجم شعبان سنه ۱۲۴۳ هجری .

اسناد احکام کدخدایی خانواده ایکه
قرارداد عهدنامه در خانه آنان
منعقد شده

روز چهارشنبه مورخ ۵۷/۳/۱۰ وارد قریه ترکمن چای شده و سراغ کسی که بتواند اطلاعاتی درباره محل انعقاد عهدنامه ترکمن چای و خانواده ای که میزبان متعاهدین بوده اند گرفتیم و به آقای حسین ساسانی برخوردیم ، که اظهار میداشتند عهدنامه در خانه اجداد من منعقد شده است . درمقابل سؤال اینکه این قریه مرکز بخش بوده و درکنار جاده تبریز - تهران و مورد توجه ، چرا خیلی آباد نشده ؟ جواب داد ازبس گفتند عهدنامه شوم ترکمان چای این قریه بشومی گرفتار شده و عقب ماند .

بهرحال بمنزل آقای حسین ساسانی وارد و با پدرش که در سنین کهولت می باشند ملاقات و اطلاعات زیر را کسب کردیم .

۱- نسب نامه آقای حسین ساسانی چنین است .

حسین ساسانی پسر آقا ، پسر حمداله ، پسر ابو الفتح ، پسر کربلای عباس ، پسر مهدی دین محمد .

۲- شناسنامه ساسانی بخاطر شجره نامه ای که به ساسانیان منتهی میشده برای خود گرفته اند . البته از شجره نامه خبری نبود ولی آقای آقا اظهار میداشت شناسنامه را بدون مأخذ و دلیل که نمیدهند . مسلماً صحیح بوده ، مخصوصاً اگر مربوط به سلسله سلاطین باشد ، حتماً باید مدلل باشد . بهر حال آقای حسین و پدرش آقای آقا معتقد به صحت شناسنامه و نسب شان بودند .

۳- مرحوم مهدی دین محمد اغلب میزبان عباس میرزا نایب السلطنه میبوده است و باتوجه باینکه مرحوم عباس میرزا نایب السلطنه فرمانده ارتش ایران بوده و

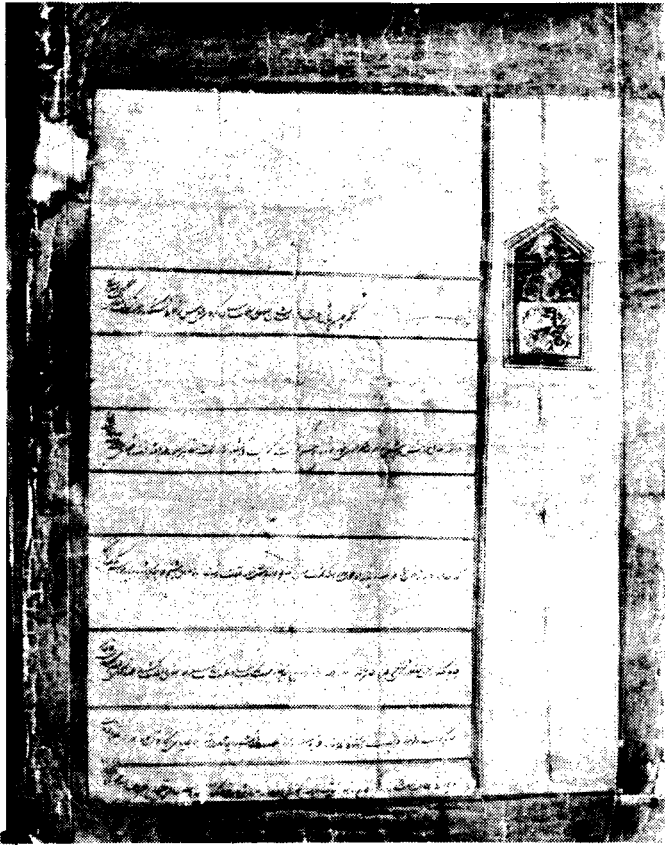
اغلب مابین هرات و تبریز در سفر و لشگر کشی بوده و برای فرود لشگر در اردوگاه‌هایی مانند چمن سلطانیه و سایر منازل بین راه توقف میکرده لذا در مراکز بخش‌ها و شهرهای مختلف کسانی همیشه میزبان او بوده‌اند .

۴- عباس میرزا و سلاطین و ولیعهدهای قاجار و حکام وقت مانند میرزا تقی‌خان امیر کبیر در مورد کدخدائی قریه ترکمان‌چای و مراعات حال این خانواده فرامین و توصیه‌نامه‌ها صادر کرده‌اند که عکسها و رونوشت‌های مربوطه درج میگردد.

۵- مدت توقف طرفین معاهده سه‌ماه بوده و آقای آقا بروایت از پدر بزرگش، از مانورهای نظامی ارتش پاسکویچ صحبت میکرده که هر روز یکدسته سرباز وارد میشده و مخفیانه مراجعت میکرده و فردا دوباره وارد میشدند و ظاهراً نشان میدادند که هر روز يك فوج وارد میشده است .

۶- آقای آقا گفت علت عدم پرداخت پول جهت سورات ارتش از طرف فتح‌علیشاه توهمی بوده که شاه از قدرت عباس میرزا داشت . در نتیجه از پرداخت پول برای حقوق ارتش و سایر هزینه‌ها مانند علیق و آذوقه خودداری کرده و عباس میرزا را در تنگنا قرار داده و باعث شکست او شد .

فرمان کدخدائی کر بلائی عباس



اثر مهر : در دریای خسروی عباس

حکم والا شد آنکه چون عالیشان عزت و مودت نشان اخلاص و ارادت بنیان کر بلائی عباس
ترکمانی هنگام مراجعت موکب کوکب از سفر سلطانیه
فراخور حال خود بیش از پیش بمراسم خدمتگذاری قیام نموده و حسن غلامیت او کما یجب
در پیشگاه مرحمت مظاهر جلوه ظهور یافته لهذا باقتضای مرحمت در موعد هده السنه
ایت ایل وما بعدها

کدخدائی قریه ترکمان را که بعهدہ پدر او محول بوده و بواسطه کثرت سن بتقدیم لوازم
شغل مزبور قدرت نداشت باو مفوض داشتیم که چنانچه شاید و باید بمراسم کدخدائی آنجا
قیام کند و حسن خدمتگذاری خود را من بعدها ظاهر سازد مقرر آنکه عالینجاه رفیع جایگاه
مجدت و نجات پناه عزت و سعادت همراه اخلاص و ارادت اکتناه عمدہ الخواص العظام
نجفقلی خان قاجار

حاکم سراب و گرم رود و ایلات شقای کدخدائی قریه مسطوره را بعهدہ عالیشان مشارالیه
محول داشعه بر عایای آنجا قدغن نماید که در تقدیم خدمات
دیوانی اطاعت مشارالیه را لازم دانند کتاب خبریت دفترخانه مبارکه شرح رقم
را ثبت و مصون از تغییر دارند و در عهدہ شناسند تحریراً فی شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۴۱.

در این اسامی

رعایا

که عايشان عزت نشان كره بلایى عباس از قدیمی ریش سفید و كدخدای قریه مزبوره بوده و

همواره اوقات در خدمت محوله بخود ساعی بوده اینجانب هم كدخدائی قریه مزبوره را بعایشان مشارایه

محول كردم باید احدی بغیر از مشارایه بامر كدخدائی دخل و تصرف نکنند و هر كس دخل و تصرف بامر

قریه مزبوره نماید مقصر و مورد تنبیه خواهد بود می باید همه اهالی آنجا كمافی السابق مشارایه را كدخدای خود دانسته از صلاح او تخلف ننماید البته بنحوی كه قلمی نشد رفتار نماید



رعایا و همپایان قریه ترکان را اعلام میدارد
که عایشان عزت نشان كره بلایى عباس از قدیمی ریش سفید و كدخدای قریه مزبوره بوده و
همواره اوقات در خدمت محوله بخود ساعی بوده اینجانب هم كدخدائی قریه مزبوره را بعایشان مشارایه
محول كردم باید احدی بغیر از مشارایه بامر كدخدائی دخل و تصرف نکنند و هر كس دخل و تصرف بامر
قریه مزبوره نماید مقصر و مورد تنبیه خواهد بود می باید همه اهالی آنجا كمافی السابق مشارایه را كدخدای
خود دانسته از صلاح او تخلف ننماید البته بنحوی كه قلمی نشد رفتار نماید
ظهر نامه اثر مهر : لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده محمد تقی

شان نشان کربلائی عباس کدخدای قریه ترکمان را مرقوم میدارد

قشون بطرف عراق وحشت کرده و بعضی از رعایا میخواهند کوچ نموده بدعات حول و

حوش بروند چون وقوع اینگونه عمل باعث خرابی منزل و رعیت است لهذا بآنعالیشان مرقوم میدارد که

بوصول این نوشته هرگاه احدی از رعایای قریه مزبوره بخواهد کوچ کرده بجای دیگر برود حسب الامر الاشرف

والا اورا گرفته بدارالسلطنه تبریز روانه نماید که مورد مؤاخذه و سیاست شود البته حسب الاعلام عمل نماید این

عالیشان عزت نشان کربلائی عباس کدخدای قریه ترکمان را مرقوم میدارد مذکور شد
رعایای قریه ترکمان از شنیدن عبور
قشون بطرف عراق وحشت کرده و بعضی از رعایا میخواهند کوچ نموده بدعات حول و
حوش بروند چون
وقوع اینگونه عمل باعث خرابی منزل و رعیت است لهذا بآنعالیشان مرقوم میدارد که
بوصول این نوشته هرگاه
احدی از رعایای قریه مزبوره بخواهد کوچ کرده بجای دیگر برود حسب الامر الاشرف
والا اورا
گرفته بدارالسلطنه تبریز روانه نماید که مورد مؤاخذه و سیاست شود البته حسب الاعلام
عمل نماید این

حکم عالی شد
 آنکه چون عالیشان کر بلائی عباس ترکمانی و برادران او بقراریکه
 اهالی ولایت مذکور میدانند
 و برادر مکرم امیر نظام مرقوم داشته اند سائهای سالت بهمه جهت معاف و مسماند مطالبه
 مالیات و عوارض از آنها نشده همچنین
 آنها که در اراضی خالصه قریه مزبوره زراعت میکنند در اینصورت بهره مالکانه نداده اند
 لهذا مقرر میشود که اولاً مباشرین و عمال
 مرقوم بقرار سنوات قبل معمول دارند و مطالبه مالیات و غیره نمایند و ثانیاً ملاک قریه
 مزبوره از آنها که در مزارع خالصه آنجا
 زراعت میکنند مطالبه بهره را موقوف دارند و خلاصه این حکم را موجب مؤاخذنه و تنبیه
 داند تحریراً فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۵۳.
 اثر مهر: لاله الا الله الملك الحق المبين فتحعلی

حکم عالی شد
 آنکه چون عالیشان کر بلائی عباس ترکمانی و برادران او بقراریکه
 اهالی ولایت مذکور میدانند
 و برادر مکرم امیر نظام مرقوم داشته اند سائهای سالت بهمه جهت معاف و مسماند مطالبه
 مالیات و عوارض از آنها نشده همچنین
 آنها که در اراضی خالصه قریه مزبوره زراعت میکنند در اینصورت بهره مالکانه نداده اند
 لهذا مقرر میشود که اولاً مباشرین و عمال
 مرقوم بقرار سنوات قبل معمول دارند و مطالبه مالیات و غیره نمایند و ثانیاً ملاک قریه
 مزبوره از آنها که در مزارع خالصه آنجا
 زراعت میکنند مطالبه بهره را موقوف دارند و خلاصه این حکم را موجب مؤاخذنه و تنبیه
 داند تحریراً فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۵۳.
 اثر مهر: لاله الا الله الملك الحق المبين فتحعلی

فدايت شوم
 اوقاتي كه نواب غفران مآب نايب السلطنه مغبور البر الله حلال النور
 بجهت انعقاد عهدنامه مبارکه دولتي در ترکمان توقف داشته اند کدخدائي آنجا را محض
 ملاحظه خدمت گداري
 بمرحوم کربلايي عباس ترکماني واگذار و مبلغ پانزده تومان نقد و هفتخروار و پنجاه
 من جنس مستمري درحق جد و پدر وي برقرار
 نموده اند ابوالفتح بيگ پسرش تاکنون در سر کدخدائي آنجا برقرار و نقد و جنس مزبور
 را تمام وکمال
 مي گيرد گويا اين روزها کربلايي بابا و کربلايي علم که عموهاي او هستند و در خارج
 ترکمان سکني دارند
 ميخواهند اخلائي درعمل مستمري او بهمرسانند و حال آنکه اين مستمري مخصوص کسي است
 که هميشه در ترکمان مقيم و متحمل مخارج و زحمات مترددين مي باشد لهذا استدعا دارم
 بعد از ملاحظه رقم فاضلاني و سایر اسناد او حکمي التفات بفرمايند مباشرين
 امور ديواني
 گرمروند کما في السابق مستمري او را بر خود عايد داشته و نگذارند احدي را مزاحم و
 و متعرض اخوان او شود



فدايت شوم
 اوقاتي كه نواب غفران مآب نايب السلطنه مغبور البر الله حلال النور
 بجهت انعقاد عهدنامه مبارکه دولتي در ترکمان توقف داشته اند کدخدائي آنجا را محض
 ملاحظه خدمت گداري
 بمرحوم کربلايي عباس ترکماني واگذار و مبلغ پانزده تومان نقد و هفتخروار و پنجاه
 من جنس مستمري درحق جد و پدر وي برقرار
 نموده اند ابوالفتح بيگ پسرش تاکنون در سر کدخدائي آنجا برقرار و نقد و جنس مزبور
 را تمام وکمال
 مي گيرد گويا اين روزها کربلايي بابا و کربلايي علم که عموهاي او هستند و در خارج
 ترکمان سکني دارند
 ميخواهند اخلائي درعمل مستمري او بهمرسانند و حال آنکه اين مستمري مخصوص کسي است
 که هميشه در ترکمان مقيم و متحمل مخارج و زحمات مترددين مي باشد لهذا استدعا دارم
 بعد از ملاحظه رقم فاضلاني و سایر اسناد او حکمي التفات بفرمايند مباشرين
 امور ديواني
 گرمروند کما في السابق مستمري او را بر خود عايد داشته و نگذارند احدي را مزاحم و
 و متعرض اخوان او شود



قسمتی از شهرک ترکمانچای (ترکمان) مرکز دهستان بروانان از بخش ترکمانچای



مجموعه خانه‌هاییکه متعلق به یکنفر بوده و عهدنامه در یکی از اطاقهای آن منعقد شده بود متأسفانه نوسازی شده و از بین رفته است



در این قسمت نواده مهدی دین محمد ساکن است ولی در اصل محل تنور خانواده بوده است



آقای آقا ساسانی نواده مهدی دین محمد که از قطع مستمریهای معموله قدیم ناراضی میباشد

حمام عمومی ترکمانچای منسوب به میرزاتقی خان امیرکبیر



در ورودی قدیمی حمام ترکمانچای گنبد رختکن بزرگتر از گنبد داخلی بوده و در سمت چپ عکس مرئی است



کوشه جنوب غربی حمام ترکمانچای و گنبد رختکن

فهرست اعلام

۱۵	بادیه
۸۶،۸۴،۶۵	باشلخ
۹	برزلیق
۹	بروانا
۹	بروانان
۹	بزکش
۹	بستان آباد
۱۱	بحر خزر
۲۰	بن اوره
۹۳	بوغاز باسان
۳۱	بی چوں چی

پ

۳۷،۲۹	هرشیم
۱۶۵	پطرز بورغ
۸۷	پی یه

ت

۵۰	تاباخ چی
۱۶	تاریخ لی کوچه سی
۳۶ ۳۳	تایا
۱۵۹، ۱۰۱، ۵۷، ۱۱، ۱۰، ۹	تبریز
۱۷۶، ۱۶۸	
۱۵۴	ترانس فورما زور
۹	ترك
۱۸، ۹	ترکمان
۱۱، ۱۰، ۹	ترکمان چای
۱۰	ترکمان رود
۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶	ترکمن جای
۳۹، ۳۴، ۲۹، ۲۷، ۲۴، ۲۳، ۲۱	
۴۹، ۴۸، ۳۷، ۳۶، ۳۴، ۳۳، ۴۰	
۶۴، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷	
۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۶۸، ۷۶، ۶۵	
۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۶	

الف

۲۰	آتما
۱۴۹	آدینه بازار
۱۵۴، ۱۲۵، ۱۴	آذربایجان
۳۱	ارخ
۱۵۰، ۱۴۹	ارشق
۱۱	ارنجق
۱۵۰	آستارا (رود)
۱۰۵، ۱۶	آشاغی محله
۱۰۵	آشاغی مسجد
۱۵	آغ یل (باد سفید)
۶۳، ۶۲	آل
۱۴۷	آلکساندر ابروسکوف
۱۴۷	آلکساندر نورسکی
۲۰	آلوار
۳۵	آنادر
۱۰۵	اکبریّه
۲۹	اکمه (بذریاشی)
۹	النجارق
۹	اوج تپه
۳۵	اوه درو
۳۰	اوراخ
۳۷، ۲۹، ۲۸، ۲۷	ایپ
۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۷، ۱۴، ۱۰	ایران
۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۲	
۱۶۲، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸	
۱۵۴، ۱۵۲	ایروان

ب

۱۰۶، ۱۶	باباالی کوچه سی
۳۱۰	بارماخ جیل
۴۱	بایدا
۱۱۳	بایراملخ

۱۶ خلیل بولاغی
 ۹ خواجهده
 ۱۰ خواجهغیات (دهکنه)
 ۹۳ خورزک
 ۵
 ۸۹ داراخ لاماخ
 ۱۵ داغیلی (بادکوهستان)
 ۴۲ داوارجن
 ۳۳ دج
 ۱۵۲ دریاچه ارومی
 ۱۰ دهخدا
 ۳۴ دیرمان
 ۲۷ دیم سولو
 ۱۶ دینی بولاغی
 ۵۲ ذاکر علی ابراهیمی
 ۱۱ رشت
 ۳۴ رفیده
 ۱۵۳ رود ارس
 ۱۵۳ رود جفتور
 ۱۵۳ رود قزل اوزن
 روسیه
 ۱۵۲، ۱۵۰، ۱۴۸، ۱۴۷
 ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۳
 ۱۶۰
 ۱۰۵ زینبیه
 ۱۴۷ زان پاسکیمویج
 ۱۴۹ ساری قمیش
 ۵۶، ۵۵، ۵۳ ساغدوش
 ۹ سراب
 ۹۱ سخماجا
 ۱۷ سوباشی (دهکنه)
 ۳۷ سواراخ
 ۵۶، ۵۵، ۵۳ سولدوش
 ۱۷ سید دوواری (دهکنه)
 ش
 ۱۶۵، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷ شارزدافر

۱۱۰، ۱۰۵، ۹۳، ۹۱، ۹۰، ۸۸، ۸۷
 ۱۴۸، ۱۲۶، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۲
 ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۵۶، ۱۶۲، ۱۶۶
 ۱۶۸
 ۳۵ تندیر
 ۱۷۶، ۵۷ تهران
 ۹ تیرچائی
 ۶۰، ۲۷ تیکه
 ج
 ۱۵۰ جبال قفقاز
 ۳۳ جره
 ۱۵۳ جهریق (رود)
 ج
 ۳۳ چاناخ
 ۱۷ چاناخ بولاغ
 ۱۶ چای بولاغی
 ۱۱۲ چرشنیه بازاری
 ۱۱۴، ۱۰۸ چرشنیه لیخ
 ۱۱۴، ۱۰۸ چرشنیه یه میشی
 ۵۸ چله داغی
 ۱۶۲ چمن سلطانیه
 ح
 ۱۴۷ حاجی ترخان
 حاجی لار کوچه سی (کوچه حاجی لار)
 ۱۰۵، ۱۶
 ۲۰ حالای
 ۱۵۲ حسن خان
 ۱۵۲ حسین خان سردار ایروان
 ۱۶۶ حسین ساسانی
 ۱۰۶، ۱۰۵ حسینیه
 ۵۸ حضرت امام حسین (ع)
 ۶۲ حضرت زهرا (ع)
 ۶۱ حضرت عیسی (ع)
 ۶۱ حضرت مریم (ع)
 ۱۶ حمزه علی کوچه سی (کوچه حمزه علی)
 ۱۶ حیدرقتی بولاغی
 خ
 ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۴۸ خانان
 ۱۵۳، ۱۵۱، ۱۵۰ خزر (دریا)
 ۳۵ خشه

۱۷ کول ديم
 ۳۱ کول گندريك
 ۴۱، ۱۹ كوم
 ۱۶ کير بيت لى کوچه سى

سى

۱۶۲، ۱۴۷ گرجستان
 ۲۵، ۲۳ گزنه
 ۲۶ گلپف
 ۴۲ گورداخ
 ۴۱ گوموجه

م

۱۱ مازندران
 ۱۰ مازندران (درياچه)
 ۲۸ مجتبی موسوی
 ۱۰ مرآت البلدان
 ۶۰، ۵۹، ۵۷، ۵۳، ۴۵ مسلم شهر چنگک
 ۳۸، ۲۹ موماگران
 ۱۰۵ مسجد جامع (رسول اله)
 ۱۰۵ مسجد مهدی
 ۱۶ مهدی لى بولاغی
 ۱۰۵، ۱۶ مهدی لى محله سى
 ۱۱ مهمان دوست
 ۲۲، ۱۱، ۱۰، ۹ میانه
 ۲۳ میرزا تقی خان امیر کبیر

ن

۴۱ ناخرجی
 ۲۳ ناصرالدین شاه
 ۱۵۲، ۱۵۲، ۱۴۸ ننجوان
 ۱۹ نین

و

۳۴ وردنه
 ۱۰ ورزقان (دهکده)
 ۱۰ ورن کش (دهکده)
 ۳۵ وریان

ه

۳۹ هامپا
 ۱۶۸ هرات

ی

۲۴، ۲۰ یابپایا
 ۵۹ یریک له مک

۱۱ شاهرود (رود)
 ۳۳ شش
 ۱۱ شهر چائی
 ۱۷ شهر خرامان

ص

۳۳، ۱۸ صومعه سفلی (دهکده)

ط

۱۴۹ طالش

ع

عباس میرزا (نایب السلطنه) ۱۳۸، ۱۰

۱۶۸، ۱۵۱

۱۰۵ عباسیه

غ

۳۹، ۳۳، ۱۸، ۱۱ غریب دوست

ف

۱۷ فتح اله کلنتر

ق

۱۷ قاجاریه

۱۷ قارا آغاشلیق (دهکده)

۱۰۵ قاسمیه

۱۴ قبر عثمانی

۱۵۳ قراباغ

۱۱ قزل اوزن

۱۴۷، ۱۰ قفقاز

۱۴۹ قلّه جکیر

۱۵۰ قلّه کمر قوئی

۲۳ قورقچی

۱۰۳، ۱۰۰، ۴۶ قوالموخچی

۱۷ قویباج

ک

۱۶ کرت لر کوچه سى

۲۴، ۲۰ کرمه

۱۵۲ کریم خان (حاکم ننجوان)

۶۸ کس کاج

۹ کلاله

۲۶ کلیددان

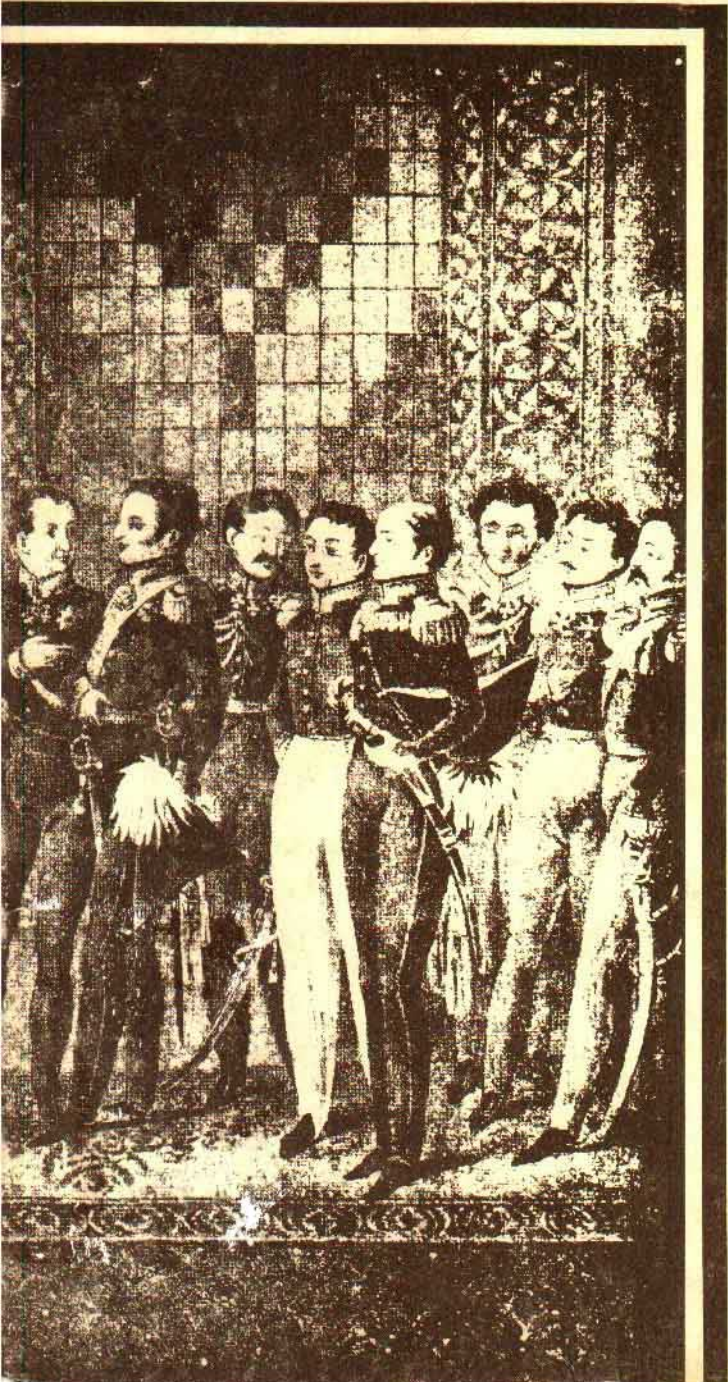
۶۹ کورت شیلینگک

۱۱ کورده ده (دهکده)

۱۳، ۱۱ کوسه لر یا کوهسالار (دهکده)



عباس میرزا در جلسه معاهده صلح ایران و روسیه در کمانجای



ریال